



پوهنتون سلام
پوهنځی شریعات و قانون
پوهنځی ماسټری فقه و قانون



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
پوهنتون های خصوصی

آثار اقرار خط های رسمی (ارساله ماسټری)

محصل: حکم جان (حکیم)
استاد زهنما: دکتور محمد سلیم (مدنی)
سال 1399 هـ ش - 1441 ق هـ ش



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
ریاست پوهنتونهای خصوصی

آثار اقرار خط های رسمی

رساله ماستری

محصل : حکم جان (حکیم)

استاد رهنما: دکتور محمد سلیم (مدنی)

سال : ۱۳۹۹ هـ ش - ۱۴۴۱ هـ ق

صلى الله عليه وسلم



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپارتمنت فقه و قانون

پورد ماستری

تصدیق نامه

محترم حکم جان ولد گدای محمد: ID: 97-441-SH-MSF محصل دور ششم فقه و قانون که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: آثار اقرار خط های رسمی به روز جمعه تاریخ ۱۳۹۹/۷/۱۸ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق 40 (نمره به عدد) نجد (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور رفیع الله عطاء	عضو هیات	
۲	دکتور شیر علی ظریفی	عضو هیات	
۳	دکتور محمد سلیم مدنی	استاد رهنا و رئیس جلسه	

معاون علمی

امر پورد ماستری

خلاصه بحث :

طرق اثبات در نزد علماء فقه که در قوانین افغانستان بنام وسایل ثبوت آنرا بحث نموده اند بنابه اهمیت که دارد اولین وسیله ثبوت است و این اقرار هنگامی که درج اقرار خط رسمی میگردد، اسناد رسمی شمرده میشود.

تعریف اقرار خط رسمی : سندی است که اقرار مقرر در ورق بهادار (وثیقه شرعی) در محکمه با صلاحیت صورت میگیرد.

از اینکه اقرار در اثبات حق در درجه نخست قرار دارد لهذا وثوق و اعتبار رسمی آن هنگامی دلیل معتبر و سند بوده و ذمه انسان را مشغول مینماید که در محکمه با صلاحیت در نزد هیات قضائی می باشد. لهذا از این موضوع تحت عنوان (آثار اقرار خط های رسمی) بحث نمودم در این اثر از مبادی اقرار که شامل معرفی، دلایل و مشروعیت اقرار ارکان و شرایط اقرار که مقرر، مقررله و مقرر به است بحث نمودم که عموماً دارای اهمیت ذیل است :

اهمیت اقرار خط : قرار ذیل است :

الف : اثبات حق برای مقرر له

ب : قطع نزاع بین طرفین دعوی

ج : رفع اتهام و اثبات آن

د : اثبات صلاحیت قانون

هدف موضوع : اثبات مکلفیت حفظ حقوق و رفع خصومات می باشد.

روش تحقیق : در مورد موضوع مورد بحث خود از روش و شیوه های کتابخانه ئی و استنهاها و متحدالمال های ستره محکمه و در صورت ضرورت از تجارب قضات و مشوره های استادان خود حصول نمودم.

نتایج تحقیق : انواع اقرار خط های رسمی و آثار آن در پرتو قوانین افغانستان بحث صورت گرفته که در همه موارد قوانین با فقه مخالف به نظر نیامده است و نحوه ترتیب و اثر هر اقرار خط باهم متفاوت

بوده که طی مباحث و مطالب مستقل در این رساله از آن بحث صورت گرفته است. در مواردی مثالهای نمونه‌ئی هم تحریر گردیده است.

از اینکه در اقرار خط‌های رسمی بخش مهم را مقرر احتوا می‌نماید و این نوع وثایق شرعی نیز به همین نام (اقرارخط) مسمی گردیده و چون شخص مقرر بحیث یک انسانیکه از ملابسات و عوارض انسانی عاری نمی‌باشد لذا در فصل اول از مکلفیت مقرر موانع اقرار به تفصیل بحث صورت گرفته و هم‌چنان از ارکان دیگریکه عبارت از مقررله در حق کسی و یا چیزیکه اقرار میشود دارای کدام شرایط باشد و مقرر به به چیزیکه اقرار میشود کدام حقوق است و شرایط آن بحث صورت گرفته است.

و در فصل دوم از ترتیب و آثار، انواع اقرار خط‌های رسمی و دیگر موضوعات مهم متعلق به این تحقیق صورت گرفته است که اهداف ذیل را در قبال دارد.

که در نتیجه این اثر برای آشنائی هم مسلکان خود و مخصوصاً کارمندان بخش عدلی و قضائی که ثمره همین نهاد‌های علمی است که کارمندان متعهد و متخصص را به جامعه تقدیم می‌نماید تا باشد که از این رساله در محل کار استفاده عملی خواهند نمود.

شکر و تقدیر :

به تاسی از فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم، که میفرماید : (من لم يشكر الناس لم يشكر الله)^۱ یعنی کسی که سپاسگزاری نیکی های مردم را بجا نیاورد شکر نعمت های الله را بجا نمی آورد، بنابر این :

اولاً :- الله عزوجل را سپاس گذارم که نعمت های بیکران از جمله نعمت بزرگ هدایت به دین اسلام و توفیق به تحصیل علم شریعت اسلامی را برایم ارزانی فرمود.

ثانیاً :- والدین گرامی خویش را که در نشأت و تربیه بنده زحمات مشفقانه را متقبل شدند سپاس گذاری مینمایم.

ثالثاً :- عموم استادان بنده که از ابتدای تعلیم و تربیه بنده سعی و تلاش بی دریغ نمودند و بطور خاص نهاد علمی پوهنتون سلام پوهنخی شریعت که در تاسیس بخش ماستری تلاشهای دلسوزانه نموده و برای فرزندان این وطن زمینه تحصیلات عالی را با وجود همه مشکلات مساعد نموده اند متشکرم.

رابعاً :- بالای خویش لازم میدارم که استادان بزرگوار پروگرام ماستری که در خلال دو سال در تدریس و رهنمائی ما با مصروفیتهای علمی و اجتماعی که بدوش داشتند تلاشهای زیاد بخرچ دادند و زحمات زیادی را متحمل شدند، به ویژه استاد بزرگوارم دکتور محمد سلیم (مدنی) که رهنمای رساله بنده را بدوش گرفتند و رهنمائی بنده را با مهربانی و عطوفت نمودند، از مشوره های گران بهای شان ما را مستفید نمودند از ایشان خیلی متشکرم، و همچنان لازم میدارم که از استادان بزرگوار خویش هر یک دکتور رفیع الله (عطاً) و دکتور شیرعلی (ظریفی) که مناقشه رساله بنده را متقبل شدند و بنده را از ملاحظات علمی خود مستفید خواهند نمود سپاس و قدردانی مینمایم.

^۱ - ابوداود، (۵۵/۴) سلیمان بن الأشعث السجستانی الازدی. (ت ۱۳۸۸ هـ) سنن ابوداود (۱۲۵/۴) مطبوع مع معالم السنن، نشر و توزیع اسید حمص : الطبعه الاولى

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول	۶
کلیات و مفاهیم موضوع	۶
مبحث اول : تعریف اقرار	۶
مطلب اول : تعریف لغوی اقرار	۶
مطلب دوم : تعریف اصطلاحی اقرار	۶
تعریف فقهای	۶
۱ - تعریف فقهای حنفی	۶
۲ - تعریف مالکی ها	۷
۳ - تعریف فقهای شافعی	۷
۴ - تعریف فقهای حنبلی	۷
تعریف مختار	۸
مطلب سوم : تعریف اقرار در قوانین افغانستان	۸
۱- اعتراف یا اقرار قضائی	۹
۲ - اعتراف غیر قضائی	۹
مقایسه تعریف اقرار در فقه با قانون	۹
مبحث دوم : مشروعیت اقرار	۱۰
الف : مشروعیت اقرار به کتاب الله	۱۰
ب مشروعیت اقرار به سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم	۱۲
ج : مشروعیت اقرار به اجماع و معقول	۱۶
۱- اجماع	۱۶
۲- از نگاه معقول	۱۶
مبحث سوم : شروط و ارکان اقرار	۱۷

- شرط اول : مقرر باید عاقل باشد..... ۱۷
- الف : حکم اقرار مجنون..... ۱۷
- ب - اقرار سکران (مست) و حکم آن ۱۸
- اقوال علماء در حکم اقرار سکران ۱۸
- شرط دوم مقرر باید بالغ باشد (صغیر) نباشد..... ۲۰
- قول اول..... ۲۱
- قول دوم..... ۲۱
- دلیل قول اول..... ۲۱
- دلیل قول دوم..... ۲۱
- ترجیح..... ۲۱
- تشخیص و تثبیت سن رشد قانونی..... ۲۱
- متن استهداء..... ۲۲
- نظر کمیته علمی وثایق..... ۲۴
- تصویب شماره (۱۴۴) مورخ ۶/جوز/۱۳۶۰/ شورای عالی ستره محکمه..... ۲۵
- شرط سوم : مختار باشد..... ۲۶
- شرط چهارم - مقرر معلوم باشد..... ۲۶
- شرط پنجم : مقرر محجور علیه نباشد..... ۲۶
- تعریف محجور در لغت..... ۲۶
- تعریف محجور در اصطلاح..... ۲۷
- اصناف محجورین..... ۲۷
- اقرار سفیه..... ۲۷
- تعریف سفیه در لغت..... ۲۷
- در اصطلاح..... ۲۷
- اقوال علماء در تصرفات سفیه..... ۲۷
- ترجیح : قول سوم بنظر راجح می آید بخاطر قوت دلیل ایشان و سلاح بودن آن. والله اعلم..... ۲۹
- شرط ششم : ظاهر الحال اقرار مقرر را تکذیب ننماید..... ۲۹
- ۱- مثال اقرار محال عقلی..... ۲۹

۲۹	۲- مثال اقرار به محال شرعی
۲۹	۳- اقرار برای حمل
۳۰	شرط هفتم - مقرر به اقرار خود عالم باشد
۳۱	مطلب دوم : مقرر له و شروط آن
۳۱	شرط اول : مقرر له معلوم باشد
۳۱	قول اول
۳۲	قول دوم
۳۲	استدلال قائلین به منع مطلق
۳۲	استدلال قائلین به جهالت یسیره یا اندک
۳۳	فقه‌های حنفی در جهالت زیاد و کم اختلاف دارند
۳۴	شرط دوم : اهلیت، استحقاق و تملک را حساً و شرعاً داشته باشد
۳۴	الف : اقرار برای حمل
۳۵	حالت اول
۳۵	قول راجح
۳۵	حالت دوم
۳۶	قول راجح
۳۶	ب : اقرار برای شیر خور و طفل
۳۶	ج : اقرار برای غیر از انسان مانند یک جهت یا حیوان
۳۷	شرط سوم : مقرر له مقرر را تکذیب نه نماید :
۳۸	قول اول
۳۹	قول دوم
۳۹	استدلال شان
۴۱	مطلب سوم : مقرر به و شروط آن
۴۱	شرط اول
۴۲	شرط دوم
۴۲	مثال محال شرعی
۴۲	مثال محال عقلی

شرط سوم.....	۴۲
شرط چهارم.....	۴۲
مبحث چهارم : شروط اقرار در قانون افغانستان.....	۴۳
مقایسه شروط اقرار از نگاه فقه با قانون.....	۴۳
فصل دوم ترتیب و انواع اقرار خط ها و آثار آن.....	۴۵
مبحث اول : ترتیب اقرار خط ها و اقرار خط حصر وراثت.....	۴۶
مطلب اول : ترتیب اقرار خط ها.....	۴۶
۱ - مبنی ثبت وثایق.....	۴۶
۲ - صلاحیت محکمه یا اداره ثبت اسناد و وثایق.....	۴۶
الف : صلاحیت ماهوی.....	۴۶
ب : صلاحیت حوزوی.....	۴۷
۳ - تثبیت اهلیت شاملین وثیقه.....	۴۷
الف : تکمیل سن رشد.....	۴۷
ب : تثبیت شخصیت.....	۴۸
ج : درج مشخصات تذکره در وثیقه.....	۴۸
د : نصب عکس اشخاص در وثیقه.....	۴۸
هـ : اخذ نشان انگشت شاملین وثیقه.....	۴۸
۴ - ستون های وثیقه.....	۴۹
الف : ستون تعرفه اشخاص.....	۴۹
ب : ستون موضوع و تحدید.....	۴۹
ج : ستون تشریحات.....	۵۰
۵- ثبت و اجرای وثیقه.....	۵۲
الف : تطابق مندرجات وثیقه با اسناد بنیادی.....	۵۲
ب : تثبیت هویت شاملین وثایق در حین اخذ اقراری و استماع شهادت.....	۵۲
ج : ثبت وثیقه.....	۵۲
د : تکمیل وثیقه در صورت تبدیل شدن قاضی اجراکننده آن.....	۵۳
هـ : دقت هیئت قضایی در تثبیت محل مهر و امضای خود.....	۵۴

.....	ساختار عملی و ثایق	۵۴
.....	انواع اقرار خط	۵۴
.....	مطلب دوم : ترتیب اقرار خط حصر وراثت	۵۸
.....	مطلب سوم : اثر اقرار خط حصر وراثت	۶۰
.....	مبحث دوم : ترتیب و آثار اقرار خط ذوالیدی	۶۵
.....	مطلب اول : ترتیب اقرار خط ذوالیدی	۶۵
.....	مطلب دوم : اثر اقرار خط ذوالیدی	۶۶
.....	مبحث سوم : ترتیب و آثار اقرار خط اعتراف به جرم	۷۲
.....	مطلب اول : ترتیب اقرار خط اعتراف به جرم	۷۲
.....	اثر اقرار خط اعتراف به جرم	۷۳
.....	قول اول جمهور علماء حنفی و شافعی	۷۴
.....	قول دوم	۷۴
.....	مبحث چهارم : اقرار خط عدم دعوی	۷۶
.....	مطلب اول : ترتیب اقرار خط عدم دعوی	۷۶
.....	مطلب دوم : آثار اقرار خط عدم دعوی	۷۷
.....	مبحث پنجم : اقرار خط عدم تعرض	۷۹
.....	مطلب اول : ترتیب اقرار خط عدم تعرض	۷۹
.....	مطلب دوم : اثر اقرار خط عدم تعرض	۸۰
.....	مبحث ششم : اقرار خط فسخ نامزادی و آثار آن	۸۱
.....	مطلب اول : ترتیب اقرار خط فسخ نامزادی	۸۱
.....	مطلب دوم : اثر اقرار خط فسخ نامزادی	۸۲
.....	مبحث هفتم : اقرار خط محرمیت و آثار آن	۸۳
.....	مطلب اول : ترتیب اقرار خط محرمیت	۸۳
.....	مطلب دوم : اثر اقرار خط محرمیت	۸۴
.....	مبحث هشتم : اقرار انصراف از نامزادی و آثار آن	۸۶
.....	مطلب اول : ترتیب اقرار خط انصراف از نامزادی	۸۶
.....	مطلب دوم : اثر اقرار خط انصراف از نامزادی	۸۷

- مبحث نهم : اقرار خط تصدیق اهلیت و شخصیت ۹۰
- مطلب اول : ترتیب اقرار خط تصدیق اهلیت و شخصیت ۹۰
- مبحث دهم : اقرار خط مشرف شدن به دین مقدس اسلام ۹۰
- مطلب اول : ترتیب اقرار خط تشرف به دین مقدس اسلام ۹۰
- مطلب دوم : اثر اقرار خط اشراف بدین مقدس اسلام ۹۱
- مبحث یازدهم : اقرار خط رسید مال مسروقه ۹۳
- مطلب اول : ترتیب اقرار خط رسید مال مسروقه ۹۳
- مطلب دوم : اثر اقرار خط رسید مال مسروقه ۹۳
- مبحث دوازدهم : اقرار خط رسید مال صغیر ۹۴
- مطلب اول : ترتیب اقرار خط رسید مال صغیر ۹۴
- مطلب دوم : اثر اقرار خط رسید مال صغیر ۹۵
- مبحث سیزدهم : اقرار خط تصدیق ازدواج و اثر آن ۹۵
- مطلب اول : ترتیب اقرار خط تصدیق ازدواج ۹۵
- مطلب دوم : اثر اقرار خط تصدیق ازدواج ۹۶
- مبحث چهاردهم : اقرار خط پلوان شریکان ۹۶
- مطلب اول : ترتیب اقرار خط پلوان شریکان ۹۶
- مطلب دوم : اثر اقرار خط پلوان شریکان ۹۷
- مبحث پانزدهم : اقرار خط تصحیح اسم ۹۹
- مطلب اول : ترتیب اقرار خط تصحیح اسم ۹۹
- مطلب دوم : اثر اقرار خط تصحیح اسم ۱۰۰
- مبحث شانزدهم : اقرار خط عاق اولاد و اثر آن ۱۰۱
- مطلب اول : ترتیب اقرار خط عاق اولاد ۱۰۱
- مطلب دوم : اثر اقرار خط عاق اولاد ۱۰۲
- مبحث هفدهم : اقرار خط عزل وکیل و اثرات آن ۱۰۳
- مطلب اول : ترتیب اقرار خط عزل وکیل ۱۰۳
- مطلب دوم : اثر اقرار خط عزل وکیل ۱۰۴
- مبحث هجدهم : اقرار خط گرفتن معاون و اثرات آن ۱۰۵

مطلب اول : ترتیب اقرار خط گرفتن معاون	۱۰۵
مطلب دوم : اثر اقرار خط گرفتن معاون	۱۰۶
مبحث نهم : اقرار خط عزل معاون	۱۰۷
مطلب اول : ترتیب اقرار خط عزل معاون از طرف گدام دار، خزانه دار و یا معتمد	۱۰۷
مطلب دوم : اثر اقرار خط عزل معاون	۱۰۷
مبحث بیستم : اقرار خط انصراف استیناف خواهی یا فرجام خواهی	۱۰۸
مطلب اول : ترتیب اقرار خط انصراف از استیناف خواهی یا فرجام خواهی	۱۰۸
مطلب دوم : اثر اقرار خط استیناف خواهی یا فرجام خواهی	۱۰۹
مبحث بیست و یکم : اقرار خط دو برادری و آثار آن	۱۰۹
مطلب اول : ترتیب اقرار خط دو برادری	۱۰۹
مطلب دوم : اثر اقرار خط دو برادری	۱۱۰
مبحث بیست و دوم : اقرار خط مدرس بودن و آثار آن	۱۱۱
مطلب اول : ترتیب اقرار خط مدرس بودن	۱۱۱
مطلب دوم : اثر اقرار خط مدرس بودن	۱۱۲
مبحث بیست و سوم : اقرار خط تجرد و اثر آن	۱۱۲
مطلب اول : ترتیب اقرار خط تجرد	۱۱۲
مطلب دوم : اثر اقرار خط تجرد	۱۱۳
مبحث بیست و چهارم : اقرار خط ترک پیشه و اثر آن	۱۱۴
مطلب اول : ترتیب اقرار خط ترک پیشه	۱۱۴
مطلب دوم : اثر اقرار خط ترک پیشه	۱۱۴
مبحث بیست و پنجم : اقرار خط لاجایدادی و اثر آن	۱۱۵
مطلب اول : ترتیب اقرار خط لاجایدادی محصلین پوهنتون ها	۱۱۵
مطلب دوم : اثر اقرار خط لاجایدادی محصلین پوهنتون ها	۱۱۵
خاتمه	۱۱۹
مهمترین نتایج بحث	۱۱۹
فهرست آیات قرآنکریم	۱۲۲
فهرست احادیث شریف	۱۲۳

۱۲۴.....	فهرست آثار.....
۱۲۵.....	فهرست اعلام ترجمه شده.....
۱۲۸.....	فهرست مصادر و مراجع.....

مقدمه :

الحمد لله رب العالمين نحمده ونستعينه ونستغفره ونستهديه ونتوب إليه ، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا ، من يهده الله فلا مضل له ، ومن يضل فلا هادي له ، وأشهد ألا إله إلا الله وأشهد أن محمد عبده ورسوله ، اللهم صلي وسلم وبارك على عبدك ونبيك محمد ، وعلى آله وأصحابه أجمعين ، أما بعد :

الف : اهمیت موضوع

یکی از مهم ترین وظایف محاکم قطع نزاع رفع ظلم تحقق عدالت و اطمینان مردم از عقود و تصرفات قانونی آنها در پرتو شریعت و قانون بوده که محاکم در عرصه های مختلف به این وظایف مهم خویش عمل نموده که از جمله یکی آن همانا اسناد شرعی میباشد که این اسناد بنیادی و شرعی بنام وثایق شرعی، اعم از فیصله ها، قباله، وکالت خط ها، رسید خط ها، نکاح خط و اقرار خط ها گرچه همه این اسناد وثایق در آن اقرار مقرر صورت میگیرد اما تشریفات آن با اقرار خط های مورد بحث متفاوت میباشد که بنده از جمله تمام اسناد صرف در مورد آثار اقرار خط های رسمی موضوع بحث خود را انتخاب و بحث خود را در مورد آن ترتیب نمودم.

از اینکه اقرار در شریعت مقدس اسلام از جایگاهی مهمی برخوردار است که این اقرار شهادت شخص بالای خودش میباشد اما در اقرار خط های رسمی اکثراً مقرین به علم خویش در مورد مقرر له و مقرر به عندالمحکمه و یا اداره ثبت اسناد وثایق در نزد هیات موظف قضائی اقرار نموده که همین اقرار مقرین در اسناد معتبر و بهادار که از اعتبار مادی، معنوی، ضمانت و پشتی بانی دولتی برخوردار است که این اسناد معتبر که اقرار مقرین اشهد شهود، مقرر له و مقرر به را در خود احتوا می نماید از اینکه مقرین در ترتیب آن رول بس مهم دارند لذا این اسناد بنام اقرار خط مسمی گردیده است.

چون اقرار خط های رسمی اسناد معتبر بوده طوریکه فوقاً متذکر گردیدیم از ضمانت و پشتی بانی دولتی برخوردار است در صورتیکه با معیار های قانونی برابر بوده باشد قبل از دوران دعوی دلیل الزام و مدار حکم قرار میگیرد که اولاً در مورد اقرار بحث صورت گیرد که همانا تعریف اقرار در فقه و قانون، مشروعیت اقرار ارکان اقرار بحث مفصل صورت گرفته بنابه اهمیت آن الله عزوجل میفرماید (والیمل الذی علی الحق) یعنی آنکه فرض به ذمه او است املاً گوید و املاً گفتن خود اش اعتراف و اقرار است. وقتیکه منزلت عدالت در ارتباط با شهادت که گواهی بنفس یکی از راه های قضاوت است مهم بوده که

عدم مراعات آن آثار و پیامد های بسیار نا مطلوبی را در گمراه نمودن قضات بدنبال خواهد داشت در مورد قضاوت مراعات آن لازم و ضروری میباشد.

اقرار خط ها یکی از دلایل اثباتیه دعاوی اعم از جزائی و حقوقی است، که در سیستم قضائی افغانستان که الهام گیر از منابع اساسی فقه اسلامی که در واقع یک سیستم حقوقی غنی مکمل و همه جانبه است بحیث یکی از اساسی ترین مدارک اثباتیه پذیرفته شده به این ترتیب در اسناد تقنینی با استناد به دلیل منحیث سبب و موجب حکم نسبت به سائر دلایل دارای مزایای می باشد اگر موضوع به استناد دلیل اقرار خط انجام پذیرد قاضی نسبت به حکمی که صادر کرده تشویش ندارد و از راحت وجدانی بخاطر عدم وجود لغزش و خطا در استدلال برخوردار میگردد.

با این همه اهمیتی که اقرار خط ها دارد از اینکه بنابه اقرار مقرین ترتیب میگردد و اقرار مقر از انسان صادر گردیده و اشخاص در تکالیف شرعی باهم متفاوت میباشند و احياناً چیزی عارضی به آن واقع میشود که امکان دارد حالت مقر را زیر سایه خود قرار دهد مثل اکراه بیهوشی عقل، بلوغ و احياناً حالتی میشود که مورد اتهام میباشد مثل اعتراف به جرم ایجاب مینماید که این وسیله اثبات که همانا اقرار و اعتراف به جرم است تحت تشریفات قضائی خاص گرفته شود.

با در نظر داشت گفته های فوق حرکت حق در مسیر اثبات با پشتیبانی و حمایت دلیل است محکمه حقی را بدون حجت نمیتواند اثبات نماید که در مورد ماده (۵۰۰) قانون اصول محاکمات مدنی چنین مشعر است حکم قضاء مظهر است نه مثبت.

ب : سبب اختیار موضوع

اسباب انتخاب موضوع (آثار اقرار خط های رسمی) به عنوان رساله دوره ماستری ناشی از یک سلسله عوامل بوده که میتوان آنرا در نقاط ذیل خلاصه نمود.

۱- اقرار خط ها یکی از موضوعات مهم و دارای اهمیت و ارزش قضائی و حقوقی به عنوان دلایل و مدارک اثباتیه است و ایجاب مینماید که با آثار آن به عنوان موضوع مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۲- دانشمندان و محققان فقه اسلامی و قوانین گرچه موضوع اقرار و اثر انرا مورد مطالعه و تحقیق قرار داده اند و پیرامون آن آثار و کتب با ارزشی را به رشته تحریر در آورده اند اما در

موضوع مورد بحث که اثر اقرار خط های رسمی است اثری به نظر نرسید البته در مورد ترتیب وثایق کتبی معتبری نوشته شده که از جمله میتوان کتاب رهنمای معاملات و سجلات دعاوی محاکم تصنیف مولوی عبدالباقی رحمه الله رهنمای وثایق تألیف قضاوتپوه عتیق الله رؤفی رحمه الله و رهنمای وثایق تألیف عین الله رؤفی ترتیب گردیده که بشکل عموم شکل ترتیب تمام وثایق را احتوا نموده اما در موضوع مورد بحث بنده که همانا اثر اقرار خط های رسمی است در این مورد رساله ئی بنظر بنده نرسید که بنده خواستم به توفیق الله متعال در مورد تحقیق نمایم.

۳- وسائل اثبات در فقه اسلامی و قوانین در بخشهای مدنی جزائی مقام والای به سزا دارد که اقرار خط های رسمی بطور مجموع مقرر، مقرله، مقربه و اثرات آن طی وثیقه شرعی رسمی را احتوا نموده مورد بحث قرار دهم.

ج : اهداف تحقیق

- ۱- اینکه وثایق شرعی از مکانت و جایگاه ویژه برخوردار است و از جمله وثایق شرعی اقرار خط ها که منحیث سند با اعتبار رسمی ملی بوده که از خود آثاری حقوقی و جزائی را در پی دارد و اقرار مقرر در اقرار خط های رسمی بر علاوه اقرار دارای وثوق و اعتبار خاص میباشد که بوسیله آن حق قانونی و شرعی ثابت و اقرار خط مذکور برای شخص که به نفع وی ترتیب گردیده سند معتبر بوده و از ارزش حقوقی بلندی برخوردار میباشد.
- ۲- مقریکه در این سند اقرار مینماید و درج میگردد باید دارای شروط اقرار بوده باشد در صورتیکه دارای شروط مذکور نبوده باشد اقرار وی از طرف هیات قضائی پذیرفته نشده و اقرار وی از طرف هیات قضائی رد میگردد و در مورد اینکه اقرار مقرر به محتوی شریعت و قانون نباشد و یا بر خلاف واقع اقرار و اشهدا نموده و مسیر قضاء را مختل ساخته و تضلیل قضا نماید در زمینه طبق فصل چهارم کود جزا مقرر شاهد و شخص مراجع و عارضیکه به تبانی آن این اقرار خط بر خلاف واقع ترتیب گردیده قابل تعقیب عدلی پنداشته میشود. و هدف تحقیق در مورد این اسناد هم تدوین اسناد مطابق شریعت و قانون است تا حفظ حقوق صورت گیرد.

د : پیشینه تاریخی موضوع

در دین مقدس اسلام در امور دینی و هم در امور جزائی و در تنظیم اسناد اقرار دلیل معتبر و مؤثر است بنابراین از آنجائیکه قوانین کشور ما مستنبط از حقوق اسلام بوده بنابر آن در مورد اقرار نیز منبع و

اساس خود را از قرآن، سنت، اجماع و قیاس گرفته است. تدوین فقه اسلامی محراق توجه و عنایت فقهای قرار گرفته است که منابع فقهی هم به این موضوع توجه نموده و اقرار را به حیث یک بخش مهم از مؤلفات خویش قرار داده اند که همه تحقیقات محققین مرهون زحمات ایشان بوده که مراجعه به تحقیق علمی و تبع فقهای کرام نه تنها قوانین ما را غنا بخشیده است بلکه تأمین و تطبیق سالم احکام قانون در رسیدگی قضائی مهم و موثر میباشد.

با در نظر داشت مراتب فوق ترتیب اقرار خط از دیدگاه حقوق مدنی کشور ما به بنیاد قوانین نافذه میباشد که عبارت است از قانون مدنی، قانون اصول محاکمات مدنی، کود جزا، قانون تحریر و وثایق، قانون اشباه و وثایق میباشد و نا گفته نباید گذاشت که کتاب های دیگری که در امور ترتیب و تحریر و وثایق تحریر گردیده کتاب رهنمای معاملات و سجلات دعاوی محاکم تصنیف مولوی عبدالباقی و رهنمای وثایق تألیف عتیق الله رؤفی و کتاب رهنمای وثایق تألیف عین الله رؤفی بوده که بشکل عموم ترتیب وثایق را احتوا نموده است.

هـ : روش تحقیق

هر بحث و تحقیق پیرامون یک موضوع نیاز به سلسله وسائل روشهای خاص دارد روش های تحقیق به دو بخش عمده تقسیم میشود، روش تحقیقات ساحوی و روش تحقیقات کتاب خانه ئی.

تحقیق که بنده به آن پرداخته از اینکه قضا بر علاوه علم کارهای عملی را احتوا می نماید که در مورد بر علاوه از تحقیق کتابخانه ئی از تجارب قضات و اینکه عملاً چگونه به مشکل در تطبیق قوانین مواجه شده اند و موضوع را چگونه استهداء نموده و در مورد چگونه جواب دریافت نموده و زمینه تطبیق قانون مساعد گردیده آن استهداء ها و متحد المال ها را تاریخ وار انتقال نمودم.

در مورد اقرار خط بالای اقرار تمرکز نمودم و اقرار را تعریف مشروعیت آنرا بنابه اصول شریعت بیان و دلائل آنرا ذکر نمودم و هکذا در مورد ارکان اقرار اعم از مقرر، مقرر له مقرر به با در نظر داشت آراء مذاهب چهارگانه تفصیلی بحث نمودم خلاصه اینکه در تهیه و نگارش بحث خود از روش و شیوه های کتابخانه ئی و استهداء ها و متحد المال های ستره محکمه و در صورت ضرورت از تجارب قضات و مشوره های استادان خود حصول نمودم.

و : سوالهای تحقیق

تلاش نمودم که در بحث خود به سوالهای ذیل که در مورد اقرار در ذهن مطرح میشود جواب ارایه نمایم.

اقرار خط های رسمی کدام ها اند، و این اقرار خط ها دارای کدام شروط و مواصفات باشد؟

اقرار خط در کدام صورت رسمی شمرده میشود؟

اقرار خط رسمی و غیر رسمی باهم چی تفاوت دارند؟

اثرات اقرار خط های رسمی چی بوده است؟

آیا اظهارات خارج از محکمه را که در اوراق رسمی صورت گرفته باشد میتوان اقرار خط رسمی نامید؟

و سوال های فرعی قابل طرح است که، اقرار کننده دارای چه مواصفات و شروطی باشد؟

در حق چه کسی اقرار درست است؟

در حق کسی که اقرار میشود چه شرایط داشته باشد که در مورد به اقوال فقهای مذاهب چهارگانه پرداختم.

و خلاصه اینکه در تهیه و نگارش بحث خود از روش و شیوه های کتابخانه ئی و از تجارب علمی قضات و مشوره های لازم استادان خود حصول نمودم.

فصل اول

کلیات و مفاهیم موضوع دارای سه مبحث می باشد

مبحث اول : تعریف اقرار

مطلب اول : تعریف لغوی اقرار

اقرار در لغت به معنی تصدیق، قبول، پذیرش، استواری^(۱) اعتراف کردن خلاف انکار^(۲)، از ماده قر و اقر گرفته شده که به معنی ثبوت و استقرار میباشد، و از آن جمله است قرار گرفتن در جای وقتیکه حرکت نباشد.

مطلب دوم : تعریف اصطلاحی اقرار

اقرار ثابت کردن چیزی به زبان یا به قلب و یا به هر دوی شان میباشد.^(۳) ((اقرار یعنی اذعان و اعتراف به حق میباشد.^۴

تعریف فقهای

۱ - تعریف فقهای حنفی

فقهای حنفی اقرار را چنین تعریف نموده اند : ((اخبار عن ثبوت حق الغير علی نفسه))^(۵) اخبار از ثبوت حق غیر است بالای خود مقر.

محترزات تعریف : به کلمه (اخبار) انشا خارج میشود، زیرا که اقرار بنا بر قول اکثر علماء اخبار است نه انشأ. و به کلمه (ثبوت حق غیر) دعوا خارج میگردد، زیرا که دعوی اخبار از حق بالای غیر میباشد. و به لفظ (علی نفسه) شهادت خارج میشود، بخاطریکه آن اخبار از ثبوت حق غیر بالای شخص دیگر میباشد.

^۱ - الرازی، محمد بن ابی بکر عبدالقادر. (ت ۱۳۶۶ هـ ق) مختار الصحاح ترتیب محمود.

^۲ - ابن منظور : جمال الدین محمد بن مکرم الانصاری. لسان العرب. طبعة المصورة طبعة بولاق الدار المصرية للنشر و الترجمة : ماده (قرر) (۸۸/۵)

^۳ - فرهنگ عربی به فارسی، مؤلفین گروه مؤلفین انشتارات ایمان، کتابخانه ملی ایران، چاپخانه دریا (۱۳۸۳) دهخدا.

^۴ - علی اکبر بن خان بابا ده خد، دهخدا جلد (۱۵۵/۱) مطبوعه : آرمانساز، تهران.

^۵ - الزیلعی فخرالدین عثمان بن علی (۱۳۱۳ هـ ق) الزیلعی تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق (۲/۵)، المكتبة الكبرى الاميرية، القاهرة : ط الاولى. داماد افندی، عبدالرحمن احمد بن سلیمان. (۱۳۲۷ هـ ش). داماد افندی مجمع الانهر شرح ملتقى الابر (۲۸۹/۲)، مطبوعه عثمانیه.

۲ - تعریف مالکی ها

علماء مذهب مالکی اقرار را بطور ذیل تعریف نموده اند: (خبر یوجب حکم صدقه حقا علی قایله فقط بلفظه او لفظ نایبه)^(۱) و به لفظ (یوجب حکم صدقه حقا علی قائله فقط) روایت، شهادت و دعوی خارج میگردد.

و به لفظ (نایبه) اقرار وکیل داخل میشود.^(۲) چیزیکه در این تعریف ملاحظه میشود اینست که در آخر تعریف لفظ (نایبه) آمده که دلالت به اقرار وکیل می نماید.

۳ - تعریف فقهای شافعی

فقهای شافعی اقرار را قرار ذیل تعریف نموده اند : (اخبار عن حق ثابت علی المخبر)^(۳) اخبار از حق ثابت است بالای خیر دهنده.

محترزات تعریف :

به لفظ (اخبار) : انشاء خارج میشود.

بلفظ (شخص) : شخص مکلف میباشد غیر مکلف خارج میگردد.

(بحق علیه) : شهادت خارج میشود زیرا که در آن اخبار را از حق غیر میباشد.

المخبر : دعوی خارج میشود زیرا که در آن ثبوت حق از برای خود شخص میشود.

۴ - تعریف فقهای حنبلی

علماء مذهب حنبلی اقرار را چنین تعریف نموده اند : (اظهار المكلف المختار ما علیه لفظا اوكتابة او اشارة بما یمكن صدقه فيه)^(۴) اظهار کردن مکلف مختار چیزیکه بالایش میباشد لفظا و کتابه و یا به اشاره به آنچه که امکان صدق وی در آن باشد.

^۱- الخرشی، محمد بن عبدالله بن علی. الشرح الصغیر علی مختصر الخلیل : (۸۲/۶). دار صادر، بیروت لبنان. الصاوی، احمد بن محمد. (۱۹۸۷م). بلغة السالك لا قرب المسالك : (۱۶۰/۶)، درالمعرفة للنشر و الطباعة، بیروت.
^۲- الخرشی، محمد بن عبدالله بن علی. الشرح الصغیر علی مختصر خلیل : (۸۲/۶). دارالصادر در بیروت لبنان.
^۳- الشربینی، محمد الخطیب. (ت ۱۳۸۹ هـ ق). مغنی المحتاج (۲۳۸/۲)، دارالفکر للطباعة و التوزیع.
^۴- المرادوی، علاءالدین ابوالحسن علی بن سلیمان. (ت ۱۹۷۵ م). الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف : (۱۴۲/۳۰)، تصحیح و تحقیق محمدحامد الفقهی، مطبعة السنة المحمدية القاهرة : ط الاولى.

محترزات این تعریف :

به لفظ (اظهار) که به معنی آشکار کردن است اثبات خارج میگردد، زیرا که اقرار حق ثابت قبلی را آشکار مینماید.

به کلمه (مکلف) اقرار طفل و مجنون خارج میگردد، و به لفظ (مختار) اقرار مکره خارج میشود. در این تعریف چیزیکه جدید است آن لفظ (کتابت و اشاره) که در تعاریفات دیگران وجود نداشت.

از تعاریفات قبلی فهمیده میشود که همه آنها در افاده مفهوم اقرار اختلاف ندارند هر آنچه را که بعضی صراحتاً ذکر نموده اند عده دیگری آن را تضمناً ذکر نموده اند مثل لفظ (مکلف) که در تعریف حنبلی ها آمده که مقر باید مکلف باشد یعنی عاقل، بالغ و مختار که در تعاریفات دیگر ضمناً ذکر گردیده است.

تعریف مختار :

تعریف علماء حنفی تعریف مختار است و آن عبارت از (اخبار عن ثبوت حق الغير علی نفسه) زیرا که اقرار را به حقیقت آن تعریف نمودند، هرچه مالکیها اقرار را به لازم آن تعریف نمودند و تعریف به حقیقت مقدم می باشد بالای تعریف به لازم، هرچه تعریف شافعی ها در آن قصور بود بخاطر عدم ذکر لفظ (للغير) که اقرار در حق چه کسی صورت گرفته است، هر چه تعریف حنبلی ها عام است و همچنان در این تعریف تطویل است که در اصل در تعاریفات اختصار است نه تطویل.

همچنان مریض در حالت که نتواند به آن چیزیکه از حق بالایش میباشد اقرار نماید ملحق به أخرس میشود زیرا مریض احیانا به حالی میرسد که نمیتواند به آنچه که اقرار نماید تلفظ کند، با آنکه به چیزیکه میخواهد اقرار نماید عقل اش کار میکند مگر زبان وی حرکت نمی نماید در اینصورت اقرار مریض به نوشتن و یا اشاره مفهمه مقبول میباشد. یعنی در قبول اشاره و کتابت وی. و عبارات مذاهب دیگر هم این مطلب را افاده مینمایند^(۱) و در صلب تعریف حنبلی ها از آن تذکر رفته است.

مطلب سوم : تعریف اقرار در قوانین افغانستان

اقرار را در قانون مدنی افغانستان ماده (۱۰۰۱) چنین تعریف نموده اند : ((اقرار عبارت است اعتراف خصم نسبت به حق غیر بالای خودش در محکمه)) چیزیکه در این تعریف ملاحظه میشود که در

^۱ - العدوی، علی بن احمد. (ت ۱۴۱۷ هـ ق). حاشیة العدوی علی الخریشی (۸۷/۶)، تحقیق شیخ زکریا، دارالکتب العلمیة : ط الاولی. (۹۷) الهیتمی، احمد شهاب الدین بن حجر. (ت ۱۳۹). فتح الجواد الشرح الارشاد. (۲۵/۱)، مطبعة مصطفی، البابی : ط الثانية.

تعريفات ساير فقهای ذکر نشده بود اينست که اقرار در محکمه صورت گيرد، و اين بدین معنا است که اقراریکه خارج از محکمه و حضور قاضی صورت گيرد دليل الزام شده نمیتواند، چون موضوع مورد بحث ما آثار اقرار خط های رسمی بوده لهذا اقرار خط رسمی در محکمه با صلاحیت ترتیب میگردد وقاضی مکلف به تطبیق قانون است در صورتیکه حکم در قانون وجود داشته باشد طبق ماده (۱۰) قانون مدنی برای قاضی اجتهاد جواز ندارد. لذا در اقرار خط های رسمی یکی از شرایط عمده آن مطابقت اقرار خط با قانون میباشد. اما فقهای اقرار را به شکل عموم تعريف نموده اند برابر است که در محکمه باشد و یا خارج از آن بطوریکه ثابت کننده حق بالای مقر باشد.

از این جهت معلوم میشود که اقرار از نگاه قانون به دو نوع تقسیم میشود.

۱ - اعتراف یا اقرار قضائی

اعتراف قضائی آنرا گویند که در پیشگاه محکمه با صلاحیت صورت گيرد و فقره اخير ماده (۳۰) قانون اساسی به این قید اشاره نموده میگوید: ((اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل در حضور محکمه با صلاحیت)) همچنان فقره دوم ماده (۲۲۱) قانون اجراءات جزائی بدان اشاره نموده است: ((هرگاه متهم به ارتکاب فعل اعتراف نماید محکمه میتواند به اعتراف مذکور اکتفا نموده و بدون سماع شهود فیصله خود را صادر نماید و در غیر آن به استماع شهود اثبات اقدام مینماید.))

۲ - اعتراف غیر قضائی

اعتراف غیر قضائی آن است که خارج از جلسه قضائی صورت گيرد نزد عام مردم باشد و یا نزد خائرنوال^(۱) که این اعتراف را میتوان یک قرینه دانست اعتراف قضائی یک دليل و حجت کامل است در صورت وجود اقرار قضائی موضوع مورد نزاع پایان یافته پنداشته میشود و مدعی از ارائه کردن دیگر دلائل نجات می یابد.

مقایسه تعريف اقرار در فقه با قانون

هرگاه به تعريف اقرار در فقه و قانون نظر انداخته شود بجز از یک مورد در همه موارد اتفاق نظر دارند، و آن موردیکه در آن اختلاف دارند و یا آنرا تعريفات فقهی ذکر نموده عبارت از صورت گرفتن

^۱ - رهنمای قضاات افغانستان : سازمان بین المللی انکشاف حقوق سال طبع (۱۳۸۷) کابل ص (۴۷۶).

اقرار در محکمه و یا در نزد قاضی با صلاحیت میبایشد قسمیکه در قانون اساسی تشریح شده البته در نزد فقهای این قید هم ملحوظ است که اقرار باید ثابت باشد ثبوت آن به واسطه شهود می باشد که در آن صورت حکم شهادت را بخود میگیرد و یا اینکه در نزد قاضی در مجلس قضاء صادر شود که خودش بصورت واضح دلیل اثبات شده میتواند.

از این رو قید که در تعریف قانون آمده تصریح است و اصل در تعریفات تصریح می باشد تا از غموض التباس در امن باشد.

از اینکه اقرار خط ها در محاکم با صلاحیت ترتیب میشود لذا اقرار های خارج از محکمه در صورتی مورد اعتبار است که شخص مقرر آنرا تصدیق و تأیید نماید و یا گواهانی بر آن گواهی دهند. مثال آن در اثر اقرار خط اعتراف به جرم واضح شده است.

مبحث دوم : مشروعیت اقرار

الف : مشروعیت اقرار به کتاب الله

۱- الله عزوجل می فرماید : ((وَیُؤْمِلُ الَّذِی عَلَیْهِ الْحَقُّ وَیُتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا یَبْخَسُ مِنْهُ شَیْئًا))^(۱) **ترجمه :** و آنکه

وام بر ذمه اوست املا گوید و از الله که پروردگار اوست بترسد، و از آن وام چیزی را نه کاهد.

وجه دلالت از آیه مبارکه : الله عزوجل کسی را که بالایش حق است امر به املاء نموده، اگر به املا نمودن چیزی بالایش لازم نمی گردید به آن امر نمیکرد، و املاء متحقق نمی شود مگر به اقرار.^(۲)

۲- الله عزوجل در جای دیگری می فرماید : ((قَالَ أَقْرَبْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَیْ دَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَبْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا

مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ))^(۳) **ترجمه :** گفت : (الله عزوجل) آیا به این (موضوع) اقرار نمودید و پیمان

مرا پذیرفتید؟ گفتند اقرار نمودیم (و پیمان تو را پذیرفتیم) فرمود الله شما (برخی بر برخی دیگری) گواه باشید و من با شما از گواهانم.

^۱- سورة البقره : الایه (۲۸۲)

^۲- ابن الهمام : کمال الدین محمد بن عبدالواحد السواسی. (ت ۱۳۸۹ هـ) فتح القدیر شرح الهدایه (۳/۸)، مطبعه مصطفی البابی الجلی، القاہرہ : الطبعه الاولی. الشربینی، محمد الخطیب (ت ۱۳۸۹ هـ ق) مغنی المحتاج : (۲۳۷) دارالفکر للطباعة و التوزیع.

^۳- سورة ال عمران : الایه (۸۱).

وجه دلالت از آیه مبارکه : الله عزوجل ایشان را از اقرار به ایمان و پیامبر سوال کرد و ایشان به آن جواب دادند، پس الله عزوجل از ایشان خواست که عده بالای عده دیگری در مورد این اقرار گواه باشند، اگر اقرار مشروع و حجت نمی بود الله عزوجل ایشان را نه پرسیان میکرد و نه ایشان را گواه بالای آن قرار میداد. (۱)

۳- الله عزوجل میفرماید : ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ)) (۲) ترجمه : ای مومنان پایند انصاف و گواهان برای الله باشید اگر چه (آن گواهی به ضرر) جان های تان والدین و خویشاوندان تان باشد.

وجه دلالت : آیه در مورد شهادت بالای نفس صریح میباشد، و آن دلیل بر حجیت بودن اقرار است، و اگر چنین نمی بود امری که در آیه مبارکه ذکر است خالی از فایده می بود.

۴- الله عزوجل در جای دیگری میفرماید : ((بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ)) (۳) ترجمه : بلکه انسان بالای نفس خود بینا است.

وجه دلالت : انسان شاهد به حق بالای نفس خویش می باشد و آن اقرار است. (۴)

۵- الله عزوجل در جای دیگر میفرماید : ((وَأَخْرَجُوا عَمَلًا صَالِحًا وَأَخَّرَ سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ)) (۵) ترجمه : اشخاص دیگری هم هستند که به گناهان خویش اعتراف کردند، خلط کردن عمل شایسته و دیگری نا شایسته نزدیک است که الله توبه ایشان را قبول نماید، یقیناً الله بخشاینده و مهربان است.

۱- البهوتی : منصور بن یونس بن ادريس. (ت ۱۳۹۴ هـ ق). کشف القناع عن متن الإقناع (۴۵۳/۶)، مطبعة الحكومة مكة المكرمة. ابن مفلح، براهان الدين ابراهيم بن محمد بن عبدالله. (ت ۱۹۷۴ هـ ق). بن مفلح المبدع شرح المقنع (۲۹۴/۱۰)، المكتب الاسلامی دمشق.
۲- سورة النساء : الايه (۱۳۵)
۳- سورة القيامة : الايه (۱۴)
۴- الزمخشري : محمود جارالله. الكشاف (۱۹۴/۱)، مطبعة مصطفى البابي، الحلبي بمصر. الشربيني مغنى المحتاج (۱۳۸/۱)
۵- سورة التوبة : الايه (۱۰۱)

وجه دلالت : در این آیه کریمه الله عزوجل از گروه بازمانده گان غزوه تبوک حکایت می نماید که آنها به گناهان خویش اعتراف نمودند و این اعتراف ایشان را بالای آنها انکار نه نموده سپس دلیل حجت بودن آن بالای ایشان بود.

۶- الله عزوجل در جای دیگر میفرماید : ((وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ

أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا))^(۱) ترجمه : ای پیامبر برای مردم بیان کن هنگامی را که پروردگاران فرزندان آدم را از پشت آدمی زادگان پدیدار کرد و ایشان را به خود ایشان گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ آنان همه به زبان حال پاسخ دادند گفتند آری گواهی میدهیم که تو خالق و پروردگار ما هستی.

وجه دلالت : ایه مبارکه دلالت کننده است براین که جواب ایشان صریح در اقرار و شهادت بالای نفسهای شان بود و شهادت بالای نفس اقرار است.^(۲)

ب مشروعیت اقرار به سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم

۱- عن ابی هریره رضی الله عنه قال : اتی رجل رسول الله صلی الله علیه وسلم وهو فی المسجد فناداه فقال یا رسول الله انی زنیت فاعرض عنه حتی ردد علیه اربع مرات فلما شهد علی نفسه اربع شهادات دعاه النبی صلی الله علیه وسلم فقا ابک جنون قال لا قال فهل احصنت قال نعم فقال النبی صلی الله علیه وسلم اذهبوا به فارجموه.^(۳) ترجمه : از ابوهریره رضی الله عنه روایت است گفت : مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و رسول الله صلی الله علیه وسلم در مسجد بود و او را آواز کرد و گفت : ای رسول الله من زنا کردم، و رسول الله صلی الله علیه وسلم از وی روی گشتاند، پس سخن خود را چهار بار تکرار نمود باز رسول الله صلی الله علیه وسلم او را خواست فرمود آیا به تو جنون است؟ آن مرد گفت : نخیر رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود آیا ازدواج نمودی؟ آن مرد گفت : بلی یا رسول الله بعد از آن به یاران خود امر کرد که او را ببرید و سنگسار نمایید.

^۱- سورة الاعراف الاية : (۱۷۲)

^۲- الالوسی : ابوالفضل، شهاب الدین السید محمود شکرى. (ت ۱۴۱۵ هـ). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السیح المثانی (۱۷۶/۵)، دارالکتب العلمیه : الطبعة الاولى.

^۳- البخاری ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم. (ت ۱۳۸۰ هـ ق) صحیح البخاری ترقیم محمد فواد عبدالباقی : الطبعة السلفية كتاب، حدود باب سؤال الامام القرا هل احصنت : (۲۵۰۵/۶)، رقم حدیث (۶۴۳۴) و مسلم الامام ابوالحسین مسلم بن الحجاج القشیری النیشاپوری. صحیح مطبوع شرح النووی المطبعة العربیة، القاهرة الاعتراف بالزنا علی نفسه (۱۳۱۸/۳)، رقم حدیث (۱۶۹۱).

وجه دلالت : حدیث صریح است در سنگ سار نمودن ماعز بنا بر اعتراف اش.

۲- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَزَيْدِ بْنِ خَالِدِ الْجُهَنِيِّ أَنَّهُمَا قَالَا إِنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَعْرَابِ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْشُدْكَ اللَّهَ إِلَّا قَضَيْتَ لِي بِكِتَابِ اللَّهِ. فَقَالَ الْخَصْمُ الْآخِرُ وَهُوَ أَقْفَهُ مِنْهُ نَعَمْ فَأَقْضِ بَيْنَنَا بِكِتَابِ اللَّهِ وَأَنْذِنُ لِي. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- « قُلْ ». قَالَ إِنَّ ابْنِي كَانَ عَسِيفًا عَلَيَّ هَذَا فَزَنَى بِامْرَأَتِهِ وَإِنِّي أَخْبِرْتُ أَنَّ عَلِيَّ ابْنِي الرَّجْمَ فَأَقْتَدَيْتُ مِنْهُ بِمِائَةِ شَاةٍ وَوَلِيدَةً فَسَأَلْتُ أَهْلَ الْعِلْمِ فَأَخْبَرُونِي أَنَّ عَلِيَّ ابْنِي جُلِدَ مِائَةً وَتَغْرِيْبُ عَامٍ وَأَنَّ عَلِيَّ امْرَأَةَ هَذَا الرَّجْمِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- « وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لِأَقْضِيَنَّ بَيْنَكُمَا بِكِتَابِ اللَّهِ الْوَلِيدَةَ وَالْعَنَمَ رُدًّا وَعَلَى ابْنِكَ جُلْدُ مِائَةٍ وَتَغْرِيْبُ عَامٍ وَاعْدُ يَا أُنَيْسُ إِلَى امْرَأَةِ هَذَا فَإِنِ اعْتَرَفْتَ فَارْجُمَهَا. ^(۱)

ترجمه : از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده که یک مردی از اعراب نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت : ای رسول الله ترا به الله سوال میکنم اینکه برایم به کتاب الله فیصله کن، بعد از وی شخص دیگری که (همراه وی بود) گفت : و او از (شخص اول) دانا تر بود، بلی یا رسول الله صلی الله علیه وسلم به کتاب الله برایش فیصله نمایید، پس رسول الله برایش فرمود بگو : آن شخص گفت : که پسر من نزد این مرد اجیر بود و با زن وی زنا نموده، و به من گفته شد که بالای پسر من رجم است، من در بدل آن صد گوسفند و یک کنیز دادم، پس از آن اهل علم را سوال نمودم، و به من خبر دادند که بالای پسر من صد تازیانه و یک سال تبعید است، و بالای زن این شخص سنگ سار است، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : ((قسم بذاتیکه جان من در دست وی است حتما بین شما به کتاب الله فیصله مینمایم، کنیز و گوسفند بر تو رد است، و بالای پسر من صد شلاق و یک سال تبعید است، و یا اونیس فردا به سوی زن این مرد برو (او را سوال کن) اگر اعتراف کرد پس او را رجم نماید.))

وجه دلالت : در حدیث شریف آمده که (آن زن اگر اعتراف کرد او را رجم نما) پس اقرار و اعتراف موجب رجم آن زن قرار داده شد پس دلالت به حجیت و اعتبار دادن اقرار مینماید.

^{۱-} صحیح البخاری، کتاب الحدود باب الاعتراف بالزنا (۲۵۰۲/۶)، رقم حدیث (۶۴۴۰) مسلم کتاب الحدود باب من اعترف علی نفسه بالزنا : (۱۳۲۴/۳)، رقم حدیث (۱۶۹۷).

۳- عن عمران بن الحصين^(۱) أَنَّ امْرَأَةً مِنْ جُهَيْنَةَ أَتَتْ نَبِيَّ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- وَهِيَ حُبْلَى مِنْ الزَّوْنَى فَقَالَتْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَصَبْتُ حَدًّا فَأَقِمُهُ عَلَيَّ فَدَعَا نَبِيُّ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- وَلِيَّهَا فَقَالَ « أَحْسِنُ إِلَيْهَا فَإِذَا وَضَعْتَ فَاثْتِنِي بِهَا ». فَفَعَلَ فَأَمَرَ بِهَا نَبِيُّ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَشَكَّتْ عَلَيْهَا ثِيَابَهَا ثُمَّ أَمَرَ بِهَا فَرُجِمَتْ ثُمَّ صَلَّى عَلَيْهَا فَقَالَ لَهُ عُمَرُ تُصَلِّي عَلَيْهَا يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَقَدْ زَنَتْ فَقَالَ « لَقَدْ تَابَتْ تَوْبَةً لَوْ قُسِمَتْ بَيْنَ سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ لَوَسِعَتْهُمْ وَهَلْ وَجَدْتَ تَوْبَةً أَفْضَلَ مِنْ أَنْ جَادَتْ بِنَفْسِهَا لِلَّهِ تَعَالَى))^(۲) ترجمه: از عمران بن حصین روایت شده گفت: زنی از قبيله جهینه که از زنا حامله بود نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: ای رسول الله حد بر من است آن را بالایم اجرا کن پیامبر صلی الله علیه وسلم ولی او را خواست و برایش فرمود: (از او خوب پرستاری کن و چون وضع حمل کرد او را نزد من بیاورید)، ولی وی بعد از وضع حمل زن را نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آورد، و ایشان فرمان رجم را صادر فرمودند، پس او را سخت در لباس اش پیچیدند و رجم کردند، بعد از آن رسول الله صلی الله علیه وسلم بر جنازه وی نماز را اداء نمود، حضرت عمر رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا بر جنازه کسی که زنا کرده است نماز میخوانی؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: (او چنان توبه کرده است که اگر توبه او را بین هفتاد نفر گناهگار اهل مدینه تقسیم کنند شامل همه آنها می شود، آیا چیزی بالاتر از این را سراغ داری که او نفس و وجود خود را در نهایت رضایت در اختیار الله قرار داد و قربانی کرد؟) (تا خداوند حکم خود را بر او اجرا نماید).

۴- عن ابی ذر الغفاری^(۳) - رضی الله عنه - قال : أوصانی خلیلی رسول الله صلی الله علیه وسلم (ان اقول الحق و لو کان مرا، ولا اخاف فی الله لومة لائم.))^(۴) ترجمه: از ابی ذرغفاری روایت است که گفت: دوستم رسول الله صلی الله علیه وسلم من را وصیت کردند اینکه حق را بگویم اگر چه تلخ باشد و در حق الله از ملامتی ملامت کننده ترس و هراس نداشته باشم.

وجه دلالت: حدیث دلالت میکند به گفتن سخن حق بالای خویش و بالای غیر و دلالت میکند بر اعتبار اقرار انسان بالای نفس اش در همه امور زیرا که سخن حق بالای نفس عبارت از خیر دادن است برای

^۱ - عمران بن الحصین بن عبید خزاعی صحابی جلیل القدر و دارای مناقب زیاد است در سال هفتم به اسلام مشرف گردیده قضاء بصره بدوش گرفت در همان جا در سال (۵۲) وفات نمود، ابن حجر، محمد بن علی حجر العسقلانی. تقریب التهذیب: (ص ۲۶۴)، تحقیق محمد عوامه، دارالکتب العربی.

^۲ - صحیح مسلم کتاب الحدود باب من اعترف بالزنا (۳/۱۳۲۴).

^۳ - ابی ذرنامش جندب بن جناده یکی از سابقین اسلام صحابی گرانقدر در سال (۳۲) در منطقه ربذه وفات کرد الاصابه لا بن حجر العسقلانی تقریب تهذیب ص (۲۸۴)

^۴ - الامام أحمد بن حنبل الشیبانی (ت ۱۳۹۸) المسند (۵/۲۹۳). مع ترتیب الشیخ ناصر الدین الالبانی المکتب الاسلامی بیروت: ط الثانیه.

آنچه که بالای وی از حقوق میباید و چیز های که بالایش لازم می باشد برابر است که حقوق مالی باشد و یا غیر از آن چیزهای دیگری. (۱)

۵- و عن ابی أمیة المخزومی^(۲) رضی الله عنه - قال : أتى رسول الله صلى الله عليه وسلم بلص قد اعترف ولم يوجد معه متاع فقال له رسول الله صلى الله عليه و سلم ما أخالك سرقت قال بلى فأعاد عليه مرتين أو ثلاثا ثم امر به فقطع.^(۳) ترجمه : از بی امیه مخزومی روایت است گفت : در نزد رسول الله علیه وسلم دزدی آورده شد که اعتراف کرده بود و متاع دزدی شده نزد اش نبود، پس رسول الله صلى الله عليه وسلم برایش گفت : گمان نمیکنم دزدی کرده باشی؟ او گفت : بلی من دزدی کرده ام دو یا سه بار بالایش تکرار نمود بعد از آن رسول الله صلى الله عليه وسلم امر به قطع وی نمود (و دست اش قطع کرده شد).

وجه دلالت : رسول الله صلى الله عليه وسلم حد سرقت را بالای سارق بنابر اعتراف اش جاری نمود، اگر اقرار حجت نمیبود رسول الله صلى الله عليه وسلم آنرا از وی طلب نمیکرد پس وقتیکه اقرار در حدود حجت باشد با آنکه حدود به شبهات دفع میگردد پس حجت بودن آن در دیگر امور به طریق اولی میباید. (۴)

۶- ((أن علیاً أقر عنده سارق مرتین فقطع یده و علقها فی عنقه))^(۵) ترجمه : دزدی در نزد علی رضی الله عنه دوبار اعتراف نمود پس دستش را قطع و در گردنش آویزان کرد.

۷- عن عمر بن الخطاب قال فی خطبة له : وإنَّ الرجم حق فی کتاب الله علی من زنی اذا احسن من الرجال و النساء اذقامت البینته اوکان الحبل او الاعتراف.^(۶)

^۱ - الصنعانی، محمد بن اسماعیل الامیر. سبل السلام شرح بلوغ المرام (۶۷/۳)، دارالفرقان عمان.
^۲ - ابوامیة المخزومی و انصاری هم گفته میشود. در اصل مدنی شمرده شده و ابن حدیث دارد الاصابه (۱۳۵/۴).
^۳ - مسند احمد (۲۹۳/۵)، النسائی، الحافظ ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب بن علی. سنن النسائی (۲۵۵/۲)، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ابوداود، سلیمان بن اشعث السجستانی الازدی. (ت ۱۳۸۸ هـ) سنن ابوداود (۱۲۵/۴) مطبوع مع معالم السنن، نشر و توزیع اسید حمص : الطبعة الاولى سندش ضعیف است زیرا که ابوالمنذر یکی از رجال سند مجهول است قسمیکه ذهبی گفته میزان الاعتدال (۵۷۷/۴)، و ابن حجر رجال سند را ثقات گفته، (۷۹) الفوزان، عبدالله بن صالح. (ت ۱۴۲۹ هـ ق) منحة العلام شرح بلوغ المرام (۴۷۴/۸)، دارابن الجوزی : الطبعة الاولى.
^۴ - السرخسی : المبسوط (۱۸۵/۱۷). دارالکتب العلمیة بیروت الطبعة الثانية، ابن قدامة، ابومحمد عبدالله بن احمد المقدسی، ابن قدامة : المغنی (۱۳۴/۴)، مکتبة الرياض الحديثة.
^۵ - سلیمان بن اشعث السجستانی الازدی (ت ۱۳۸۸ هـ) سنن ابی داود (۱۳۴/۴) مطبوع مع معالم السنن، نشر و توزیع السید الحمص. الطبعة الاولى، الترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سورة. (ت ۱۳۵۰ هـ ق) سنن ترمذی (۵۱/۴)، مطبعة المصریة بالازهر : ط الاولى و قال الترمذی حسن غریب.
^۶ - البخاری - صحیح البخاری حدود رقم (۶۸۲۹). صحیح مسلم رقم (۱۶۹۱). ابن الهمام : فتح القدير (۳۱۹/۸)، ابن حجر، محمد بن علی بن حجاز العسقلانی. (ت ۱۴۰۹ هـ) فتح الباری (۱۱۵/۷)، دارالریان للتراث، القاهرة : الطبعة الثانية.

ترجمه : در صحیحین از عمر بن الخطاب روایت است که او در یک خطبه خود گفت : بدون شک که رجم در کتاب الله ثابت است بالای کسی که زنا نماید و قتیکه متاهل باشد از مردها و زنها، هرگاه بینه و یا حمل و یا اعتراف وجود داشته باشد.

وجه دلالت : هر دو اثر دلالت به اعتبار دادن اقرار و اعتراف مینماید که یکی از وسایل مهم در اثبات حدود است از این رو و قتیکه حدود به اعتراف ثابت شود حقوق دیگر به طریق اولی ثابت میشود.

ج : مشروعیت اقرار به اجماع و معقول

۱- اجماع : اتفاق و اجماع علمای امت است بر حجت بودن اقرار از زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم تا امروز، و هیچ کس آنرا انکار نه نموده است.^(۱) و همه متفق اند که اقرار بالای مقرر حجت است برابر است که در تعامل بین مردم باشد و یا در نزد قضا از اینکه اقرار خطها زمانی رسمی شمرده میشود که از طرف محکمه با صلاحیت ترتیب و صادر گردیده باشد لذا اقرار یکه خارج از محکمه صورت میگیرد در نزد محکمه اگر آن تصدیق شود از طرف مقرر اقرار عندالمحکمه بوده در غیر آن قرینه شمرده میشود.

۲- از نگاه معقول : اقرار چون اخبار است احتمال صدق و کذب هر دو را دارد، پس به اعتبار ظاهر حال محتمل است محتمل حجت شده نمیتواند مگر اقرار حجت قرار داده شد به دلیل معقول و آن اینکه مقرر غیر متهم است در آنچه که بالای نفس خویش اقرار می نماید زیرا که انسان عاقل بالای خودش دروغ را نمی بندد که در نتیجه آن متضرر و آسیب پذیر شود، و از همین جهت است که اقرار مؤکد و محکم تر از شهادت میباشد، بخاطر یکه هرگاه مدعی علیه اعتراف نماید شهادت بالای وی پذیرفته نمیشود اما و قتیکه انکار نماید شهادت بالای شونده میشود و اگر مدعی بینه را تکذیب نماید شونده نمیشود و اگر اقرار را تکذیب کند و بعد از آن تصدیق اش کند شونده میشود.^(۲)

^۱ - ابن الهمام : فتح القدیر (۳۱۹/۸).

^۲ - ابن الهمام : فتح القدیر (۳۱۹/۸)، الزیلعی تبیین الحقائق (۳/۵) ابن قدامه المغنی (۱۴۹/۵)

مبحث سوم : شروط و ارکان اقرار

شرط اول : مقرر باید عاقل باشد

عقل که محک تکالیف شرعی است همه فقهای به آن اتفاق دارند، که هیچ تکلیف شرعی بالای کسی که عقل ندارد لازم نمی باشد و دلیل این حدیث شریف که رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید : (رفع القلم عن ثلاثة عن النائم حتى يستيقظ عن الصبی حتى يحتلم عن المجنون حتى یعقل)^(۱)

ترجمه : از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده که قلم (مواخذه) از سه شخص مرفوع شده، از خواب برده تا که بیدار شود، از طفل تا بالغ گردد و از دیوانه تا به عقل آید.

الف : حکم اقرار مجنون

مجنون که از جنون - جن گرفته شده که به معنی پوشاندن و ستر آمده، گویا که عقل وی پوشانده شده و میان خوب و خراب تمیز کرده نمیتواند، و بعضی از علماء گفتند که جنون عبارت اختلال عقل است طوری که جریان افعال و اقوال را بر روش و کردار عقل بجز در حالات اندکی منع مینماید.^(۲)

مجنون دائمی کسی است که جنون او مستمر و دوام دار باشد و آنرا جنون مطبق گویند و این قسم مجانین از هر نوع دخل و تصرف در دارائی و حقوق مالی خویش و از جمله حق اقرار محروم هستند، و مجنون ادواری کسی است که گاهی در حال جنون و زمانی در حال افاقه می باشد و تصرفاتش در حال افاقه صحیح و درست می باشد.

قسمیکه قبلاً تذکر یافت که عقل مناط همه تصرفات است از این جهت انسان بواسطه عقل اهل التزام و تصرف اش مقبول می باشد و به منعدم شدن عقل اهلیت هم منعدم میگردد، و سخن اش قابل قبول نمی باشد و تصرف اش صحیح و درست تلقی نمی شود زیرا که وی مسلوب الاراده و اقوالش ملغی می باشد.^(۳)

به همین علت قانون مدنی افغانستان در ماده (۱۰۳۰) قانون اصول محاکمات مدنی در ماده (۲۷۴) عاقل بودن مقرر را در صحت اقرار شرط میدانند. بناءً در اقرار خط های رسمی که شخص مقرر در محکمه به

^۱ - ابن ماجه القزوينی ابو عبدالله، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه كتاب طلاق، باب طلاق معطوه، صغیر و نائم، الناشر دارالفکر بیروت رقم الحدیث (۲۰۴۱) (۶۵۸/۱)، الحاکم، الحافظ ابو عبدالله محمد بن عبدالله المعروف با الحاکم (ت ۱۹۷۸ هـ ق) (المستدرک علی الصحیحین (۱۹۸/۲) دارالفکر بیروت، روایت نموده و صحیح شمرده و ذهبی موافقه نموده. رواه الترمذی کتاب الحدود، باب ماجا فیمن لایجب علیه حد (۳۲/۴) رقم الحدیث (۱۴۲۳) و قال حسن

^۲ - الجرجانی، شریف علی بن محمد. (ت ۱۴۰۷ هـ). التعریفات (ص ۱۱۱) دارالکتاب العربی: الطبعة الاولى، سعدي، ابوجیب. القاموس الفقهي (۷۰)، دارالقرآن و العلوم الاسلامیة کراتشی پاکستان.

^۳ - کشاف القناع عن متن الاقناع (۲/۲۴۲)

همین علت قانون مدنی افغانستان در ماده (۱۰۰۳) و قانون اصول محاکمات مدنی در ماده (۲۷۴) عاقل بودن مقرر را در صحت اقرار شرط میدانند. بناءً در اقرار خط‌های رسمی که شخص مقرر در محکمه با صلاحیت اقرار مینماید باید دارای شروط شرعی و قانونی بوده باشد لهذا در هر سند خصوصاً اقرار خط‌های رسمی صریحاً تحریر میگردد که مقرر دارای اهلیت حقوقی و شرعی خود بوده که در صورت فقدان عقل که یکی از شرایط مهم اقرار بوده به بطلان سند در صورت ثبوت جنون مقرر می‌انجامد.

اما اقرارش در حالت افاقه قابل اعتبار است زیرا که آن در حالت عقلانیت و هوش صورت می‌گیرد. در ماده (۱۵۷۳) مجلة الاحکام از این شرط چنین ذکر نموده: (شرط است که مقرر عاقل، بالغ باشد و از این جهت اقرار صغیر و صغیره و مجنون و مجنونه و معتوه و معتوهه صحیح نمی‌باشد.)^(۱)

ب - اقرار سکران (مست) و حکم آن

مستی یک از موجبات فقدان قصد است، و اقرار کننده باید قاصد باشد، انسان در حال مستی ممکن است سخنانی را بزربان آورد که در هوشیاری و با قصد چنان سخنی را نمی‌گوید. (۲) لهذا شریعت اسلامی برای رعایت و مصلحت افراد و حفظ حقوق آنها شخص مست را فاقد قصد، اعمال حقوق وی را مورد سؤال قرار داده که اقوال علماء را ذیل ذکر خواهیم نمود.

اقوال علماء در حکم اقرار سکران :

قول اول : هرگاه سکران مستی اش به چیزی محذور باشد مکلفیت اش باطل نمی‌گردد عبارت اش صحیح و احکامیکه به سخن اش مرتب می‌شود به آن ملزم می‌باشد و این مذهب علماء حنفی است.^(۳)

دلیل : میگویند : عقل سکران قایم و پابرجا است مگر به سبب معصیت و گناه وی عدم فهم خطاب به عقل وی عارض گردیده بدین سبب گناه و موجب قضا بالایش می‌ماند.

اما اقرار وی به حدود خالص لله (ج) مثل زنا و شرب خمر و آنچه که رجوع از اقرار در آن پذیرفته می‌شود استثناء نمودند، بخاطریکه این حدودی است که رجوع از اقرار به آن پذیرفته میشود، و حالت سکر حالتی است که در آن نوع شبهه است و حدود به شبهات دفع میگردد قسمیکه معلوم است، مگر اینقدر است

^۱ - علی حیدر. درالحکام. (۸۸/۴) شرح مجلة الاحکام. تعریب المحامی فهمی الحسینی المکتبه العربیه، کانسو رود کویته (۸۸/۴).
^۲ - ابراهیم مصطفی و زملاؤه. (ت ۱۴۰۰ هـ ق). المعجم الوسیط. جمهوریة مصر العربیه، مجمع اللغة العربیه، مجمع اللغة العربیه : سکر در لغت : سکر عبارت از نشه و مستی را گویند.
سکر در اصطلاح : عبارت از اختلاط کلام و هذیان را گویند. و سکران کسی است که کلامش خلط باشد و سخنانش غیر منظم و رازهای پوشیده خود را افشا نماید وعده دیگری از علماء گفته اند : که سکران کسی است که به سبب نشه زمین را از آسمان و مرد را از زن تمیز کرده نمیتواند.
^۳ - الکاسانی، ابوبکر بن مسعود. (ت ۱۹۸۲ م). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. دارالکتاب العربی لبنان : الطبعة الثانية. (۲۲۷/۷)

که در سرقة آنچه را که سرقت نموده تاوان گرفته میشود بخاطر تعلق حق بنده به آن.^(۱) و اگر مستی وی بطریق مباح باشد مثلاً مکره باشد اقرار وی اعتبار ندارد مثل بی هوشی و اغماء میباشد.^(۲)

قول دوم : اقرار سکران بر همه چیز مطلقاً درست است و این مذهب شافعی و حنابله (رحمه الله) است، البته در مذهب حنبلی اقوال دیگری هم است مگر این قول را در انصاف اختیار نموده.^(۳) دلیل ایشان : بخاطریکه وی چیزی را نوشید که میدانست آن زائل کننده عقل است، پس لازم است که نتیجه آنرا تغلیظاً متحمل شود، تا مجازات گردد و اینکه افعالش مثل افعال با هوش است و به آن حساب میشود مانند طلاق.

قول سوم : اقرارش مطلقاً غیر صحیح و نادرست میباشد و این قول مالکیها است.^(۴)

دلیل آنها : میگویند که سکران عقلش کامل نیست و تصور قصد از وی امر محتمل است و چیزی محتمل دلیل شده نمیتواند و دیگر اینکه غیر عاقل است پس اقرارش هم درست نیست مثل جنون که سبب دیوانگی اش هم فعل محرم باشد.

ج : سکران به آنچه که میگوید به درست بودن آن اعتماد نمی شود و از آنچه که خبر میدهد تهمت از آن منتفی نمی شود.^۵

قول راجح : قول حنفی ها قول راجح بنظر می آید و وجه آن.

- ۱- سکران عقل خود را با کرده خودش با آنکه میدانست که عواقب آن چه است زائل نموده و لهذا نتیجه و کيفر آنرا باید ببیند.
- ۲- اینکه به اقرار به حدود خالص الله مؤاخذه نمی شود از این جهت که عقل وی قسماً زیر پوشش مستی آمده و آن بحیث شبه تلقی شده میتواند که به آن حدود دفع میشود.

^۱- ابن عابدین، محمد امین. (ت ۱۹۶۶م) ردالمختار (۱۸۱/۵) علی درالمختار (حاشیه ابن عابدین). البابی الحلبي، بمصر. مطبعة المصطفى : الطبعة الثانية. الكاساني بدائع الصنائع (۲۲۹/۷)
^۲- الحصكفي، علاءالدين. درالمختار علی تنوير الابصار. مع حاشية ابن عابدین، المكتبة التجارية، مصطفى احمد الباز مكة المكرمة : درالمختار (۱۲۲/۵)
^۳- المرادوى، علاءالدين (۱۳۳/۱۲)، ابن قدامة، المغنى : (۱۵۰/۵) الشيرازى ابراهيم بن على بن يوسف. المهذب فى فقه الامام الشافعى (۱۷۷/۲) مطبعة البابی الحلبي القاهرة.
^۴- الدسوقى حاشية دسوقى : محمد بن احمد بن عرفة. (ت ۳۰۰۳ م). حاشية الدسوقى على شرح الكبير. توزع مكتبة عباس احمد الباز، مكة المكرمة : الطبعة الثانية. (۳۰۷/۳).
^۵- المرادوى : الانصاف (۱۳۳/۱۲)، ابن قدامة المغنى (۱۵۰/۵).

اما قول حنبلی ها و شوافع که اقرار وی در هر مورد پذیرفته میشود بدون تفکیک حقوق الله و حقوق العباد که باید فرق قائل شد زیرا که حقوق الله مبنی بر مسامحه و درگزری است و حقوق العباد بناء اش بر تشدد و مخاصمه است، و بالای هر دوی آن یکنواخت حکم کردن درست نخواهد بود.

اما قول مالکیها : اگر با این اشخاص بر این شکل معامله صورت گیرد شکی نیست که سبب ضیاع حقوق و تلف اموال و تعدی به عزت مردم می شود راه بد اخلاقی به افرادی بی تهذیب باز می شود.

شرط دوم مقرر باید بالغ باشد (صغیر) نباشد : صغیر و یا طفل در زبان دری برایش کودک هم میگویند مرحله بعد از ولادت تا سن بلوغ را صغر و کودکی میگویند و علماء اصول فقه تعریف می کنند که : وصفی است که ملحق میشود به ایشان از وقت ولادت تا رسیدن به بلوغ^(۱) و دو مرحله دارد :

۱- مرحله عدم تمیز. ۲- مرحله تمیز و برای هر دوی آنها کدام مرحله مشخص نیست ولکن از خود علامات و نشانیهای دارد که تمیز و عدم تمیز آن را مشخص مینماید.

تصرفات طفل یا قولی می باشد و یا فعلی، و قولی آن خالی نمیشود از اینکه یا نفع محض میباشد مثلاً اسلام و هدیه و یا ضرر محض میباشد مانند طلاق و عتاق، و یا بین نفع و ضرر میباشد مانند خرید و فروش.^(۲) و قسمیکه ذکر نمودیم طفل یا ممیز میباشد و یا غیر ممیز، و ممیز یا مأذون به تجارت میباشد یا غیر مأذون.

هرچه طفل غیر ممیز تصرفات قولی اش به اتفاق علماء درست نمی باشد.^(۳) نه طلاق وی جائز است و نه بیع وی منعقد میگردد بناءً اقرارش هم درست نمی باشد.^(۴) هرچه صبی یا طفل ممیز تصرفات مفید و نافعش صحیح و درست است بدون خلاف بین علماء مثل اسلام و هدیه، و تصرفات غیر مفید و مضر اش درست نمی باشد مثلاً طلاق^(۵) اما تصرفاتیکه در بین نفع و ضرر باشد مثل خرید و فروش در بین علماء اختلاف به سه قول است :

۱- داماد افندی، عبدالرحمن احمد بن سلیمان. (ت ۱۳۲۷ هـ ش). مجمع الانهر شرح ملتقى الابحر. مطبعة عثمانیه (۲/۲۸۵).

۲- داماد افندی : مجمع الانهر (۲/۲۸۵).

۳- البابرئی : محمد بن محمود (ت ۱۳۸۱ هـ) العنايه شرح هداية مطبعة المصطفى البابی الحلبي، مع فتح القدير، طبع الاولى (۲/۳۵۸/۲)

۴- ابن رشد، محمد بن احمد بن محمد بن رشد الحفید. (ت ۱۹۸۳ م) مكتبة العلوم و الحكم بالمدينة : الطبعة الثانية. بداية المجتهد (۲/۲۳۸/۲)، الشربيني، محمد الخطيب (۲/۲۳۸/۲).

۵- الحصكفي، علاء الدين. درالمختار على تنوير الابحار. مع حاشية ابن عابدين، المكتبة التجارية، مصطفى احمد الباز مكة المكرمة (۵/۵۹)

قول اول : هرگاه برایش اجازه خرید و فروش و آنچه که از لوازم آن است داده شده باشد پس تصرفاتش در آن درست بوده و اضرارش هم مقبول است و این مذهب حنفی و حنبلی ها و بعضی از حنبلی ها میگویند که در چیزی اندک میتواند تصرف نماید نه در چیز های بزرگ.^(۱)

قول دوم : اقرار وی به هیچ حال درست نمی باشد و این مذهب امام شافعی است.^(۲)

دلیل قول اول : طفل ممیز عاقل مختار است تصرفش درست پس اقرارش هم مثل بالغ درست میباشد.

دلیل قول دوم :

الف : قول النبی صلی الله علیه وسلم : ((رفع القلم عن ثلاثة ... الصغیر حتی یبلغ))^(۳)

ب : اینکه وی بالغ نیست پس شباهت به کودک دارد.

ج : دیگر اینکه شهادت و روایة اش قبول نمی شود مثل طفل پس اقرارش هم قبول نمی شود.

ترجیح : قول اول بنظر راجح می آید بخاطر قوت دلیل ایشان و سلاح بودن از اعتراض هرچه خبر متقدم محمول به رفع تکلیف و اثم است نه اینکه تصرفات که اجازه برایش داده نشود حساب کرده نشود. اما قیاس ممیز بالای غیر ممیز قیاس مع الفارق است. والله اعلم

و مجلة الاحکام عدلیه هم در ماده (۱۵۷۳) عقل و بلوغ را برای صحت اقرار شرط نموده میگوید : ((و شرط میباشد که مقرر عاقل، بالغ باشد و یا اقرارش از سوی بالغ مجاز شده باشد. چون تصرفش مجاز شد اقرارش نیز مجاز می شود...))^(۴)

تشخیص و تثبیت سن رشد قانونی :

بالغ بودن مقرر برای صحت اقرار مقرر از نظر قوانین وضعی کشور ما و حقوق سایر کشورها پذیرفته شده و یکی از شرایط مهم و اساسی را تشکیل میدهد. درین زمینه اختلافی وجود ندارد، صرف سن رشد در کشورها نظر به شرایط اقلیمی آن متفاوت می باشد، چنانکه این معیار از سن (۱۵) شروع میشود و

^۱ - ابن قدامه، (۱۵۰/۵) و ابن الهمام، فتح القدر شرح الهدایه. (۳۵۸/۷)
^۲ - الرملى، شمس الدین محمد بن العباس. (ت ۱۳۸۶ هـ ق). نهایة المحتاج. مطبعة مصطفى البابى الحلبي و اولاده، بمصر : الطبعة الاخيرہ (۷۰/۵)
^۳ - حدیث را ابن ماجه در (۶۵۹/۱) روایت نموده است.
^۴ - علی حیدر. دارالحکام شرح مجلة الاحکام (۸۸/۴)

در برخی از کشورها (۱۸)، و عده‌یی (۲۱) و حتی (۲۸) سال نیز تسجیل یافته است که در کشور ما به اساس ماده (۳۹) قانون مدنی و با رعایت سایر اسناد تقنینی کشور سن رشد عبارت است از (هجده) سال کامل شمسی بخاطر توضیح ماده (۳۹) قانون مدنی قبلاً از طریق اداره ثبت اسناد بریکوت استهدایی صورت گرفت که شورای عالی ستره محکمه پس از غور کمیته علمی و ثایق رهنمود توضیحی درین زمینه تنظیم کرد که طی متحدالمال شماره (۲۱۶/۱۷۲) مورخ ۱۳۶۰/۳/۷ دارالانشاء شورای عالی ستره محکمه به محاکم تعمیم گردید :

در متحد المال مذکور مطالب ذیل جلب نظر می کند :

متن استهداء : ((مطابق احکام فرمان شماره هفتم و ماده (۷۰) قانون مدنی سن قانونی ازدواج برای مرد تکمیل سن (۱۸) و برای زن تکمیل سن (۱۶) معیار و شاخص قرار داده شده چنانچه ماده (۳۹) قانون مدنی سن رشد را (۱۸) سال مکمل شمسی وانمود کرده است، بنابر آن در مورد تثبیت و تشخیص سن به دو مشکل ذیل در جریان امور و اجراءات بر می خوریم :

اول : یک شخص که میخواهد اقرار التزام و یا شهادت خود را از راه اداره ثبت اسناد توثیق نماید دارای تذکره تابعیت می باشد ولی بخاطر یک معیار مشخص و جامع غرض تثبیت اینکه سن قانونی مورد نظر تکمیل گردیده و یا در حال تکمیل است موجود نیست مشکلات و سوء تفاهم در زمینه ایجاد میگردد و دستور مشخص در اختیار نداریم، مثلاً شخص تذکره تابعیت بدست دارد که در آن ستون عمر باین ترتیب تسوید گردیده است :

شانزده ساله سال (۱۳۵۹) یا هجده ساله (۱۳۵۹) که تاریخ مشخص توزیع تذکره مذکور بطور مثال (۱۵ سنبله سال ۱۳۵۹)، و صاحب تذکره مثلاً زنیست که در برج حمل ۱۳۶۰ به ازدواج مبادرت می نماید و یا شخصی است که بتاریخ برج حمل (۱۳۶۰) معامله‌یی را توثیق میکند یا اقرار میدارد و یا ادای شهادت می نماید بنابر آن طور فشرده مواد آتی قابل یاد آوریمست.

الف : سن شانزده و یا هجده در همان تاریخ ۱۵ برج سنبله ۱۳۵۹ تکمیل مییابد.

ب : با تکمیل سن شانزده و یا هجده در تاریخ ۱۵ سنبله ۱۳۶۰ صورت میگیرد.

ج : و یا تکمیل سن شانزده و یا هجده در برج حمل ۱۳۶۰ بمجرد اتمام سال ۱۳۵۹ صورت میگیرد.

لذا در زمینه طالب هدایت میباشیم تا بمنظور استفاده از طریق واحد و معین و هماهنگی در اجراءات به پیمودن یک طریق مشخص ماموریت حاصل نمائیم چه روی تجربه که در زمینه دارم اجراءات در مؤسسات طبی احصائیه و ثبت احوال نفوس قضاء باهم توافق ندارند مثلاً طب عدلی در یک موضوع سن شانزده ساله و یا هجده ساله را بطور مطلق بدون ایزاد حواشی مانند تخمین و حدود در نظر رسمی خویش وانمود کرده که با تماس دوباره طب عدلی چنین نظر را حاوی شانزده و یا هجده مکمل دانسته اند و حینیکه سن را تخمین و یا در قید حدود معرفی کرده اند که تخمین شانزده و یا هجده و یا در حدود شانزده و هجده و هجده، شانزده و یا هجده مکمل دانسته شده چنانچه بین شانزده هفده و یا بین هجده و نوزده ساله هجده مکمل هفده هجده غیر مکمل فکر شده میتواند که در سایر مؤسسات مشخصات علیحده در نظر گرفته میشود.

دوم : اتباع ذکور افغانستان همه مکلف به اخذ تذکره تابعیت می باشند در حین تشخیص عمر شان قرار فوق اجراءات خواهد شد ولی زنانیکه یا ازدواج مینمایند و یا اقرار و التزام خویش را توثیق مینمایند در این مورد تعیین و تثبیت سن به چند طریق صورت گرفته میتواند، در تحقیقکه نسبت عدم موانع نکاح و یا اصلیت و شخصیت از محل مسکونه و یا مقرر صورت میگیرد بعضاً تحریر میدارند که سن قانونی ازدواج را تکمیل نموده و حینی هم سن را مشخص میسازند که در مطالبه تصدیق اصلیت و شخصیت موضوع تعیین عمر مقرر معمولاً خواسته نمیشود ولی بعد حین ثبت نکاح خط و حضور و یا حضور به توثیق منکوحه و یا مقرر خورد سال بنظر می خورد و یا بعضاً جسماً تنومند و کلان سال معلوم میشود ولی در واقع سن قانونی را تکمیل کرده نمی باشد که در این حال نسبتی که قضات و آمرین ادارات ثبت اسناد در علم تشخیص عمر مهارت ندارند اگر به ظاهر اکتفا شود راه اعتراض و تثبیت سن از طرف اهل فن که دکتور طب است باز باقی می ماند و در نتیجه راه مشبوهیت و معمولیت وثیقه باز گذاشته میشود چه اگر سن از طرف اهل فن کمتر از سن توثیق شده تثبیت گردد باعث درد سر شاملین وثیقه و منسوبین محاکم و ادارات ثبت اسناد میشود. لذا در این مورد هرگاه یکی از طریق ذیل مامور به قرار گیرد :

الف : تعیین و تشخیص سن در صورتیکه زن تذکره بدست نداشته باشد از راه استحصال نظر طبی صورت گیرد.

ب : تعیین و تشخیص سن به نزدیکترین محکمه ذوالحکم ارتباط داده شود تا در ذیل ورقه مربوط و یا عریضه مربوط سن را مشخص و یا سن معرفی شده را تصدیق و تأیید فرمایند که این احاله در صورت وجود تذکره ضروری نخواهد بود.

ج : و یا هر زنی که از اقرار وی وثیقه فروش ترتیب می‌گردد و یا به عباره دیگر مقرر وثیقه الزامی مانند بایعه، منکوحه، حجت، تملیک کننده، موکله و غیره اولاً تذکره تابعیت اخذ بدارند، بعداً موضوع مورد نظر خود را توثیق نمایند.

با صدور هدایت آن مقام عالی مشکلات عایده در تعیین و تشخیص سن از یک طرف مرفوع و از جانب دیگر در اجراءات محاکم و ادارات ثبت اسناد هماهنگی موثر رونما خواهد شد.))

نظر کمیته علمی وثایق :

از آنجائیکه ماده (۳۹) قانون مدنی سن رشد را هجده سال مکمل شمسی تصریح نموده است بنابر آن یا ارتباط مندرجات استهداءئیه مراتب ذیل قابل توضیح است :

۱- چنانچه متن ماده (۳۹) قانون مدنی صراحتاً حکم میکند سن رشد ((هجده سال مکمل شمسی)) میباشد. بنابر آن منظور از سن مندرج ماده متذکره هم سن مندرج ماده (۷۰) قانون مذکور عبارت است از اینکه در حالات مربوط (۱۸) سال کامل شمسی و (۱۶) سال کامل شمسی تکمیل گردیده باشد.

چون تحویل سال شمسی از یک سال به سال دیگر با تکمیل برج حوت و آغاز برج حمل صورت می‌گیرد، لهذا (۱۸) ساله سال (۱۳۵۹) چنین مفهوم دارد که با آغاز سال (۶۰) سن هجده سالگی را تکمیل نموده است.

۲- با رعایت حکم ماده (۵۰) قانون مدنی و حکم مندرج ماده (۹۰) تعدیل قانون اجراءات جزائی :

الف : در تعیین سن تذکره تابعیت مدار اعتبار شناخته میشود.

ب : در صورت اشتباه بین سن مندرج تذکره تابعیت با ظاهر الحال و یا نداشتن تذکره تابعیت سن اشخاص چه زن و چه مرد توسط اهل خبره طب عدلی، مراکز صحتی و سایر مراجع و اشخاص خبر و وثیقه تعیین می‌گردد.

که کود جزاً افغانستان عین مفهوم را طی مواد (۱۰۱ و ۱۰۲) خویش احتوا نموده که چنین مشعر است: سن طفل در جریان تحقیق و محاکمه به اساس تذکره تابعیت تثبیت می گردد و نیز در ماده (۱۰۲) کود مذکور چنین صراحت دارد:

۱- هرگاه طفل تذکره تابعیت نداشته و یا حالات ظاهری وی با سن مندرج تذکره تابعیت مطابقت نداشته باشد، خارنوالی یا محکمه نظر اهل خبره را در زمینه حاصل می نماید.^(۱)

۲- در مواردیکه خارنوالی یا محکمه تشخیص نماید که تعیین سن به اساس نظر اهل خبره با سوابق قضیه و یا حالات ظاهری طفل مغایر است یا متهم یا وکیل مدافع وی اعتراض داشته باشد، محکمه تعیین مجدد سن را به هیأت طبی که کمتر از سه نفر داکتر نباشد، راجع می نماید.

تصویب شماره (۱۴۴) مورخ ۶/جوزا/۱۳۶۰ شورای عالی ستره محکمه:

در مورد اینکه تحویل سال شمسی از یک سال به سال دیگر با تکمیل برج حوت و آغاز برج حمل صورت میگیرد و چنین مفهوم دارد که هجده ساله سال (۱۳۵۹) با آغاز سال (۱۳۶۰) سن هجده سالگی را تکمیل نموده است، نظر کمیته علمی و ثابق عیناً تائید گردیده ولی در مورد تثبیت سن طبق حکم ماده (۹۰) تعدیل قانون اجراءات جزائی عمل گردید. موضوع غرض آگاهی بعموم محاکم تعمیم گردید.^(۲)

لهذا تشخیص و تثبیت سن (رشد قانون مدنی) از طرف محکمه با در نظر داشت شرایط ذیل صورت میگیرد:

الف: در تعیین سن تذکره تابعیت مدار اعتبار است.

ب: در صورت اشتباه بین سن مندرج تذکره تابعیت با ظاهر الحال و یا نداشتن تذکره تابعیت سن اشخاص توسط اهل خبره (طب عدلی، مراکز صحتی و سایر مراجع و اشخاص خبیر و وثیقه) تعیین میگردد.

ج: هرگاه با اكمال حد نهایی بلوغ آثار و علائم بلوغ در شخص دیده نشود، این شخص حکماً بالغ پنداشته میشود و جمله تصرفات او قانونی است.

^۱- کود جزا تاریخ نشر (۷) ثور سال (۱۳۹۶) هـ ش نمبر مسلسل (۱۲۶۰)
^۲- متحدالجمال شماره (۲۱۶/۱۷۲) مورخ ۱۳۶۰/۷ دارالانشاء شورای عالی ستره محکمه.

د : شخص که سن هجده سال تمام را طبق قانون مدنی جلد (۱) تکمیل نماید، بالغ و رشید گفته میشود و کلیه تصرفات و اجراءات او در صورتیکه مجنون و یا سفیه نباشد قانونی است. زیرا رشد عبارت (از کیفیت نفسانی است که دارنده آن میتواند نفع و ضرر حسن و قبح را تشخیص دهد.)^(۱)

شرط سوم : مختار باشد

در اقرار شرط است که مقرر در حال اقرار نماید که بالای وی هیچ نوع تهدید حسی معنوی وجود نداشته باشد و اقراریکه در نتیجه اکراه و جبر صادر شود از لحاظ شرعی در نزد اکثر قابل اعتبار نمی باشد اینک اکراه چه را گویند و کدام نوع آن قابل اعتبار می باشد به تعریف و بیان انواع آن و بعد از آن حکم آنرا در روشنی اقوال علماء بیان خواهم نمود.^۲

شرط چهارم - مقرر معلوم باشد :

از برای صحت اقرار شرط است که مقرر معلوم باشد زیرا که اقرار عبارت از اخبار بحق است و بر ذمه مقرر در قبال مقرر له و حکم آن اینست که ملزم میباشد و به تسلیم نمودن آنچه که قابل تسلیمی است مامور میگردد مانند دیون و اعیان، و یا اینکه ملزم به تمکین و قدرت دادن بالای خودش میگردد تا مقرر له حقوق خود را بطور کامل اخذ نماید مانند عقوبت در قصاص و حدود و غیره.

پس کسیکه بالایش حق است مجهول باشد حکم اقرار متعذر خواهد شد، بخاطر عدم ذمه که حامل حق ثابت به اقرار باشد و همچنان در حق قضا امکان ندارد که بالای مجهول فیصله صورت گیرد.

از همین جهت فقهای معلوم بودن مقرر را در اقرار شرط نمودند. در بدائع الصنائع ذکر نموده ((جهالت مقرر مانع صحت اقرار میگردد مانند شخصی بگوید که شما بالای یکی از ما هزار درهم دارید این درست نیست زیرا که مقضی علیه مجهول است.))^(۳)

شرط پنجم : مقرر محجور علیه نباشد

تعریف محجور در لغت : اسم مفعول است از ماده (حجر) بمعنای منع آمده است و حطیم کعبه را از آن جهت حجر می گویند که او محجور یعنی منع کرده شده.^(۱)

^۱ - ژوبل، محمد عثمان. ((اقرار در حقوق مدنی افغانستان جلد دوم، کابل، مطبعه دولتی (۱۳۷۰) هجری شمسی.

^۲ - الکاسانی : بدائع الصنائع (۲۲۳/۷).

^۳ - الکاسانی: بدائع الصنائع (۲۲۳/۷)، ابن نجیم، زین الدین بن نجیم. البحر الرائق شرح کزالد فائق (۲۵۰/۷)، دارالمعرفه للنشر و التوزیع بیروت : ط : الثانیه ، علی حیدر: در احکام (۹۶/۴)

تعریف مجبور در اصطلاح : فقهای تعریفات مختلفی دارند و تعریفی را که در مجله الاحکام ذکر نموده ((هو منع شخص مخصوص عن تصرفه القولی)) منع شخص مخصوص از تصرفات قولی است^(۲)

اصناف مجبورین : مجبورین در نزد علماء حنفی : ۱- مجنون. ۲- صبی. ۳- رقیق است و این به اتفاق علماء وسفه و مرض موت در نزد جمهور علماء می باشد.

از مجنون و صغیر در گذشته بحث صورت گرفت و از رق و مرض موت در آینده بحث خواهند شد اینجا تنها از سفیه بحث خواهیم نمود.

اقرار سفیه

تعریف سفیه در لغت : خفیف العقل و سفه خفت را گویند در زبان دری سفیه نادان، کم خرد، کودن را گویند.^۳

در اصطلاح : السفیه : ((هو الذی یصرف ماله فی غیر موضوعه رفی مصارفه یضیع امواله ویتلفها بالاسراف)) سفیه شخصی است که مال خود را در غیر جای مناسب اش خرچ می نماید و اموال خود را ضائع و به اسراف تلف می نماید.^۴

اقوال علماء در تصرفات سفیه : در مورد تصرفات سفیه بین علماء اختلاف است لکن قبل از آنکه آنرا ذکر نمائیم، اشاره باید کرد که تصرفات وی یا قبل از حجر مییاشد و یا بعد از حجر هرچه تصرفاتش قبل از حجر بنابر قول راجح علماء صحیح و درست است زیرا که حکم سایر اشخاص را دارد.^(۵) اما تصرفاتش بعد از حجر در آن اختلاف علماء است به سه قول :

قول اول : مذهب جمهور علماء مالکیها، شافعی ها حنبلی ها در مذهب حنفی ها که آن قول مفتی به در مذهب است، بر این اند که تصرف وی مطلقاً نادرست است.^(۶)

^۱ - ابراهیم مصطفی وزملوه. معجم الوسیط ماده (حجر) (ت ۱۴۰۰ هـ ق)

^۲ - مجله الاحکام العدلیه دارالمعرفة للنشر و التوزیع : الطبعة الثانية (۹۴۶).

^۳ - ده خدا جلد (۱۶۰/۴)

^۴ - مرجع سابق

^۵ - شرح مجله الاحکام العدلیه دارالمعرفة للنشر و التوزیع : الطبعة الثانية (۹۴۱ م)

^۶ - فتح القدير : (۱۹۱/۸)، الشریبینی، مغنی المحتاج، ابن قدامه المغنی (۵۲۶/۴)، المغنی، ابن رشد، بداية المجتهد (۲۱۰/۲)

دلیل این قول : وضع کردن حجر بالای سفیه بخاطر اسراف و تصرفات نادرست وی در مالش بود، و حالا هم درست نمی باشد ولوکه اجازه هم داده شود، زیرا که اجازه دادن به وی در چیزی است که در آن اصلاً مصلحت وجود ندارد، لهذا درست نمی باشد.^(۱)

قول دوم : اینکه تصرفات وی مطلقاً درست می باشد و این قول امام ابوحنیفه رحمه الله است وی میگوید: بالای شخصی آزاد بالغ عاقل که سفیه باشد حجر وضع نمی شود و تصرف وی در مال خودش جائز است اگر چه اسراف کننده باشد، و مال خود را در چیزیکه در آن فایده و مصلحت نباشد هم مصرف نماید.

دلیل قوم دوم : در وضع کردن حجر بالای سفیه اهدار کرامت وی میباشد و ملحق به حیوانات میشود و ضرر آن شدیدتر از ضرر تبذیر و اسراف است لهذا بخاطر دفع ضرر ادنی ضرر اعلی تحمل کرده نشود و باید برعکس باشد.^(۲)

قول سوم : تصرفات مالی سفیه آنچه که از قبیل تجارت باشد مثل خرید و فروش صحیح است اگر ولی وی برایش اجازه دهد و این یکی از دو قول در مذهب شافعی و حنبلی ها است.^(۳)

دلیل این قول :

الف : اینکه عقد تجارت عقد معاوضه است پس مالک آن بعد از اذن می باشد مثل نکاح.

ب : اینکه وی عاقل است بناءً تصرفات اش هم درست البته بعد از اجازه آن مال صغیر.

ج : اگر ما او را از تصرفاتش بعد از اذن هم منع نمایم راهی برای شناخت و معرفت رشد و اختیار درست وی نمی باشد.^(۴)

^۱ - ابن الهمام فتح القدير (۳۵۱/۱)، المرغینانی برهان الدین ابوالحسن علی بن ابی بکر. (ت ۲۰۰۷ م) الهدایة شرح بدایة المبتدی. مکتبة شیری پاکستان کراتشی : الطبعة الاولى. (۲۱۸/۳)

^۲ - ابن قدامه مغنی (۵۲۶/۴)، الرملی نهاية المحتاج (۷۱/۵)

^۳ - مرجع قبلی

^۴ - مرجع قبلی

ترجیح : قول سوم بنظر راجح می آید بخاطر قوت دلیل ایشان و سلاح بودن آن. والله اعلم

شرط ششم : ظاهر الحال اقرار مقرر را تکذیب ننماید

از اینکه اقرار یکی از حجج قاطعه است، در اثبات باید از هر نوع احتمال که به حجت آن صدمه وارد نماید دور باشد، و با واقع حساً و شرعاً موافق باشد، بناءً شرط است که ظاهر حال آنرا تکذیب نه نماید و فقهای به این جانب توجه نمودند و آنرا از شروط اقرار شمردند.

قسمیکه ذکر نمودیم که اقرار موافق با ظاهر حال هم از نگاه حسی باشد و هم از نگاه شرعی و به هر کدام آن بخاطر توضیح شان مثال ذکر خواهیم نمود، و در مورد موافقت اقرار با ظاهر حال در مجله الاحکام العدلیه ماده (۱۴۷۷) آمده ((هرگاه صغیری که جثه وی برداشت بلوغ را نداشته باشد اقرار بلوغ نماید اقرارش صحیح نمی باشد و قابل اعتبار نیست.))^۱

۱- مثال اقرار محال عقلی : اگر شخصی اقرار نماید که او پنجصد درهم مدین فلان است از بابت خساره قطع دست وی در حالیکه هر دو دست آن شخص جور و سالم بود، این اقرار باطل است و بالای مقرر چیزی لازم نمیگردد.^۲

۲- مثال اقرار به محال شرعی : شخص وارث به وارث دیگر از حصه میراث اش زیاده اقرار نماید این اقرار باطل است زیرا که در شریعت میراث هر شخص معلوم است و وصیت هم به وارث بدون اجازه ورثه تنفیذ نمیشود لهذا این اقرار از نگاه شرع نادرست میباشد.^۳

مثلاً شخصی وفات نمود و یک پسر و یک دختر در عقب گذاشت پسر اقرار نمود که ترکه متوفی در بین هر دوی ما مناصفه باشد این اقرار غیر معتبر میباشد.^۴

مگر اینقدر است که در محال شرعی از هر جهت محال باشد و اگر در یک جهت به حال و جهت دیگر نباشد باز هم اقرار درست است، مثلاً شخصی اقرار نمود که وی مدین فلان صغیر است بخاطر قرض دادنش برایم آن مقدار پول و یا از بابت قیمت متاع که بالایم فروخته بود، این اقرار صحیح است یا اینکه صغیر اهلیت قرض و بیع را ندارد لکن مگر جملتاً اهلیت ثبوت دین صغیر را دارد.^(۵)

۳- اقرار برای حمل : به سبب غیر صالح مثلاً بیع و قرض صحیح نمیباشد قسمیکه گذشت.

^۱ - علی حیدر درالحکام (۹۵/۴).

^۲ - الحصفی، علاءالدین. درالمختار علی تنویر الابصار (۵۹۰/۵)

^۳ - مرجع قبلی

^۴ - مرجع قبلی

^۵ - مرجع قبلی

۴- اگر خانمی بعد از آنکه به شخص دیگری ازدواج نمود و مسمی نمودن مهر معلوم که در زمه شوهر اش است اقرار نماید که آن مهر از برای پدرش است و یا فلان و یا اجنبی اقرارش باطل است.

۵- شخصی به شخص دیگر اقرار نمود که او فرزند وی است و آن شخص قابلیت آنرا نداشت که فرزند وی باشد پس این اقرار درست نیست.^(۱)

شرط هفتم - مقرر به اقرار خود عالم باشد :

هرگاه انسان عاقل بالغ چیزی را اظهار می نماید و به آن تلفظ میکند به آن حساب کرده شود، و باید از درک و فهم خود سخن گوید و بداند که بقول اش مؤاخذه میشود و سخنش نتایج خود را دارد، و از همین جا است که فقهای سخن عقلا را بیهوده نشمرده به آن قاعده واضع کردند که ((اعمال الکلام اولی من اهماله))^(۲)

به این معنا که سخن عقلا بیهوده تلقی نشود و برای آن یک محمل درست سراغ شود و هدر نرود، بناءً در باب اقرار اگر کسی اقرار می نماید باید بداند که چه چیز میگوید و چه نتیجه بالای آن مرتب میشود و سخن خود را خودش بداند، و اگر یک اعجمی کلمات چندی از زبان عربی تلقین شود که معنی آنرا نمیداند که چه میگوید به آن مؤاخذه نمی شود، بخاطریکه مدلول آنرا نداند مستحیل است که قصد آنرا کرده باشد، و عامی هرگاه دعوی جهل نماید از وی قبول میشود که مدلول بسیاری از اصطلاحات علمی فقهای را نمی داند، این درست، و وی معذور شمرده میشود به خلاف کسی که با علماء نشست و برخاست داشته معذور شمرده نمی شود و از باب اولی برایش زبان دیگری تلقی شود و به مفهوم مؤدای آن پی نبرد و به یک چیزی اقرار نماید که آنرا نمی خواهد، و همان حقیقت بر خلاف اقرار وی باشد و در آینده بگوید آنچه من گفته بودم ندانسته بودم عذرش مقبول لکن با قسم دادن به وی بخاطریکه وی بخودش خوب آگاه است و ظاهر حال وی را تائید مینماید.^(۳)

^۱- در الحکام شرح مجلة الاحکام (۹۴/۴ - ۹۳)

^۲- مجلة الاحکام ماده (۶)

^۳- الزرکشی : بدرالدین محمد بن بهادر. المنثور فی القواعد : (۱۲/۲)، وزارت الاوقات و الشؤون الاسلامیة، دولت کویت.

مطلب دوم : مقرر له و شروط آن
شرط اول : مقرر له معلوم باشد .

یکی از اوصافیکه در باب اقرار تاثیر بسزای دارد وصف جهالت است، و اقرار همان جایگاه عالی که در وسایل اثبات دارد باید جلی و واضح باشد و در آن هیچ نوع اجمالی و پوشیدگی وجود نداشته باشد که بحجیت آن قدح وارد نماید و صلاحیت آنرا در قضاء خدشه دار نماید، و از این جهت جمهور علماء تاکید دارند که اقرار به مجهول درست است مگر بشرط تفسیر و بیان، برابر است که این جهالت در مقرر له باشد و یا در مقرر به، و برابر است که جهالت فاحشه باشد و اندکی و همین نکته موضوع خلاف علماء بود و آنها اقرار به مجهول را هم رد نمودند، لکن بعد از بیان و توضیح و رفع ابهام آنرا قبول نمودند و اختلافیکه موجود بود تقریباً بر داشته میشود و یا هم نزدیک می شوند.

مقرر له از دو حالت خالی نمی باشد یا معلوم می باشد و یا مجهول هرگاه معلوم باشد حکم اقرار به آن ظاهر است که آن عبارت از صحت و لزوم می باشد در حق مقرر که مقرر به را به مقرر له تسلیم نماید و از ذمه خویش بیرون نماید.

اما مجهول بدو قسم است، مجهولیکه جهالت آن فاحشه است و مجهولیکه جهالت آن کم و اندکی است و در اولی آن علماء اختلاف دارند که اقوال شانرا ذیلاً ذکر خواهیم نمود.

قول اول : جمهور فقهای به این نظر اند که اقرار در صورت جهالت مقرر له صحیح است و مقرر مجبور کرده میشود که مقرر له را بیان و تفسیر نماید و جهتی و یا شخصی مجهول را توضیح نماید.^(۱)

دلایل : گفتند :

۱- اقرار حق اسبق است و از یک چیز احیاناً با تفصیل خبر داده میشود و احیاناً به اجمال و یا از جهت جهل به آن میباشد، و یا مجهولاً بوصیت ثابت شده و مانند آن، و اقرار مخالف آن انشأ است که جهالت را از باب احتیاط متحمل نمی شود بخاطر ابتدا ثبوت اش و دوری جستن از غرر در آن.^(۲)

^۱- الحطاب : محمد بن محمد بن عبدالرحمن. مواهب الجلیل شرح مختصر خلیل المعروف به (شرح الحطاب). (۳۶۹/۸) مکتبه النجاح طرابلس، لبنان، النوی : روضة الطابین و عمدة المفتین. المکتب الاسلامی. (۳۶۰/۴)، المرادوی (۲۷۳/۱۱)
^۲- مجمع الانهر شرح ملقی الابحر (۳۹۷/۳)

۱- اقرار اخبار از حق است بالای مقر، پس آنچه که بالایش است بروی لازم است با جهالت آن، وهمچنان مقر از رجوع از اقرارش مأمون نمی باشد، پس حق مقر له ضائع میشود و از این جهت ویرا ملزم نمود با جهالتی که در آن است.^(۱)

۳- اینکه جهالت مستدرک است با اجبار نمودن مقر به بیان آن.^(۲)

قول دوم : از متقدمین حنفی ها است آنها میگویند اقرار به مجهول مطلقاً درست نیست برابر است که جهالت زیاد باشد و یا کم هرچه متأخرین حنفی ها به این قول اند که جهالت مقر له آن وقت مانع صحت میگردد که از حد معمول زیاد باشد مثلاً بگوید که (این کتاب از یکی از مردم است) اما اگر (متفاحشه) از حد معمولی زیاد بود مثلاً گفت که (این کتاب از یکی از این دو شخص است) و این مانع صحت اقرار نمیگردد. و در عنایه این قول را صحیح گفته است.^(۳)

استدلال قائلین به منع مطلق :

- ۱- درست نیست که مجهول قابلیت استحقاق داشته باشد.
- ۲- این اقرار مفید نیست بخاطر عدم صحت اجبار به بیان نمودن زیرا که مقر بخاطر صاحب حق مجبور کرده میشود و آن مجهول است.^(۴)

استدلال قائلین به جهالت یسیره یا اندک :

این است که فائده از این اقرار بدست می آید و آن رساندن حق به مستحق آن است و طریقه وصول و یا رساندن ثابت است، و برایش گفته میشود که مجهول را بیان نماید، زیرا که اجمال از طرف وی است و بیان مجمل (بفتح میم) بالای مجمل (کسر میم) می باشد و این طوری شد که گویا یکی از دو غلام خویش را آزاد کرده باشد.^(۵)

^۱ - الکاسانی ابوبکر مسعود (ت ۱۹۸۲ م). بدائع الصنائع (۲۱۴/۷)، المرادوی : الانصاف (۲۷/۳/۱۱) الشربینی : مغنی المحتاج (۲۴۷/۲).

^۲ - السرخسی المبسوط (۵۹/۱۸)

^۳ - السرخسی المبسوط (۱۸۸/۱۷)، الزیلعی : تبیین الحقائق شرح کنز الدقایق (۴/۵)، نظام الدین مولانا شیخ نظام جماعة من العلماء الفتاوی الهندیة ادارة نشر و اشاعة علوم الاسلامیه محله جنگی پشاور (۱۷۱/۴).

^۴ - البحر الزائق شرح کنز الدقائق (۲۵۰/۷) داماد افندی : مجمع الانهر (۲۸۹/۲)

^۵ - ابن همام فتح القدير (۳۲۵/۸) ابن عابدین رد المحتار (۱۰۴/۸)

فقه‌های حنفی در جهالت زیاد و کم اختلاف دارند :

گفته شد : جهالت فاحشه (از حد زیاد) آن است که مثلاً بگوید : به یکی از مردم و غیر فاحشه آن است که بگوید به یکی از شما اقرار نمودم.

و گفته شده : متفاحش (از حد گذشته) صداست.

و ابن عابدین گفته : برای من طوری نمایان می شود که فاحش آنست که از صد زیاد باشد.^(۱)

و قول راجح : اگر جهالت اندکی باشد و امکان بر داشتن باشد اقرار به آن درست و الا درست نمی باشد طوری که قول متاخرین حنفی ها است و طبیعی است که قاضی در رفع آن رول مهم دارد و موجودیت جهالت آن حکم نه می نماید تا آنکه توسط مقرر بیان و توضیح شود و اشکال آن بر داشته بود.

و اگر مقرر از توضیح بیان امتناع ورزد با وی چه کرده شود ؟

علماء آراء مختلف دارند :

۱- حنفی ها ، مالکی ها و شافعی ها در یک قول و حنبلی ها در یک روایه میگویند که اگر مقرر از تفسیر و بیان جهالت امتناع ورزید، قاضی وی را مجبور می نماید تا اینکه توضیح و تفسیر نماید.^(۲)

۲- شافعی در صحیح مذهب و حنبلی ها در مذهب به این نظر اند که قاضی وی را به تفسیر و بیان امر می نماید، و اگر امتناع ورزید حبس نماید تا آنکه جهالت را تفسیر نماید.^(۳)

و وجه حبس کردن این است که وی از حقی که بالایش لازم شده امتناع ورزید، پس به حبس کرده میشود، و آن طوری است که گویا آنرا تعیین کرده باشد مگر از اداء آن امتناع می ورزد باید حبس شود تا که حق را اداء نماید.^(۴)

^۱- ابن عابدین : رد المختار (۱۰۴/۸)

^۲- الزیلعی : تبیین الحقائق (۴/۵)، ابن فرحون، القاضی برهان الدین ابراهیم بن علی المالکی. (۱۳۸۷ هـ ق) تبصرة الحکام : (۳۲۱/۲)، مطبعة المصطفی البابی بمصر، الشربینی : مغنی المحتاج (۲/۲۵۴) ابن قدامه المغنی (۳۰۳/۷)

^۳- السیوطی ، جلال الدین، بن عبدالرحمن. (ت ۱۹۹۰ هـ ق) الاشباه و النظائر فی فقه الشافعیه دارالکتب العلمیه، بیروت لبنان : الطبعة الاولى (ص ۵۰۱)، البهوتی کشف القناع عین المتن الاقناع (۶/۴۸۰)

^۴- المبدع شرح المقنع (۱/۴۳۳).

و آن اقوال به حبس وی تاوقت بیان بهره از نظر دارد، زیرا که وی به این امتناع اش از بیان حقی که بالای وی لازم شد آنرا فوت می نماید، و راه رسیدن به آن تنها بیان وی است، و قتیکه امتناع ورزید حبس کرده میشود تا که حق را ادا نماید.

**شرط دوم : اهلیت، استحقاق و تملک را حساً و شرعاً داشته باشد
این شرط دارای فروع ذیل میباشد :**

الف : اقرار برای حمل

اقرار برای حمل صحیح و درست است، و قتیکه نسبت آن به یک سبب صالح و معقول در جهت حمل صورت گیرد مثل میراث و وصیت و این به اتفاق همه فقهای می باشد.^(۱)

تعلیل این قول : و صحت اقرار به این اعتبار که حمل اهلیت استحقاق و تملک را دارد، بخلاف اهلیت و خوب و تکلیف که حمل اهلیت آنرا نمی داشته باشد و خصم در این مورد ولی حمل می باشد.^(۲)

مگر فقهای از برای اقرار برای حمل شرط نمودند که ولادت آن در مدة باشد که از آن دانسته شود که در وقت اقرار حقیقه و یا حکماً بنابر مذهب جمهور وجود داشت.^(۳)

و از روز استحقاق در مذهب شافعی قایم و موجود باشد.^(۴)

و وقت استحقاق یا موت موصی یا مورث میباشد، البته بحساب مدت ادنی و اعلی، آن دانسته شود که حمل حقیقه و یا حکماً وجود داشت و یا خیر ؟

در گذشته ذکر نمودیم که در اقرار برای حمل اگر آنرا به یک سبب صحیح و درست نسبت نماید به اتفاق علماء درست است.

اما اگر سبب را بیان نه نماید و یا سببی را بیان نماید که آن غیر صالح میباشد در اینصورت فقهای به اقوال ذیل اختلاف دارند. که در حالات آتی آنرا بیان خواهیم نمود.

^۱ - الشربینی مغنی المحتاج (۲/۲۴۱).

^۲ - الشربینی : مغنی المحتاج (۲/۲۴۱).

^۳ - الشربینی : مغنی المحتاج (۲/۲۴۱) نفس مرجع.

^۴ - الحصفی : درالمختار (۵/۵۹۹).

حالت اول : مثال اینکه سبب را بیان نه نموده باشد بگوید که حمل فلانی زن بالای من این مبلغ از مال را دارد :

- ۱- ابو یوسف و ابوالحسن التمیمی از حنبلی ها میگویند که این اقرار درست نمی باشد.
- ۲- تعلیل شان هم اینست : که مطلق اقرار می میگردد به اقرار به سبب تجارت، و اینکه مال لازم نمیگردد مگر به یک معامله و معامله به حمل متعذر است.^(۱)
- ۳- امام مالک، اما احمد و امام شافعی در اصح قولین اش میگویند که اقرارش صحیح است.^(۲)

تعلیل شان : هم اینست که اقرار از دلایل و حجج شرعی است پس اعمال به اندازه که ممکن باشد واجب است، و اینجا امکان دارد که سبب صالح حمل کرده شود^(۳)

قول راجح : قول اخیر به نظر راجح می آید زیرا که اصل در اقوال اعمال است و کلام هوشیاران باید بی هوده پنداشته نشود تا حدی که امکان دارد و قسمیکه قاعده فقهی است که (اعمال کلام اولی است از اهمال آن)^(۴) بناءً اینجا کدام مانعی وجود ندارد که به یک سبب صالح ولوکه مقر ذکر نکرده باشد حمل کرده شود. والله اعلم

حالت دوم :

و آن اینکه اسناد اقرار خود را به سبب غیر صالح و نادرست نماید مثلاً بگوید : که فلان حمل بالای من این مقدار پول را از بابت قرض و یا بیع دارد، در اینصورت علماء دو قول دارند.

- ۱- مذهب حنفی و ابی الحسن التمیمی از حنبلی ها و یکی از دو قول در مذهب شافعی این اقرار باطل است و صحیح نمی باشد بخاطر قطع به کذب آن زیرا که وی سببی را بیان کرده که آن مستحیل است.^(۵)

۲- و ابن حامد^(۱) - از حنبلی ها و یک قول در مذهب شوافع میگویند که اقرار او درست است بخاطریکه وی اقرار خود را به چیزی پیوست نموده که آنرا ساقط می نماید، پس آنچه را که به

^۱ - المرغینانی، الهدایة (۱۸۳/۲) ابن قدامة : المغنی (۱۵۴/۴)، علی حیدر دارالحکام (۹۰/۴)
^۲ - الشربینی : مغنی المحتاج (۲۴۱/۲)، ابن قدامة : المغنی (۱۵۵/۵)، الدسوقی حاشیة الدسوقی (۳۴۸/۳)
^۳ - المرغینانی الهدایة (۱۸۳/۳)، ابن قدامة المغنی (۱۵۴/۵)
^۴ - المرغینانی الهدایة (۱۸۳/۳)، ابن قدامة المغنی (۱۵۴/۵)، الشربینی : مغنی المحتاج (۲۴۱/۲)
^۵ - المرغینانی الهدایة (۱۸۳/۳)، ابن قدامة المغنی (۱۵۴/۵)، الشربینی مغنی المحتاج (۲۴۱/۲)

اقرار وصل نموده ساقط می‌گردد و اقرار بحال خود باقی می‌ماند طوریکه بگوید که آن شخص بالایم هزار افغانی دارد و بالایم لازم نمیشود.^(۲)

قول راجح : قول اول راجح بنظر می‌آید زیرا که مقرر صراحتاً اقرار خود را منسوب نموده و آن هم چیزی است که امکان بیمان آمدنش نیست لهذا به کلام مقرر یک محمل درست وجود ندارد و کلامش ملغاً قرار داده میشود.

ب : اقرار برای شیر خور و طفل
اقرار برای شیرخور و طفل صحیح و درست است، برابر است که ممیز باشد و یا غیر ممیز و این قول اکثر فقهای است.^(۳)

وجه این قول : چون اطفال اهلیت استحقاق مال مقرر به را دارند، و همچنان اقرار متوقف به قول نمیشود در حق مقرر لازم میگردد، چنانکه ملکیت از برای مذکورین ثابت میگردد بدون حاجت به تصدیق ایشان (اقرار برای رضیع صحیح است).^(۴)

ج : اقرار برای غیر از انسان مانند یک جهت یا حیوان :

۱- اقرار برای حیوان : چون حیوان اهلیت استحقاق و ملکیت را ندارد. بناءً اقرار به آن به دین یا ملکیت باطل و نادرست میباشد.^(۵)

اما اگر سببی را ذکر نمود که امکان نسبت اقرار به آن بود مثلاً بگوید : این حیوان بالایم این مقدار به سبب جنایتی که بالای آن نمودم دارد، و یا این خانه بالایم این مقدار سبب غصب اش دارد در چنین صورت ها جمهور علماء به این اند که اقرار وی درست می‌باشد و اقرار در حقیقت به صاحب حیوان و خانه میباشد.^(۶)

^۱ ابن الحامد الحسن بن حامد بن علی بن مروان الوارق البغدادی امام الحنابلة در زمانش و مدرس و فقهی ایشان و استاد ابوعلی فراه و مجلس خود را به قراءه قرآنکریم آغاز می‌نموده از تصانیف اش (الجامع) فی فقه ابن حنبل و شرح ابن قدامه : المغنی (۱۵۴/۵)

^۲ ابن قدامه المغنی (۱۵۴/۵)

^۳ الحصفی : درالمختار (۶۰۰/۵)، مجله الاحکام الشرعیه ص (۵۱۸)

^۴ الحصفی درالمختار (۶۰۰/۵) مجله الاحکام الشرعیه ص (۵۱۸)

^۵ ابن عابدین : رد المختار : (۶۰۰/۵)

^۶ ابن قدامه : المغنی (۱۵۴/۵)، الدسوقی : حاشیه الدسوقی (۳۴۹/۳)، الشریبینی : مغنی المحتاج (۲۴۱/۲)، حاشیه الدسوقی (۳۴۹/۳)

و اکثریت حنبلی ها بر این اند که : اقرار صحیح نمی باشد زیرا که این اقرار به خانه و حیوان صورت گرفته و آن دو از اهل استحقاق نمی باشد.^(۱)

۲- اقرار به یک جهت : اما اقرار برای یک جهت مثل مسجد، مدرسه راه وقف و امثال آن درست می باشد و مال مقر به در اصلاح و ترمیم آن مصروف کرده میشود، مثلاً شخص متولی امور مسجد و یا جایداد وقف است میگوید که به ذمه من به این مسجد این مقدار مال است اقرار وی صحیح است و لوکه یک سبب را ذکر نه نماید و این مذهب جمهور علماء است.^(۲)

و بعضی از حنبلی ها گفتند که درست نیست اگر سبب را ذکر نه نماید زیرا که این جهات اهلیت استحقاق را ندارند.

شرط سوم : مقر له مقر را تکذیب نه نماید : یکی از شروط مهم باب اقرار اینست که مقر له مقر را تکذیب نه نماید والا اقرارش باطل، و از قواعد مؤثر شمرده میشود، زیرا که تکذیب مقر له دلیل صادق و برهان قاطع و روشن است بر عدم استحقاق مقر له آنچه که مستحق اش باشد به قبول و تسلیمی آن تلاش و مبادرت می ورزد، بلکه احیاناً دعوی چیزی را می نماید که از وی نمی باشد و در آن حق نمیداشته باشد، پس انکار مقر له آنچه را که مقر به آن اقرار نموده بیم و حذر را لازم و شکوک را در مورد صحت اقرار بر می انگیزد. و از این جهت فقهای جمعاً به انکار از این اقرار و عدم اعتراف به آن روی آوردند و نه تنها که به ابطال آن اکتفاء نورزیدند بلکه نظر شان دورتر از آن جلوه نموده که به چیزی که مقر به است به آنچه معامله صورت گیرد که آراء شان در مورد آن اختلاف دارند که به آنچه معامله صورت گیرد که در آینده بالایش بحث خواهد شد.

قسمیکه قبلاً ذکر نمودیم که علماء هم در مورد این شرط اتفاق دارند، آنرا یکی از قواعد فقه درباب اقرار شمردند که میگویند : ((المقر له اذ اکذب المقر بطل اقراره)).^(۳)

و فقهای رحمهم الله همه شان به این قاعده اتفاق دارند که اگر مقر له مقر را تکذیب نماید اقرارش باطل میگردد، گویا که اقرار اصلاً وجود نداشت و نصوص شان به این اشاره مترادف میباشد.

^۱ - المرادوی : الانصاف (۱۴۶/۱۲)

^۲ - الکانسانی : بدایع الصنائع (۲۲۴/۷)، المرادوی : الانصاف (۱۴۶/۱۲)

^۳ - ابن نجیم : زین الدین بن نجیم الاشباه و النظائر علی مذهب امام ابی حنیفه (رح) دارالمکتب العلمیة بیروت لبنان (ص ۲۵۳)

در اشباه و نظائر آمده ((وقتیکه مقر له مقر را تکذیب نماید اقرارش باطل میگردد))^(۱).

در تبصره الحکام آمده ((رکن سوم مقر له و شرط وی است که اهلیت استحقاق را داشته باشد و اینکه مقر را تکذیب نه نماید))^(۲).

و در نهاییه المحتاج آمده ((از برای صحت اقرار عدم تکذیب مقر له شرط است))^(۳).

پس از این نصوص آشکار شد که فقهای رحمهم الله اتفاق دارند به ابطال اقرار در حال تکذیب مقر له، زیرا چیزی که اقرار را بعد از وجودش باطل می نماید تکذیب مقر له است و از این جهت اقرار مقر له دلیل لزوم مقر به است، و تکذیب مقر له دلیل عدم لزوم است و این لزوم ثبوتش شناخته نشد، پس در موجودیت شک لازم نمی گردد، و این نتیجه طبیعی ظهور خلل واپس است در این اقرار، تا آنکه چیزی در ملک مقر له بدون رغبت و علاقه اش داخل نگردد.

وقتیکه مقر له مقر را تکذیب نمود به آنچه که اقرار صورت گرفته یعنی (مقر به) به آنچه کرده شود آیا در دست مقر باشد و یا به کدام جهت دیگری تسلیم شود؟ علماء در این مورد اختلاف دارند.

قول اول : میگویند که در دست مقر گذاشته شود و این مذهب حنفی^(۴) آنچه که از کلام حنفی ها فهمیده میشود آنست که مقر به در دست مقر باقی می مانده و آن بخاطر تصریح شان که اقرار به رد نمودن مقر له رد میگردد بدین معنی که وقتیکه مقر له مقر را تکذیب نمود اقرار باطل میشود از آن جمله این قول شان که شخصی که به کسی دیگری بگوید که تو بالایم یکهزار درهم داری طرف مقابل گفت من من بالای تو چیزی ندارم، در این صورت بالای مقر چیزی لازم نمیگردد و مفهوم این قول اینست که مقر به در دست مقر باقی گذاشته میشود : دیده شود، مالکی ها، وأصح الوجهین در نزد شافعی ها و مذهب در نزد حنبلی ها^(۵).

استدلال شان به بقا آن در دست مقر قرار ذیل است.

^۱ - ابن نجیم : الاشباه و النظائر : (ص ۲۰۳)

^۲ - ابن فرحون تبصره الاحکام (۵۸/۲)

^۳ - الزملي، شمس الدين محمد بن العباس نهاییه المحتاج (۷۵/۵)

^۴ - السرخسی المسبوط (۱۸۹/۱۷)، الحصکفی : درالمختار (۵۹۱/۵)

^۵ - مواهب الجلیل شرح مختصر الخلیل المعروف به (شرح الحطاب) : (۲۱۸/۷)، النووی : روضة الطالبین (۳۵۸/۴)، ابن قدامه : المغنی (۲۸۱/۷)

۱- چون مقر به در دست مقر است و محکوم له به ملکیت وی بالید است وقتیکه به آن اقرار به غیر نمود و مقر له وی را تکذیب نمود به حکم ذوالید در دست اش باقی می ماند.

۲- اینکه مقر به در دست مقر بود وقتیکه اقرارش باطل شد کما فی السابق در دست وی باقی می ماند گویا که اصلاً اقرار نه نموده باشد.

قول دوم : حاکم حفظ و نگهبانی آنرا بدوش میگیرد تا که مالکش ظاهر گردد، و اگر به نظر شان آمد که مالک اولی حفاظت آنرا بدوش بگیرد گویا که شخصی عدل آنرا حفاظت مینماید، در نزد وی گذاشته شود و این وجه دوم در نزد شافعی و حنبلی ها است.^(۱)

استدلال شان : مقر به از ملکیت مقر توسط اقرارش خارج گردید و در ملکیت مقر له داخل نشد و هر کدام آنها ملکیت آنرا انکار می نماید پس آن به مثابه مال ضائع شدنی است در بیت المال گذاشته شود.^(۲) و شاید قول راجح این باشد که در دست مقر گذاشته شود، بخاطر که دست وی ابتداء دست مالکیت بود، و در نتیجه انکار مقر له تغییر نمود، پس دست وی باز به آن عودت می نماید تا وقتیکه صاحب حقیقی آشکار گردد، و دیگر اینکه مقر له انکارش خصومت و دعوی را باطل نموده پس قاضی صلاحیت دارد که آنرا در دست مقر بگذارد تا صاحب آن ظاهر گردد، و همچنان مانع نیست که بقاء آن در دست مقر زیر نظر و اهتمام قاضی باشد تا وقتیکه صاحب اصلی آن نمایان شود و آنرا برایش تسلیم نماید.

مثالهای از این شرط : طوریکه در خلال بحث متذکر گردیدیم که تکذیب مقر له اقرار را باطل می نماید و آنرا فقهای بحیث یک قاعده فقهی تلقی نمودند و اینکه چند مثال توضیحی آنرا ذکر و به تعقیب آن مواردیکه در آن تکذیب مقر له تاثیری نمی گذارد با مثال های آن توضیح خواهیم نمود.

۱- شخصی از برای عاقل آنچه که در دستش است اقرار نمود، پس مقر له تصدیق ویرا نه نمود اقرارش باطل است.^(۳)

۲- مقر گفت : تو بالایم یکهزار درهم داری شخص دیگر گفت من بالای تو چیزی ندارم، بالای مقر چیزی لازم نمیگردد و اقرار باطل میشود.^(۴)

^۱ - النووی : روضة الطالبین و عمدة المفتین (۳۵۸/۴)

^۲ - الشیرازی المذهب فی فقه امام شافعی (۳۱۲/۲).

^۳ - المرادوی الانصاف (۲۵۲/۱۲)

^۴ - الشنقیزی، محمد الامین محمد المختار. (ت ۱۴۱۷ هـ ق) دارالحیاء التراث العربی البیرون : الطبعة الاولى، منح الجلیل (۲۱۸/۲)

۳- اگر شخصی گفت : این کنیز را از فلانی غصب نمودم، و فلانی گفت : آن از من نیست مقر به چیز ملزم نمیشود و اقرار باطل است.^(۱)

۴- اگر شخص به شخص دیگر اقرار به قصاص حد یا قذف نمود، و مقر او را تکذیب کرد، حق وی ساقط و اقرارش باطل گردید.^(۲)

۵- در بدائع الصنائع گفته : هرچه بیان آنچه که حده (حد سرقه) را بعد از وجوب اش ساقط می نماید آن انواع است، از جمله تکذیب مسروق منه سارق را در اقرارش بر سرقه طوریکه برایش بگوید تو از من دزدی نکرده ای پس اقرار باطل میگردد.^(۳) ذکر مواردیکه تکذیب مقر له اقرار مقر را باطل نمی نماید :

علی رغم اتفاق فقهای به قاعده که ذکر نمودیم ((المقر له اذا كذب المقر بطل اقراره)) با آن همه عده از مواردی است که تکذیب مقر له در آن تاثیر ندارد و اقرار به همان قوت خود باقی میماند و تاثیر خود را میداشته باشد و مقر به تنفیذ و عملی می شود.

مثلاً : مقر بگوید که مقر له بالای من یکهزار دارد و مقر له بگوید من بالایت قرض ندارم.

و مواردی را که علماء استثناء نمودند قرار ذیل است : اقرار به حریت، رق، نسب، نکاح، ابراء کفیل و مدیون، ولاء عتاق، وقف، طلاق و میراث این مواردی است که تکذیب مقر له در آن تاثیر نمیداشته باشد و اقرار تنفیذ میگردد در غیر موارد مذکور تکذیب مقر له اقرار مقر را باطل می نماید.^۴

مثال های آن :

۱- وقتی که شخص به غلام خود اقرار حریت نماید و غلام انکار نماید، پس اقرار صحیح و حریت به وی ثابت میگردد اگر چه غلام آنرا انکار نماید.^(۵)

۲- وقتیکه به نسب فلان شخص اقرار نماید، و فلان آنرا انکار نماید پس نسب ثابت میشود اگر منکر صغیر باشد و اعتبار به انکار مقر نمی باشد.^(۶)

^۱ - الشنقیطی : منح الجلیل (۲۱۸/۷)

^۲ - الرملی : نهاية المحتاج (۷۵/۵)

^۳ - الكاسانی : بدائع الصنائع (۸۷/۷)

^۴ - السرخسی : المبسوط (۷۰/۳۰)، ابن نجیم : الاشباه و النظائر (۱۹/۲)

^۵ - مرجع قبلی

^۶ - ابن نجیم : الاشباه و النظائر (۱۹/۲)، المرادوی : الانصاف (۳۶۱/۷)

۳- اگر به طلاق زن خویش اقرار نماید و زن انکار کرد طلاق واقع شد و اعتبار به انکار زوجه نیست زیرا که طلاق احتمال نقض را ندارد و همچنان به رق، و وقف و ولاعتاقت این چیزها به انکار مقرر له باطل نمیگردد زیرا که احتمال نقض را ندارد.^(۱)

۴- تکذیب مقرر له مقرر را در بعضی از آنچه که به آن اقرار نموده اقرار را باطل نمی نماید، چنانچه بگوید که: از تو دو غلام را غصب نمودم، و در یک آنها وی را تصدیق نماید اقرارش در یک آنها درست میباشد.

۵- اگر بگوید که به فلانه و فلانه زن زنا نمودم و یکی از آنها ویرا تکذیب نماید و دیگرش تصدیق، حد بالایش قایم میگردد و به تکذیب یکی از مزنی بها اعتبار نیست.^(۲)

۶- اگر اقرار به زنا به یک زن نماید، و آن زن انکار کند این مرد حد بالایش جاری میشود زیرا که انکار زن در اقرار مرد تاثیر نمی نماید.^(۳)

۷- اگر شخصی اقرار نمود که وی در این وقف حق ندارد و زید مستحق است نه وی، و شرط وقف کننده بر آمد که تکذیب کننده بر آمد که تکذیب کننده وی بود و مبین استحقاق آن شخص بود در اینجا درست اینست که این اقرار اعتبار ندارد برابر است که شرط واقف را دانسته و تکذیب آنرا نموده باشد و یا ندانسته باشد، پس ثبوت این حق از وی کذب وی منتقل نمیشود.^(۴)

خلاصه اینکه: هرگاه اقرار به چیزی حاصل شد که احتمال نقض ایشان نباشد به تکذیب مقرر له باطل نمیگردد.

مطلب سوم: مقرر به و شروط آن

و آن عبارت از حقی است که مقرر از آن خبر میدهد برابر است که اثبات حق باشد و با استناد آن، و برابر است که از حقوق الله باشد و یا حقوق العباد و در مقرر به شروط ذیل شرط است:

شرط اول: اینکه مقرر به هر چیزهای باشد که شرع به آن اعتراف نموده یعنی مال متقوم باشد.

فقهای به صحت اقرار مال متقوم اتفاق دارند، برابر است که مال معلوم باشد و یا مجهول، چون جهالت مانع صحت اقرار نمیگردد، مگر فقهای در تغییر مجهول باهم اختلاف دارند.

^۱ - الزیلعی تبین الحقائق (۱۳/۵)

^۲ - السرخسی المبسوط (۱۹۳/۹)

^۳ - السرخسی المبسوط (۱۹۳/۹)، الکاسانی، بدائع الصنائع (۵۳/۷)

^۴ - السیوطی، جلال الدین، بن عبدالرحمن. (ت ۱۹۹۰ هـ ق) الاشباه و النظائر فی فقه الشافعیة. دارالکتب العلمیة بیروت البنان (۳۳۴/۱)

و میگوید که حق در ذمه مقر ثابت میگردد، و بر وی بیان نمودن آن مجهول لازم میباشد، اگر آنرا تغییر به چیزی نمود که قابل مالیت باشد پذیرفته میشود، اگر کم هم باشد.

اگر آنرا به چیزی تغییر نمود که قابلیت مالیت را نداشته باشد مثل یکدانه گندم جو جواری در آن صورت تغییر اش پذیرفته نمیشود و این نظر جمهور علماء می باشد، زیرا چیزیکه قیمت نداشته باشد آن بحیث حق در ذمه ثابت نمی شود و بحق آن اقرار هم واقع نمیشود.^(۱)

شرط دوم : اینکه مقر به شرعاً و عقلاً محال نباشد و ظاهر الحال آنرا تکذیب نه نماید.^(۲)

مثال محال شرعی : که به وارث خود بیشتر از حد شرعی اقرار نماید و این اقرار باطل میباشد.^۳

مثال محال عقلی : شخص اقرار نماید که فلان شخص با وی در فلان روز این مبلغ را بقرض داده بود در حالیکه آن شخص قبل از وارث وی وفات نموده بود سپس این اقرار به از نگاه عقلی و نه از نگاه حس قبول باشد.^۴

مثال تکذیب ظاهر حال : چنانکه شخص به قطع دست خود اقرار در حالیکه دست اش جور و سالم است.

شرط سوم : اینکه مقر به ملکه مقر نباشد^(۵) و آن به این جهت که اقرار از که ملکیت نمی باشد، بلکه آن اختیار است از اینکه مقر به ملکیت مقر له است پس ضرور است که منجر عنه از جز مقدم باشد، مثلاً اگر بگوید که (منزل من یا لباس من از فلانی باشد) و اراده اقرار نداشته باشد، و آن حمل به وعده هبه میباشد.

شرط چهارم : اینکه عین مقر بها در دست مقر حالاً باشد.

و آن بخاطریکه در وقت انتفاء ید مقر از مقر به یا مدعی میباشد و یا شاهد اما اگر اقرار نماید و در دستش نباشد، و بعد از آن در دستش قرار گرفت بمقتضای اقرارش عمل نموده و تسلیم بودن آن لازم میباشد.

^۱ - الحصفی : در المختار (۵/۵۹۸)، الشریبئی : مغنی المحتاج (۲/۲۴۸)، ابن قدامه المغنی (۶/۱۰۹)

^۲ - همان اثر.

^۳ - همان اثر.

^۴ - همان اثر.

^۵ - ابن عابدین رد المحتار (۵/۵۹۳)

مبحث چهارم : شروط اقرار در قانون افغانستان

قانون مدنی افغانستان در فصل سوم باب پنجم اثبات حق در یازده ماده راجع به اقرار بحث نموده، که اقرار را تعریف و شروط مقرر و مقر له و اندازه صلاحیت اقرار و رجوع از اقرار را بحث نموده، که ما آنرا ذیلاً ذکر خواهیم نمود :

۱- راجع به شروط مقرر در ماده (۱۰۰۳) چنین تصریح نموده است.

۱- برای صحت اقرار شرط است که مقرر عاقل، بالغ و غیر مجبور علیه باشد.

۲- اقرار ممیز مأذون، در اموری که برایش اجازه داده باشد، صحت دارد.

در ماده (۱۰۰۵) تصریح نموده (برای صحت اقرار مقرر شرط است که ظاهر حال مکذب آن نباشد) در مورد قصد اختیار اقرار کننده در قانون مدنی چیزی وجود ندارد. البته در قانون مدنی بحث اکراه در کتاب حق جز دوم عیوب رضا در عقد که اول آن اکراه می باشد ذکر نموده و اکراه را تعریف و به دو نوع که اکراه تام و ناقص می باشد تقسیم نموده است.

در ماده (۵۵۸) ذکر نموده که (هرگاه وقوع یکی از انواع اکراه در ابرام عقد ثابت گردد صحیح نمی باشد.)

از این به صراحت معلوم میشود که اکراه در تصرفات مکره تاثیر به سزای دارد. البته در قانون اساسی افغانستان به صراحت در ماده (۳۰) ذکر است که (اظهار ، اقرار شهادت که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه بدست آورده شود اعتبار ندارد.)

اما راجع به مقرر و مقر له در قوانین افغانستان چیزی وجود ندارد.

و راجع به مقرر به (به آنچه که اقرار می شود) در ماده (۱۰۰۴) تصریح نموده که (اقرار به مجهول صحیح، مگر در عقودیکه جهالت مانع صحت آن باشد)

مقایسه شروط اقرار از نگاه فقه با قانون :

شروط را که در قانون راجع به مقرر ذکر گردیده که مقرر عاقل، بالغ و غیر مجبور علیه باشد و این شرطی است که آنرا فقهای هم به تفصیل ذکر نموده، که فقه و قانون باهم موافق میباشند، و همچنان اقرار صبی مأذون در اموری که برایش اجازه داده شده هم از نظر فقهای بجز از امام شافعی معتبر می باشد. و هم از نظر قانون لهذا هر دو باهم موافق میباشند و همچنان فقهای شرط نمودند که در مقرر شرط

است که ظاهر الحال مکذب آن نباشد، و نفس این شرط را قانون مدنی در ماده (۱۰۰۵) صراحتاً ذکر نموده است لهذا هر دوی آن باهم موافقت تام دارند.

البته راجع به اینکه مقر اقرار خود مختار باشد آنرا فقهای به اتفاق شرط نموده و هر نوع اقراریکه از طریق جبر و اکراه صادر شده باشد آنرا قابل اعتبار نمی دانند اما در قانون مدنی افغانستان در ماده (۱۳۰) به آن تصریح شده که اقراریکه بوسیله اکراه بدست آورده شده باشد قابل اعتبار نمی باشد. طوریکه قبلاً یاد آور شدیم راجع به سه رکن دیگری از ارکان اقرار در قانون ذکر وجود ندارد الا اینکه راجع به مقر به در ماده (۱۰۰۴) تصریح است که اقرار به مجهول صحیح مگر عقودیکه جهالت مانع صحت آن باشد. از این جهت معلوم گردید که بحث و تحلیل راجع به شروط و ارکان اقرار در فقه نسبت به قانون وسیع و شاملتر میباشد.

فصل دوم ترتیب و انواع اقرار خط ها و آثار آن

مبحث اول : ترتیب اقرار خط ها و اقرار خط حصر وراثت

مطلب اول : ترتیب اقرار خط ها

اقرار خط که عبارت از یک سند معتبر شرعی و قانونی بوده که برای درخواست کننده آن بعد از تشریفات خاص اداری و قضائی ترتیب و تسجیل میگردد. این اسناد معتبر که یک نوع از وثایق شرعی است در محاکم شرعی ترتیب که دارای سر پارچه و کنده میباشد و برای درخواست کننده آن مطابق قانون تسلیم میگردد.

هر بحث علمی و عملی قبل از وارد شدن به اصل موضوع و جزئیات آن نیاز به توضیح اصول عمومی و کلی مربوط به آن دارد موضوع ثبت اسناد و وثایق اقرار خط ها در محاکم نیز ازین اصل مستثنی نبوده قبل از ورود به اصل موضوع بطور فشرده یک سلسله موضوعات عمومی که رعایت آن برای صحت تمام انواع وثایق از جمله اقرار خط ها که موضوع بحث ما بوده شرط لازم است، میپردازیم بعداً به توضیح و تشریح در خصوص هر نوع وثیقه اقرار خط خواهیم پرداخت.

۱- مبنی ثبت وثایق

مبنی ثبت وثایق قوانین نافذه کشور و مصوبات شوری عالی ستره محکمه است محاکم اجراء کننده وثایق مکلفیت دارد تا احکام قوانین نافذه کشور و مصوبات شوری عالی ستره محکمه را رعایت کنند در غیر آن طبق ماده (۲۷۸)^(۱) قانون اصول محاکمات مدنی اسناد رسمی که در ترتیب آن احکام قانون رعایت نگردد حیثیت سند عرفی را دارد. طوری دیده میشود اکثریت وثایقی که در محاکم اجراء میگردد درین باب تخطی داشته و احکام قوانین بطور دقیق رعایت نشده است.

۲- صلاحیت محکمه یا اداره ثبت اسناد و وثایق

همان طوریکه محاکم در رسیدگی و حل فصل قضایای از نظر ماهوی و حوزی دارای صلاحیت های مشخص بوده در صورت تجاوز از حوزه صلاحیت خود اجراءات و تصامیم محاکم مواجه به بطلان میشود به همین قسم در خصوص اجرای وثایق نیز محاکم و ادارات ثبت اسناد و وثایق دارای صلاحیت های ماهوی و حوزوی بوده که رعایت هر کدام آن در ترتیب وثایق لازمی است.

الف : صلاحیت ماهوی

هر محکمه و آمریت ثبت اسناد و وثایق از نظر ماهوی صلاحیت ترتیب وثایق مربوطه را دارا میباشد.

^۱- قانون اصول محاکمات مدنی، ۳۱/اسد/۱۳۶۹ ش. (۷۲۲) جریده رسمی، ماده (۲۷۸).

ب : صلاحیت حوزوی

به منظور فراهم سازی تسهیلات در عرضه خدمت به شهروندان و جلوگیری از تراکم کاری در محاکم طبق قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه هر محکمه یا آمریت ثبت اسناد و وثایق در حوزه خاص خود تحت عنوان ناحیه شهری، مرکز شهری یا ولسوالی حایز صلاحیت ترتیب و وثایق در حوزه جغرافیای خود بوده و در حوزه جغرافیای محکمه دیگری فاقد صلاحیت است.

۳- تثبیت اهلیت شاملین وثیقه

شاملین وثایق اشخاصی هستند که در وثایق اقرار و التزام مینمایند یا اقرار را قبول میکنند، یا شهادت میدهند و یا به نیابت از سوی اشخاص اقرار کننده یا اشخاص مقرر لهم همچون ولی، وصی، قیم و یا ممثلین شخصیت های حکمی، درج وثیقه میگردند در تثبیت اهلیت شاملین وثیقه موارد ذیل لازم الرعایت میباشد.

الف : تکمیل سن رشد

یکی از مواردی که برای تثبیت اهلیت شاملیت وثیقه اساسی و عمومی است، موضوع تکمیل سن رشد ایشان است بر مبنی ماده (۳۹)^(۱) قانون مدنی سن رشد برای انجام معاملات بطور قاعده تکمیل سن، هجده ساله است لذا عموماً اشخاصیکه من حیث مقرر، یا مقرر له یا شاهد در وثیقه درج میگردند باید سن (۱۸) ساله گی را تکمیل کرده باشند.

قابل ذکر است که تثبیت سن طبق تذکره تابعیت شخص صورت میگرد در صورتیکه سن مندرج تذکره با ظاهر الحال شخص مطابقت نداشته باشد، یا شخص اصلاً تذکره نداشته و زمینه برای دریافت تذکره فراهم نباشد و یا شخص با سن مندرج تذکره خود قناعت نداشته و هیئت قضایی لازم بدانند، مطابق به ماده (۱۷۹)^۲ قانون اصول محاکمات مدنی شخص مورد نظر را به طب عدلی و در ولایات و ولسوالی که طب عدلی وجود نداشته باشد به داکتر یا مرکز صحتی مربوطه معرفی میگرد در صورتیکه نظریه طبی نیز قناعت هیئت قضایی را فراهم نکند، هیئت قضایی میتواند موضوع را به هیئت طبی که کمتر از سه نفر نباشند معرفی کند و نظریه دکتران درین مرحله لازم الرعایت است.

هرگاه در تذکره ثبت شده باشد که (شانزده ساله) ۱۳۹۶ با ختم سال ۱۳۹۶ و آغاز سال ۱۳۹۷ شانزده سالگی را تکمیل میکند (متحدالمال شماره ۱۷۲ الی ۲۱۶ مورخ ۱۳۶۰ / ۳ / ۷ دارالانشاء شوری عالی ستره محکمه) که در مورد قبلاً در تشخیص و تثبیت سن قانونی بحث صورت گرفته است.

^۱ - قانون مدنی، جریده رسمی شماره (۳۵۳) مورخ ۱۳۵۵/۱۰/۱۵ ه.ش.
^۲ - قانون اصول محاکمات مدنی ماده (۱۷۹)

ب : تثبیت شخصیت

گرچه با استفاده از تذکره تابعیت شخصیت اشخاص تاحدی تثبیت میگردد و از وارد شدن به وثایق بطور نام بدل و چهره بدل جلوگیری صورت میگردد با این حال ممکن است در مواردی فرد شخصیت خود را چهره بدل و نام بدل معرفی کند و وثیقه تزویری به دست بیاورد لذا طبق حکم ماده (۲۹۴)^۱ قانون اصول محاکمات مدنی درج شهادت دو نفر شاهدان معرفت که اهلیت شهادت را داشته باشند در تمام وثایق حتمی است صرف اشخاصیکه نزد محاکم معروف هستند ازین حکم مستثنی است.

ج : درج مشخصات تذکره در وثیقه

بر اساس ماده (۱۱)^(۲) تعلیمات نامه تحریر وثایق درج نمبر تذکره حتمی است. منظور از مشخصات تذکره این است که شهرت مکمل شخص حاوی اسم، ولد، ولدیت، قوم، سکونت، عمر مندرج تذکره، تاریخ توزیع تذکره، محل صدور تذکره نمبر ثبت تذکره (نمبرخصوصی تذکره)، نمبر صفحه تذکره، نمبر جلد تذکره، در وثیقه ثبت میگردد و به استثنای پاسپورت خارجی یا افغانی مهاجر مقیم خارج، کارت هویت و سایر کارت های شخص حامل آن باشد درج وثیقه نمی گردد.

د : نصب عکس اشخاص در وثیقه

طبق حکم ماده (۱۲) تعلیمات نامه تحریر وثایق نصب عکس مقر، مقرله و شهود معرفت در اصل و کنده جمیع وثایق ضروری است. البته عکس باید جدید باشد تا بین شخص و عکس او که نصب میگردد تفاوت وجود نداشته باشد در صورت تفاوت بین عکس و شخص طبق ماده (۴) تعلیمات نامه موجب مشبوهیت وثیقه میگردد. عکس های شاملین وثیقه از سوی هیئت قضایی با خود اشخاص تطبیق داده شده و مهر و امضا شوند تا از تبدیلی آنها جلوگیری صورت گیرد در صورت غیر ممکن بودن گرفتن عکس نسبت نبود عکاس، باید مشخصات چهره شخص درج وثیقه گردد.

ه : اخذ نشان انگشت شاملین وثیقه

مطابق حکم ماده (۱۶) تعلیمات نامه گرفتن نشان شست شاملین وثایق اعم از مقر، مقرله و شهود معرفت امر لازمی است باید شست ایشان در حضور قاضی یا آمر ثبت اسناد و وثایق اخذ گردد طوری که معمول است پولیس و سارنوال شست دست راست متهم را اخذ مینمایند. بدلیل اینکه در ارتکاب جرایم بیشتر کاربرد دارد اما در ترتیب وثایق شست ابهامه چپ اخذ گردد بهتر است چون کمتر تماس کاری داشته

^۱ - قانون اصول محاکمات مدنی ماده (۲۹۴)

^۲ - ۱- ماده (۱۱،۴) تعلیمات نامه تحریر وثایق مصوب سال (۱۳۳۶) توسط فرمان شاهی شماره (۴۴۶) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۴ توشیح گردیده و بوسیله فرمان شماره (۱۳۵) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۴ صدارت عظمی وقت بوزارت عدلیه ابلاغ گردیده است. ۲- ماده (۱۲) تعلیمات نامه تحریر وثایق مرجع قبلی. متحدالمال شماره (۱۲۳)

خطوط آن برجسته تر است اگر شست ها طوری اخذ گردد که بالای قسمت از عکس نیز شست وارد گردد و تذکر داده شود که این شست فلان شخص است بهتر خواهد بود. قابل ذکر است که اخذ شست کافی بوده نیازی به امضای شاملین در وثیقه دیده نمیشود.

۴- ستون های وثیقه

بر علاوه اینکه وثایق در قسمت فوقانی به سمت راست محل ثبت نمبر عمومی و خصوصی وثیقه و در قسمت چپ محل ثبت تاریخ صدور وثیقه را دارا میباشند بطور عموم حاوی ستون های ذیل میباشند.

۱- ستون تعرفه اشخاص.

۲- ستون موضوع.

۳- ستون تشریحات.

هر کدام از این ستون ها بطور جدا گانه با جزئیات ذیلا توضیح داده میشود.

الف : ستون تعرفه اشخاص

همانطوریکه از عنوان ستون متذکره پیدا است منظور این است که درین ستون شهرت اشخاص طوری ثبت گردد که کاملاً با ایشان معرفت حاصل گردد. ستون تعرفه اشخاص معمولاً به سه قسمت ذیل تقسیم شده است.

۱- قسمت فوقانی (ستون تعرفه مقرر) درین قسمت شهرت کامل مقرر از قبیل اسم، ولد، ولدیت، قوم، عمر، محل سکونت اصلی و فعلی، مشخصات تذکره و قید تعداد اشخاصیکه اقرار نموده است، ثبت میگردد.

۲- قسمت وسطانی (ستون تعرفه مقرر له) درین قسمت شهرت کامل مقرر له از قبیل اسم، ولد، ولدیت، عمر، قوم، محل سکونت اصلی و فعلی، مشخصات تذکره و قید تعداد اشخاصیکه به نفع ایشان اقرار صورت گرفته است، ثبت میگردد.

۳- قسمت تحتانی (ستون تعرفه شهود معرفت) درین قسمت شهرت کامل شهود معرفت از قبیل اسم، ولد، ولدیت، عمر، قوم، محل سکونت اصلی و فعلی، مشخصات تذکره و قید تعداد شهود معرفت، ثبت میگردد.

توضیح بیشتر با نمایش نمونه عملی اقرار خط اعتراف به جرم ارایه خواهد شد.

ب : ستون موضوع و تحدید

درین ستون همان طوریکه از نام آن پیدا است خلاصه حضور شخص به محکمه، موضوع اقرار تذکر داده

میشود. مثلاً در ستون موضوع وثیقه اقرار به ارتکاب جرم قتل تحریر میگردد که مقرر مذکور در حالیکه دارای اهلیت شرعی و قانونی خود بوده و میباید بالاثربالاثیر عریضه مطبوع ۱۳۹۸/۲/۱۳ حاضر آمریت حوزه دوم وثایق شهر کابل گردیده راجع به قتل احمد ولد منصور حسب ستون تشریحات اقرار شرعی مینماید.

ج : ستون تشریحات

درین ستون همان طوریکه از نامش مفهوم است جریان اقرار مقرر و شهادت شاهدان بطور مفصل تحریر و ثبت میگردد. مثلاً در اقرار خط اعتراف به جرم قتل تحریر میگردد که بتاریخ هذا مقرر مذکور به آمریت حوزه دوم وثایق شهر کابل حاضر گردیده و بحالت صحت عقل و نفاذ جمیع تصرفات شرعی خود بدون جبر و اکراه چنین اقرار و اعتراف شرعی نمود که در موضوع مذکور : من مقرر بتاریخ ۳ حمل ۱۳۹۸ در گذر () واقع ناحیه () در اثر جار جنجالی که بین من و احمد ولد منصور صورت گرفت و احمد مذکور من را بطور بی رحمانه مورد لت کوب قرار داد چاره دیگری نداشتم در نتیجه موصوف را توسط چاقو دست داشته خود در ناحیه گردنش مورد ضرب قرار دادم که در نتیجه موصوف جان باخت فعلاً از کار خود پیشمان هستم و دو نفر شاهدان ستون تعرفه اشخاص در حالیکه دارای اهلیت کامل شرعی و حقوقی خود ها بوده و میباشند چنین اشهاد شرعی نمودند که با مقرر و مقتول مذکور معرفت کامل داریم مقرر هذا نام بدل به محکمه حاضر نشده و چهر بدل اقرار نکرده است در صورت خلاف مسوول و جوابده هستیم. به منظور تبیین بیشتر اینک نمونه اقرار خط اعتراف به جرم ذیلاً به نمایش داده میشود. بحث مکمل اقرار خط اعتراف به جرم در مبحث سوم طی مطلب اول ترتیب اقرار خط مذکور و مطلب دوم اثر آن اقرار خط مکمل بحث صورت میگیرد.

نمونه اقرار خط اعتراف به جرم

نمره ع	قیمت وثیقه دوصد افغانی اخذ شد	تاریخ / / ۱۳۹۸	موضوع و تحدید آن	تشریحات	تعرفه اشخاص	مقر	
دارنده تذکره ع _____ بعمر (۲۰) ساله (۱۳۷۰) مقر یکنفر است.	مقر مذکور در حالیکه دارای اهلیت شرعی و قانونی خود بوده و میباشد بالاثر عریضه مطبوع () ۱۳۹۵/۴/۱۴ حاضر	بتاریخ هذا (مقر) مذکور بحضور (آمریت حوزه دوم وثایق شهر کابل) بحالت صحت عقل و نفاذ جمیع تصرفات شرعیه خود بدون جبر و اکراه چنین اقرار و اعتراف شرعی نمود که در موضوع مذکور : من مقر بتاریخ ۳/حمل/۱۳۹۸ در گذر ... واقع ناحیه... در اثر چار جنجالی که بین من و احمد ولد منصور صورت گرفت و احمد مذکور من را بطور بی رحمانه مورد لت و کوب قرار داد چاره دیگری نداشتم در نتیجه موصوف را توسط چاقو دست داشته خود در ناحیه گردنش مورد ضرب قرار دادم که در نتیجه موصوف جان باخت فعلاً از کار خود پشیمان هستم و دو نفر شاهدان ستون تعرفه اشخاص در حالیکه دارای اهلیت کامل شرعی و حقوقی خودها بوده و میباشند چنین اشهاد شرعی نمودند که با مقر و مقتول مذکور معرفت کامل داریم مقر هذا نام بدل به محکمه حاضر نشده و چهره بدل اقرار نکرده است در صورت خلاف مسول و جوابده هستیم.	ساکن قوم ساکن	ولد قوم تاجک	ولد محمود اکبر	اسم احمد	دارنده تذکره ع _____ بعمر (۲۰) ساله (۱۳۷۰) مقر یکنفر است.
دارنده تذکره ع _____ بعمر (۲۲) ساله (۱۳۸۵) موصی له یکنفر است.	تشریحات اقرار شرعی مینماید.	را بطور بی رحمانه مورد لت و کوب قرار داد چاره دیگری نداشتم در نتیجه موصوف را توسط چاقو دست داشته خود در ناحیه گردنش مورد ضرب قرار دادم که در نتیجه موصوف جان باخت فعلاً از کار خود پشیمان هستم و دو نفر شاهدان ستون تعرفه اشخاص در حالیکه دارای اهلیت کامل شرعی و حقوقی خودها بوده و میباشند چنین اشهاد شرعی نمودند که با مقر و مقتول مذکور معرفت کامل داریم مقر هذا نام بدل به محکمه حاضر نشده و چهره بدل اقرار نکرده است در صورت خلاف مسول و جوابده هستیم.	ساکن قوم ساکن	ولد قوم سعید	ولد امید	اسم بلال	دارنده تذکره ع _____ بعمر (۲۲) ساله (۱۳۸۵) موصی له یکنفر است.
دارنده تذکره ع _____ بعمر (۱۸) ساله (۱۳۸۵) مقر یک نفر است.							شهود معرفت
دارنده تذکره ع _____ بعمر (۲۲) ساله (۱۳۹۰) مقر یک نفر است. شهود معرفت دو نفر اند.							اسم قاسم
							دارنده تذکره ع _____ بعمر (۱۸) ساله (۱۳۸۵) مقر یک نفر است.
							دارنده تذکره ع _____ بعمر (۲۲) ساله (۱۳۹۰) مقر یک نفر است. شهود معرفت دو نفر اند.

۵ - ثبت و اجرای وثیقه

از زمان آغاز به ثبت وثیقه تا زمان مهر و امضاء شدن وثیقه و تسلیم دهی آن به شخص متقاضی، هیئت قضایی اجراء کننده وثیقه باید نکات ذیل را در نظر داشته باشد.

الف : تطابق مندرجات وثیقه با اسناد بنیادی

اکثراً سند بنیادی برای اجرای وثیقه فقط عریضه متقاضی است مانند اکثریت وثایق از جمله اقرار خط ها که موضوع بحث است لذا لازم است که مندرجات وثیقه با مندرجات عریضه متقاضی از نظر ماهیت، کیفیت و کیفیت با مندرجات عریضه متقاضی تطابق داشته باشد.

ب : تثبیت هویت شاملین وثایق در حین اخذ اقراری و استماع شهادت

کلمه وثیقه که دلالت بر وثوق، اعتماد و اعتبار دارد، و ثوق آن ناشی از آن است که شاملین وثیقه در مهم ترین مکان که محکمه است و در حضور معتبر ترین مسولین جامعه قضات هستند به اقرار و ادای شهادت میپردازند برین اساس لازم است تا هیئت قضایی بطور مستقیم و بالمشافهه اقرار مقرون و شهادت شهود را در محکمه استماع نموده، راجع به صحت و سقم اهلیت و اقرار ایشان اطمینان خود را حاصل نمایند و چهره ایشان را با عکس های نصب شده در وثیقه تطبیق دهند همچنان عمر مندرج تذکره ایشان را با ظاهر الحال آنها تطبیق داده و اعتمادی که بر یک وثیقه لازم است حفظ گردد. همچنان در صورتیکه عریضه مقرر دارای اجزای متعدد باشد باید به منظور تکمیل اطمینان راجع به هر جزء اقراری او جدا گانه پرسش صورت گیرد؛ چون ممکن است عریضه نویس چیزی های را در عریضه افزوده و عارض بر آن موافقه نداشته باشد. بعد از استماع اقرار و شهادت اشخاص شاملین وثیقه ریس محکمه یا قاضی دیگری باید وثیقه را نشانی نمایند که اقراری اخذ شده و تطبیق صورت گرفت ممکن شیوه های متفاوت استفاد صورت گیرد اما آنچه فعلاً معمول است این است که در حاشیه وثیقه تحریر میگردد که (اقراری اخذ شد) در مواردی دیده میشود که از عبارت (ملاحظه شد) استفاده شده است. با انجام تطبیق مراحل بعدی وثیقه مانند ثبت و رسمیت بخشیدن وثیقه و تحویل محصول انجام داده و با تکمیل آن به مهر و امضای وثیقه اقدام میگردد.

ج : ثبت وثیقه

با تکمیل مراحل فوق محرر محکمه یا آمریت ثبت اسناد وثایق که وظیفه ثبت وثایق را بدوش دارد، مکلف است تا تمام آنچه را در اصل وثیقه (سرپارچه) تحریر شده است بدون کم کاست و بدون تغییر در متن و محتوی هر بخش از ستون ها آن را در کنده در همان ستون مربوطه نقل و ثبت نماید. با تکمیل ثبت وثیقه در کنده در حالیکه محرر موضوع اخذ محصول را در پیشانی وثیقه تحریر و امضا نموده است وثیقه را به

هیئت قضایی تقدیم میکند هیئت قضایی اصل و کنده وثیقه را مقایسه و تطبیق داده به امضای آن مبادرت میورزند بعد از مهر و امضای وثیقه توسط هیئت قضای سر پارچه (اصل) از کتاب جدا ساخته شده برای شخصی داده میشود که وثیقه به نفع او ترتیب شده است یا رسماً به اداره ای ارسال میگردد که طی مکتوب از محکمه اجرای وثیقه مطالبه شده است و کنده وثیقه در محکمه و با تکمیل سال کاری در مخزن منحیث ثبت محفوظ نگهداری گردیده و به هیچ صورت قابل انتقال و اخراج از مخزن نیست حتی هیئت کرایمنال تخنیک طبق حکم مصوبه شماره (۱۰۷۷) مورخ ۱۳۹۰/۷/۵ شورای عالی ستره محکمه نمیتوانند بلکه در صورت لزوم باید به مخزن مراجعه نموده و شست امضا مورد نظر را بررسی نموده به مراجع مربوطه اخبار نمایند.^(۱)

د : تکمیل وثیقه در صورت تبدیل شدن قاضی اجراکننده آن

گاهی قاضی یا امر اداره ثبت اسناد و وثایق تبدیل میگردد و قاضی جدید مقرر میگردد درین صورت اگر اجراءات قاضی قبلی مشکل قانونی نداشته باشد، قاضی جدید در خلال یک سال به شنیدن اقرار مقرر، مقرله و شهادت شهود اکتفاء نموده و به ثبت وثیقه مبادرت میورزد و همان محصول و قیمتی که قبلاً اخذ شده است کافی بوده و طبق ماده (۱۹) تعلیمات نامه تحریر وثایق وثیقه متذکره مستلزم طی مراحل است در صورتیکه هیئت قضائی جدید اجراءات گذشته را در پیوند به وثیقه قانونی ندانند، مراحل قانونی وثیقه را مجدداً طی مراحل نموده و شاملین وثیقه را احضار و با اخذ اقرار و شهادت ایشان به مهر و امضای وثیقه مبادرت میورزند.^(۲)

در صورتیکه ساختار وثیقه اصلاً غیر قانونی باشد هیئت قضایی جدید از اجرای آن خود داری نموده و اجراءات نا تمام آن را باطل مینمایند. بطور عمومی برای تکمیل و تسلیم دهی وثیقه حد اکثر تا یکسال فرصت است تا مالک وثیقه مراجعه نموده و وثیقه خود را دریافت نماید در صورتیکه با گذشت یک سال از تاریخ راجستر آن تسلیم گرفته نشود در مورد وثیقه دیگر بعد از تحویل قیمت، ترتیب میگردد باید قضات در زمینه به مراجعین تفهیم نمایند تا در تعقیب اجرای وثایق خود جدی باشند تا از سپری شدن سال و ابطال آن جلوگیری صورت گیرد.

^۱ - مصوبه شماره (۱۰۷۷) مورخ ۱۳۹۰/۷/۵ شورای عالی ستره محکمه
^۲ - ماده (۱۹) تعلیمات نامه تحریر وثایق.

در صورت ابطال وثیقه سر پارچه با کننده ضم شده و با ذکر علت عدم اجرای آن محل سرش شده آن مهر و امضاء می‌گردد و درستون موضوع کننده کیفیت بطلان تحریر بعد از گذاشتن شست و امضای طرفین مهر و امضاء می‌گردد.^(۱)

هـ : دقت هیئت قضایی در تثبیت محل مهر و امضای خود

برای اینکه وثیقه حایز اعتبار شده به همین قسم از تزیید در آن جلوگیری صورت گیرد، باید اول و آخر وثیقه که آغاز و انتهای ستون تشریحات است از سوی هیئت قضایی مهر و امضاء گردد همچنان تمام ستون های وثیقه عکس های اشخاص مندرج در وثیقه بطور خوانا و شفاف مهر شده در پهلوی هر مهر یک امضاء ضروری است. بطوریکه محل هر کدام از هم جدا بوده یکی بالای دیگری وارد نگردد همچنان در وثایق مهر قضایی استفاده شده و از استفاده مهر اداری که به منظور تائیدی مراسلات اداری است خود داری شود.

ساختار عملی وثایق

درین مبحث در صدد آنستیم که راجع به ساختار عملی هر نوع وثیقه اقرار خط بطور جداگانه بحث نموده و نمونه عملی آن را طرح نمایم.

انواع اقرار خط

از آنجائیکه موضوع بحث آثار اقرار خط های رسمی بوده لازم است که انواع اقرار خط ها را متذکر گردم که عبارت از : ۱- اقرار خط حصر وراثت این اقرار خط طوریکه از عنوان آن معلوم است به مفهوم فوت مورث و حصر ورثه تحریر می‌گردد البته در مورد ترتیب هر اقرار خط و اثر آن طی مباحث و مطالب بحث خواهم نمود. ۲- اقرار خط ذوالیدی این اقرار خط سند ملکیت ذوالید شمرده میشود که صرف در پروژه های استملاک دولت اعتبار دارد در غیر این صورت سند ملکیت شده نمیتواند.^(۲) ۳- اقرار خط اعتراف به جرم این اقرار خط طوریکه از عنوان آن معلوم می‌گردد در مورد اقرار مجرم در مرحله اول بوده زیرا بعداً دکنه شده و اقرار نمی نماید برای تأمین عدالت و تطبیق شریعت و قانون صورت می‌گیرد. ۴- اقرار خط عدم دعوی این اقرار خط اغلباً برای قضایای جزائی ترتیب می‌گردد، در واقعه نیکیه صورت گرفته و شخصی مورد ظن پولیس قرار گرفته و برای متضرر واقعه معلوم نیست که آیا فاعل همین شخصیکه مظنون است و یا خیر در اینصورت اقرار خط مذکور ترتیب می‌گردد. ۵- اقرار

^۱ - ماده (۱۸) تعلیمات نامه تحریر وثایق.

^۲ - حسب مصوبه (۴۹۳) مورخ ۱۳۸۵/۶/۲۳ شورای عالی ستره محکمه.

خط عدم تعرض این اقرار خط در صورتی ترتیب می‌گردد که مدعی دفع تعرض به محکمه مربوطه عارض و ادعای دفع تعرض را می‌نماید در اینصورت مدعی علیه در مرحله ابتدائی از طرف محکمه جلب می‌گردد هرگاه مدعی علیه در ابتدا اقرار نمود به اینکه دیگر در مورد مدعی بها تعرض نمی‌نماید این اقرار خط ترتیب و به دعوی خاتمه داده میشود. ۶- اقرار خط انصراف از نامزادی البته نامزدی عبارت از وعده به ازدواج است و طبق قانون مدنی^(۱) هر یک از طرفین میتواند که از آن انصراف نماید در صورتیکه یکی از طرفین از نامزدی انصراف نماید اقرار خط فوق ترتیب می‌گردد. ۷- اقرار خط محرمیت این اقرار خط زمانی ترتیب می‌گردد که شخص با محارم خود میخواهد خارج از کشور سفر نماید چون مطابق شریعت زن نمیتواند بدون شوهر و یا محرم شرعی سفر نماید لهذا اقرار خط مذکور ترتیب و اکثراً اقرار خط فوق در سفر های حج و عمره ترتیب می‌گردد. ۸- اقرار خط فسخ نامزدی طوریکه در فوق متذکر گردیدیم که یکی از طرفین میتواند از نامزدی انصراف نماید همچنان طرفین نیز میتواند از نامزدی انصراف نماید که در مورد این اقرار خط ترتیب و نامزدی طرفین فسخ می‌گردد. ۹- اقرار خط تصدیق اهلیت و شخصیت این اقرار خط زمانی ترتیب می‌گردد که از طرف پولیس، خانونالی و یا مراجع دیگر راجع به اهلیت و شخصیت شخص مطالبه وثیقه اقرار خط مذکور به عمل می‌آید که در اینصورت اقرار خط مذکور ترتیب و سه نفر مقرر و دو نفر شاهد در مورد اقرار و اشهاد می‌نمایند. ۱۰- اقرار خط اشراف به دین مقدس اسلام : این اقرار خط زمانی ترتیب می‌گردد که شخص غیر مسلمان به اسلام مشرف میشود که در مورد اقرار خط مذکور ترتیب که در مورد آثار آن بحث خواهیم نمود. ۱۱- اقرار خط رسید مال مسروقه : این اقرار خط زمانی ترتیب می‌گردد که مال مسروقه بدست آمده و برای مالک آن تسلیم می‌گردد در این صورت برای رفع دعوی وثیقه مذکور ترتیب می‌گردد. ۱۲- اقرار خط رسید مال صغیر از اینکه صغیر ناقص اهلیت است و ولی صحیح التصرف ندارد لهذا محکمه برای وی وصی تعیین می‌نماید که اموال آن را درست نگهداری نماید تا ضایع نشود در صورتیکه صغیر به سن قانونی خود میرسد به محکمه مربوطه عارض و تقاضای مال خود را که از طرف محکمه طی وصایت خط به وصی تسلیم گردیده بود برای وی طی اقرار خط مذکور تسلیم می‌گردد. ۱۳- اقرار خط تصدیق ازدواج : هرگاه زوجین قبلاً عروسی نموده و نکاح خط ترتیب نکرده باشد در اینصورت هنگامیکه میخواهند به سفر حج و عمره و یا به سفر خارج بروند در اینصورت برایشان اقرار خط فوق ترتیب می‌گردد. ۱۴- اقرار خط پلوان شریکان : این اقرار خط توأم با ترتیب وثیقه ضمانت خط ترتیب می‌گردد و این طور ترتیب می‌گردد که هرگاه زمین و یا خانه غیر مسکونی

^۱ - ماده (۶۴) قانون مدنی نامزدی وعده به ازدواج بوده هر یک از طرفین عقد نامزدی میتواند از آن انصراف نمایند.

وسرپناه معتمد که تحت تضمین دولت قرار میگیرد در این صورت دو و یا چند نفر همسایگان و پلوان شریکان اقرار مینماید که جایداد را که تحت تضمین دولت قرار داده ارزش همان مقدار که تضمین داده را دارد و حتی بیشتر از آن را هرگاه شخص مذکور باقیدار گردد بدون حيله انرا خریداری مینمائیم که ترتیب و اثر آن مورد بحث قرار میگیرد. ۱۵- اقرار خط تصحیح اسم: در صورت که اسم شخص در تذکره یک اسم و در بنونخی یا پوهنخی دیگر اسم بوده مطابق ماده (۶۹) قانون ثبت احوال نفوس صرف یکبار تصحیح اسم صورت میگیرد. ۱۶- اقرار خط عاق اولاد این اقرار خط هنگامی ترتیب میگردد که پدر یا مادر به محکمه عارض گردیده و تقاضا مینماید تا موضوع عاق ولد او درج وثیقه شرعی گردد، قبل از ترتیب وثیقه هیات قضائی سعی نموده با طرفین مفاهمه نماید تا پدر یا مادر از مسئله عاق عدول نماید در غیر آن وثیقه ترتیب میگردد هرگاه پدر یا مادر بعد از ترتیب وثیقه عاق اولاد دوباره انصراف نماید در اینصورت وثیقه انصراف از عاق اولاد ترتیب میگردد. ۱۷- اقرار خط عزل وکیل: مؤکل هر وقت میتواند وکیل یا وکیل بالتوکل خود را عزل نماید در اینصورت وثیقه فوق الذکر ترتیب میگردد که در اینصورت مؤکل بحیث مقرر و وکیل بحیث مقرر له و بعد از اشداد دو نفر شاهد اقرار خط فوق ترتیب میگردد. ۱۸- اقرار خط گرفتن معاون: عده از معتمدین یا گدامداران که قبلاً تضمین داده اند نسبت کثرت امور و ازدیاد جمع دهی به تنهایی نمیتواند از عهده امور برآیند اقرار خط مذکور را از محکمه مربوطه مطالبه مینمایند که در مورد گدام دار در سند مذکور بحیث مقرر و معاون بحیث مقرر له و دو نفر شاهد درج میگردد که در مورد ترتیب و اثر این اقرار خط بحث صورت میگیرد. ۱۹- اقرار خط عزل معاون: طوریکه معتمد به تقرر اقدام نمود، در صورت بی اعتمادی یا قلت امور میتواند به عزل معاون خود اقدام نماید در اینصورت اقرار خط فوق را تقاضا و از طرف محکمه مربوطه برایش ترتیب میگردد، در ستون تعرفه معتمد در ستون مقرر معاون که عزل میگردد در ستون مقرر له و دو نفر شاهد در ستون شهود معرفت تسجیل که در مورد ترتیب و اثر این اقرار خط بحث صورت میگیرد. ۲۰- اقرار خط استیناف خواهی یا فرجام خواهی: طوریکه هر شخص حق دارد بر فیصله ابتدائیه واستیناف اعتراض نماید میتواند که بر فیصله ابتدائیه قناعت نماید لهذا به نزدیک ترین محکمه رفته و مطالبه اقرار خط را می نماید که در اینصورت وی بحیث مقرر درج ستون تعرفه و دو نفر شاهد درج ستون شاهد گردیده که ترتیب و اثر این سند را بحث خواهیم نمود. ۲۱- اقرار خط دو برادری: این اقرار خط زمانی ترتیب میشود که دو نفر باهم برادر بوده و برادر سوم ندارند پدر شان در قید حیات نیست و هر دو در زمان واحد به خدمت عسکری جلب گردیده اند و فامیل شان به نسبت عدم سرپرستی مشکل بار می آید در اینصورت اقرار خط فوق ترتیب که بعد از ترخیص یکی آنها دیگر شان به عسکری سوق

شود که سه نفر بحیث مقر و دو نفر بحیث شاهدان تثبیت هویت میشوند که در مورد ترتیب و آثار آن بحث خواهیم نمود. ۲۲- اقرار خط مدرس بودن: این اقرار خط که بنام مجلای مدرس نیز یاد میشود زمانی ترتیب می‌گردد که موضوع از اداره مکلفیت عسکری به محکمه راجع و سه نفر مقر و دو نفر شاهد در این اقرار خط درج گردیده و بعداً از طرف هیات قضائی محکمه استیناف از مقر له یا مدرس مذکور امتحان اخذ و از خدمت عسکری معاف می‌گردد که در مورد ترتیب و اثر آن بعداً بحث صورت می‌گیرد. ۲۳- اقرار خط مجرد: این اقرار خط به اثر تقاضای شخصیکه در خارج ازدواج مینمایند بعد از تقاضای خود شخص یا اعوان و اقران وی ترتیب می‌گردد که در مورد نحوه ترتیب و اثر آن بحث خواهیم نمود. ۲۴- اقرار خط ترک پیشه: این اقرار خط زمانی ترتیب می‌گردد که پیشه ور مذکور مثلاً نانوا، فلزکار و... محل فعالیت خود را ترک و یا در محل دیگر فعالیت مینماید چون بالای وی از شغل سابقه مالیات سالانه وضع گردیده وی به اداره مالیات معذرت ترک پیشه قبلی خود را ارائه می نماید اداره مالیات در مورد از وی مطالبه اقرار خط مذکور را مینماید که برای وی اقرار خط مذکور ترتیب که پیشه ور مذکور بحیث مقر و دو نفر شاهد درج اقرار خط گردیده که در مورد ترتیب و اثر آن بعداً خواهیم پرداخت. ۲۵- اقرار خط لاجیادی: از آنجائیکه اشخاص صاحب دارائی لیلیه شده نمیتواند در مورد مکتوبی از طرف اداره تحصیلات عالی به محکمه مربوطه ارسال و محکمه مذکور از مستوفیت راجع به دارای، از ترافیک راجع به داشتن عراده و از اداره املاک راجع به داشتن ملکیت و نیز از اهالی و بانکها راجع به دارائی وی پدر و پدرکلانش معلومات بعد از تکمیل تحقیق سه نفر بحیث مقر و دو نفر بحیث شاهد درج اقرار خط مذکور گردیده که در مورد نحوه ترتیب و اثر آن بحث خواهیم نمود.

اقرار خط ها که همانا اسناد معتبر شرعی است در برگیرنده اثبات حق و دلیل الزام بوده که در ترتیب این اقرار خط ها همه مشمولین اعم از مقرین، شهود، درخواست کننده منسوبین اداری و کارمندان قضائی در مورد هر یک به سهم خویش دارای مسؤلیت میباشند. از اینکه وثایق یک مرحله ئی بوده در ترتیب آن منسوبین دقت بیشتر مینماید و مطابق قانون به هر مرجع مربوط اعم از رسمی و غیر رسمی معلومات مربوطه را مطالبه نموده و جوابیه های آنرا ضم کنده جات مینمایند تا این اسناد بنیادی مطابق قانون ترتیب گردد.

بنابه ارزش این اسناد خلاف ورزی که از طرف مقر، شاهد و درخواست کننده هر طرف صورت گرفته باشد مطابق قانون مورد پیگرد قانونی میگیرند لهذا منسوبین اداری و قضائی محکمه در ترتیب اسناد نهایت دقت مسلکی و علمی را به کار میبرند چون وثایق یک مرحله ئی بوده و یک قول مشهور بین

قضات مطرح است که همانا ((وثیقه مرگ قاضی است)) لهذا در صورتیکه تخطی از طرف منسوبین اداری و قضائی صورت گرفته باشد تفتیش قضائی آنرا پیگیری و بررسی مینماید در صورتیکه کدام تخطی در مورد ملاحظه نماید در این صورت پرسش که از منسوب محکمه می نماید و جوابیکه از وی در مورد دریافت می نماید گزارش کتبی را در مورد به شورای عالی ستره محکمه تقدیم که شورای عالی ستره محکمه بنابه تخطی در مورد منسوب مجازات از قبیل توصیه، اخطار، کسر معاش، تعلیق وظیفه و حتی طرد از مسلک را منظور می نماید.

اما اینکه اکثراً اتباع افغانستان الحمدالله مسلمان اند و تقاضای ایمان این است که عمل و قول خلاف شریعت از شخص نباید صادر شود. زیرا مطابق حکم خداوند جل جلاله که میفرماید: ((ما یلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید))^(۱) ترجمه: بزبان نمی آرد هیچ سخنی مگر نزدیک او نگهبانیست مهیا (یعنی اگر کلمه حق باشد فرشته دست راست مینویسد و اگر کلمه باطل باشد فرشته دست چپ می نویسد. اگر خلاف واقعیت اظهار نمود در این صورت اولاً مورد تعقیب عدلی قرار میگیرد و اگر مورد تعقیب عدلی قرار نگرفته به نزد خداوند مسؤل میباشد و عدالت خداوندی حتماً تطبیق میشود و از آن گریز گاهی نیست لذا هر شخصی در هر صورت خصوصاً در محاکم شرعی باید گفتار مطابق شریعت نماید تا مطابق آن اقرار خط ترتیب گردد.

مطلب دوم: ترتیب اقرار خط حصر وراثت

این اقرار خط که حایز اثبات وفات مورث و انحصار ورثه میباشد به فرض ترکه متروکه یا اخذ حقوق تقاعد، یا فروش متروکه، یا تقسیم متروکه یا به غرض دعوی متروکه که یکی از ورثه متوفی نیابت دیگر ورثه دعوی را پیش میبرد ترتیب میگردد تا کدام وارث مکتم نشود بخاطر ترتیب وثیقه حصر وراثت یکی یا همه وارثین متوفی عریضه میکند محکمه بعد از دریافت عریضه ولی، استعلام از ناحیه در شهر و از اهالی قریه در ولسوالی سوالات مینماید. که در استعلام عمدتاً تاریخ و علت وفات و مکانی که متوفی در آن فوت نموده و ورثه شرعی مستحق الارث و نفقه خوار پرسیده میشود به این عنوان که اول: متوفی () ولد () بکدام تاریخ در کجا و به کدام علت وفات نموده است.

دوم: از متوفی مذکور ورثه شرعی مانده یا خیر اگر مانده هر کدام شان با شهرت مکمله با تعیین سن و معرفی نمبر تذکره معرفی بدارید؟

^۱- سوره ق آیه (۱۸)

سوم : شغل متوفی چی بود این سوال وقتی مطرح میگردد که وثیقه حصر وراثت غرض اخذ حقوق تقاعد بوده باشد.

سوال چهارم : از متوفی باز مانده گان و نفقه خوار مانده یا خیر ؟ اگر مانده باشد هر کدام را با سن ونمبر تذکره آن ذکر نمائید ؟ زیرا بسا اوقات یک شخص از جمله ورثه نبوده و یا از حقوق میراث محروم است اما شخص متوفی در زندگی متکفل نفقه وی بوده مثلاً برادر و یا خواهر متعلم یا محصل که در صورت موجودیت پسر از میراث محروم اند اما نفقه خوار شمرده میشود. پدر و مادر متوفی در قید حیات اند یا خیر در صورت حیات شهرت شان ذکر گردد. متوفی در داخل و خارج دیگر ورثه دارد یا خیر. از جمله بازمانده گان شخصی که مستحق وصیت واجبه باشد وجود دارد و یا خیر ؟ طوریکه قبلاً متذکر گردیدیم بعد از اینکه تحقیق از طرف هیات قضائی بمنظور اینکه در بین وارثین شخصیکه سن آن کمتر از (۱۹) سال نباشد و یا کدام وارث مکتم نشده باشد به ترتیب این اقرار خط مبادرت صورت میگیرد . در ستون مقرر شهرت سه نفر اقرار کننده گان که بر علاوه سایر شروط و ارکان که در فصل اول ذکر گردیده باید که از جمله ورثه نباشد با ذکر نمبر خصوصی جلد و صفحه تذکره تحریر میشود. در ستون مقرر له شهرت مقرر له با ذکر (نمبر خصوصی جلد و صفحه تذکره) اقرار خط حصر وراثت تحریر میگردد.^(۱)

در ستون شهود شهرت دو نفر شاهدان با ذکر نمبر خصوصی تذکره ذکر میشود و نصب فوتو و اخذ نشان انگشت شاملین وثیقه امر حتمی است. در ستون موضوع تحدید میگردد مقرون مذکورون وثیقه هذا راجع به فوت و حصر وراثت متوفی مذکور قرار ستون تشریحات اقرار مینماید. در ستون تشریحات اقرار مقرون و شهادت شاهدان تحریر میگردد بدین شرح ما مقرون متوفی () ولد () مذکور را معرفت کامل داریم وی بتاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۲ بالاثر مریضی عایده وفات نموده ورثه شرعیه منحصره و مستحق الارث از متوفی باقی مانده فلانه بنت فلان زوجه منکوحه فلان ولد فلان پدر، فلانه فلانه و فلانه بنات دختران صلیبات کبیرات لاغیر از متوفی دیگر ورثه در داخل و خارج باقی نمانده وبوجود آن علم نداریم در این بازماندگان مستحق وصیت واجبه وجود ندارد در اقرار خود صادقین بوده در صورت خلاف مسؤل و جوابده میباشیم و نیز دو نفر شاهدان مذکوران اشهاد شرعی نمودند که مقرون مذکورون را معرفت کامل داریم نام بدل به محکمه حاضر نشده و خلاف اقرار نکرده اند در صورت خلاف مسؤل و جوابده میباشیم. و حین رعایت وثیقه اقرار خط حصر وراثت که در نماینده گی

^۱- روفی، عین الله، رهنمای وثایق، ناشر داره علمی التقوی صفحه (۳)

های سیاسی افغانستان ترتیب شده سرتفیکیت (تصدیق نامه) متوفی نیز باید وجود داشته باشد و در داخل به آن ضرورت نیست. این وثیقه اقرار خط حصر وراثت محصولی نبوده و صرف قیمت آن طبق لایحه اخذ میگردد.

مطلب سوم : اثر اقرار خط حصر وراثت

طوریکه قبلاً متذکر گردیدیم بعد از اینکه تحقیق از طرف هیات قضائی بمنظور اینکه در بین وارثین شخصیکه سن آن کمتر از (۱۹) سال نباشد و یا کدام وارث مکتوم نشده باشد به ترتیب این اقرار خط مبادرت صورت میگیرد.^(۱)

در صورتیکه در بین ورثه شخصی باشد که کمتر از (۱۸) سال عمر داشته باشد برای وی وصی تعیین میگردد بالاثر ضرورت به ترتیب اقرار خط حصر وراثت نمی باشد و قابل تذکر است که در اقرار خط حصر وراثت تذکر داده شود که مستحق وصیت واجبه وجود ندارد هرگاه مستحق وصیت واجبه وجود داشته باشد متذکر میشود که فلان ابن فلان مستحق وصیت واجبه میباشد که مستحق وصیت واجبه از ماده (۲۱۸۲ الی ۲۱۸۹) در قانون مدنی افغانستان کنجانبیده شده که در ماده (۲۱۸۲) آن چنین تصریح گردیده هرگاه متوفی برای فرع ولد خود که در زندگی او فوت شده یا با متوفی یکجا حقیقتاً یا حکماً وفات نموده باشد به مثل آنچه ولد مذکور در ترکه به اندازه استحقاق ارث مذکور در حدود ثلث ترکه وصیت واجب میگردد مشروط بر اینکه فرع غیر وارث بوده متوفی در حیات خود بلا عوض به او مالی را از طریق تصرف دیگری به اندازه حصه و به نداده باشد در صورتیکه مال را به او اعطا کرده باشد، مگر از اندازه واجبه کمتر باشد باندازه که حصه مذکور را تکمیل نماید بطریق وصیت واجبه مستحق میگردد.^(۲)

الف : طور مثال احمد در حیات خود یکنفر زوجه بنام بی بی گل و ابن مسعود – ابن محمود و یکنفر بنت بنام شهلا داشته – و دارائی او موازی چهل جریب زمین باغی باشد – هرگاه محمود ابن احمد در زندگی او فوت شده یا محمود با احمد پدر یکجا حقیقتاً یکجا در یک حادثه ترافیکی وفات نموده باشند و یا اینکه محمود متوفی مذکور یکنفر فرع مذكر محمد و یکنفر فرع اناث زلیخا مانده باشد ولی احمد مذکور به مثل آنچه محمود ولد مذکور اگر در وقت مذکور مفقود و در حین حیات احمد پدر حکماً از طرف محکمه وفات او بعمل آمده باشد و از محمود مرگ او زنده میبود – در متروکه او مستحق میراث

^۱ - روفی، قضاوتپوه عتیق الله، ثبت و اسناد وثایق، محل چاپ مطبعه نعمانی جاده میوند کابل صفحه (۱۲۲)
^۲ - قانون مدنی افغانستان، جلد (۴) جریده رسمی ۱۳۵۵/۱۰/۱۵ هـ ش شماره مسلسل (۳۵۳) مطبعه دولتی

میگردید برای محمد زلیخا نواسه خود وصیت هم نکرده باشد - برای فروع مذکوران در ترکه باندازه استحقاق ارث محمود مذکور در حدود ثلث ترکه وصیت واجب میگردد.

ب : مشروط بر اینکه فرع مذکوران غیر وارث بوده و متوفی در حیات خود بلا عوض به آنها مالی را از طریق تصرف دیگری به اندازه حصه واجبه نداده باشد.

ج : مثلاً - احمد مذکور وفات نماید از وی دو پسر مسعود و عمر و دو نواسه اولاد محمود متوفی به جا مانده باشند. زوجه بی بی گل و ابن مسعود و بنت زلیخا و فرعان محمود متوفی هر یک محمد پسر دختر زلیخا باشند در اینجا محمد و زلیخا نواسه های احمد متوفی نسبت وجود مسعود کاکا که اقرب است محجوب و محروم غیر وارث میباشند. بناءً در حدود ثلث ترکه وصیت واجبه بالای احمد متوفی در حین حیات خود بلا عوض مالی را برای فرعان مذکوران از طریق تصرف دیگری یعنی هبه به عوض (تملیک) به اندازه حصه واجبه به اندازه حصه محمود پسر متوفی برای نواسه ها لازم میگردد نداده باشد درین صورت نیز وصیت واجبه بالای احمد متوفی لازم میشود.

ه : در صورتیکه مالی را به آنها اعطا کرده باشد مگر از اندازه که فرعان مذکوران واجب است کمتر باشد به اندازه که حصه مذکوران تکمیل نماید به طریق وصیت واجبه مستحق میگردند.

و : هرگاه فرع مذکوران وارث احمد متوفی باشند در اینصورت وصیت واجبه قابل تطبیق نمی باشد. مثلاً - احمد وفات نماید از وی یکنفر زوجه بی بی گل و یک نفر بنت شهلا نام و محمد ابن ابن و زلیخا بنت ابن مانده باشد و متروکه موازی (۸۰) جریب زمین مزروعی باشد در این حال مسله میراث از (۸) سهم میشود یک حصه برای زوجه و متروکه موازی (۸) جریب زمین مزروعی باشد در این حال مسله میراث از (۸) سهم میشود یک حصه برای زوجه و چهار حصه برای بنت و سه حصه برای محمد ابن ابن و شهلا بنت ابن میرسد که آنها از قرار ($\text{يُوصِيكُمُ اللّٰهُ فِيْ اَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْاُنثٰى}$)^(۱) یعنی دو حصه محمد ذکور و یک حصه را زلیخا اناث بطریق میراث مستحق میشوند احمد مسله (۸) زوجه بی بی گل ۱- جریب بنت شهلا ۴ - جریب ابن ابن محمد ۲- جریب بنت ابن زلیخا ۱- یک جریب.^(۲)

^۱- سوره النساء آیه (۱۱)

^۲- راجی، یادگار سمنگانی سابق عضو ستره محکمه و قاضی دیوان تجارته بعداً متقاعد حال استاد در کورس ستاز قضایی و عدلی ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان، (تشریح و توضیح قانون مدنی افغانستان) (۱۳۱/۴)

د : هرگاه احمد مذکور بعد از وفات محمود ابن مذکور وفات نماید و از وی یکنفر زوجه بی بی گل و یک نفر ابن مسعود و یکنفر بنت شهلا مانده و محمد ابن - ابن و زلیخا بنت ابن نیز باشند اما محمد و زلیخا فرعان محمود مذکور نسبت وجود مسعود کاکا که اقرب است از متروکه احمد متوفی چیزی میراث برده نمیتواند محجوب و محروم از میراث هستند در اینصورت وصیت واجبه در متروکه قابل تطبیق است مثلاً متروکه موازی (۴۰) جریب زمین باشد اگر محمود در حین وفات احمد زنده می بود مسله میراث چنین طرح میگردد مسله $۵*۸ = ۴۰$ - متروکه (۴۰) جریب بنت شهلا هفت جریب - محمد ابن ابن زلیخا بنت ابن محروم اند بدین ترتیب هرگاه محمود زنده میبود از متروکه احمد متوفی پدر خود (۱۴) جریب زمین را مستحق ارث میگردد در حالیکه بالای احمد متوفی برای فرع محمود ولد خود در زندگی او فوت شده به مثل (۱۴) جریب زمین محمود مذکور اگر در وقت مرگ او زنده میبود در متروکه او مستحق میراث میگردد وصیت نکرده باشد برای فرعان مذکوران در ترکه باندازه استحقاق (۱۴) جریب زمین ارث مذکور در حدود ثلث ترکه در قانون مدنی افغانستان برای اینکه مصالح اجتماعی تامین گردد و آتش حقد و کینه از دل اشخاصیکه نمی توانند میراث گیرند خاموش شده و زمینه زیست مسالمت آمیز بین ورثه و فامیل مساعد گردیده باشد وصیت برای نواسه های که پدرشان در حال حیات اصل (جد یا جدّه) فوت نموده باشد واجب گردانیده است.

چون ثلث چهل جریب زمین متروکه احمد متوفی موازی (۱۳) جریب (۶) بسوه و (۱۴) بسوه سه زمین مزروعی تثبیت گردیده بحصص ورثه احمد متوفی افزود شد که جمله (۲۶ - ۱۳) بسوه و (۶) بسور سه زمین مزروعی در بین ورثه مستحق الارث قابل تقسیم میباشد.

احمد : $۱ * ۵ = ۲۴$ متروکه بعد از وصیت واجبه (۲۶) جریب - (۱۳) بسوه (۶) بورثه زمین $۳/۱$ زوجه بی بی گل (۱۴) مسعود (۷) بنت شهلا

برای زوجه سه جریب (۶) بسوسه - (۱۳) بسوه برای ابن (۱۵) جریب (۱۱) بسوه (۲) بسواسه برای بنت شهلا (۷) جریب (۱۵) بسوه (۱۱) بورثه حصه از زمین باقی مانده متروکه میرسد. ناگفته نماند حصص محمد و زلیخا فرعان مذکوران در حدود ثلث ترکه از جمله (۴۰) جریب زمین مذکور موازی (۱۳) جریب (۶) بسوه و (۱۴) بوارثه از اقرار مرد و حصه و زن یک حصه بوصیت واجبه استحقاق تثبیت میگردد که بدین حساب حصه محمد مرد موازی (۸) جریب (۱۷) بسوه (۱۶) بوارثه و حصه زن

موازی (۴) جریب (۸) بوسه و (۱۸) بوارثه استحقاق وصیت واجبه ثابت میشود.^(۱) در ترتیب وثیقه حصر وراثت به منظور حقوق تقاعدی و شهدا کلمه نفقه خوار و بازماندگان تذکر داده میشود زیرا یک شخص نفقه شخص را بدوش دارد اما وی از جمله ورثه وی نبوده و یا اینکه توسط ورثه دیگر حجب گردیده و محروم میراث شده اما متوفی در زندگی خود نفقه او را بدوش داشت مثلاً به موجودیت پسر برادر و خواهر حجب گردیده و از میراث محروم می ماند اما شخصی متوفی در حیات خود نفقه خواهر برادر متعلم یا محصل را بدوش داشت حال در ترتیب اقرار خط حصر وراثت باید گنجانیده شود که فلان بن فلان نفقه خوار تا بتواند از حقوق تقاعدی و شهادت و یا معاش وی استفاده کرده بتواند لهذا ستره محکمه در مورد سهولت برای ورثه شهدا طی تصویب شماره (۱۳۴۲) مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۶ تصریح نموده: ((بمنظور سهولت در پروسه تهیه و ترتیب وثیقه حصر وراثت باز ماندگان نفقه خوار شهادی ارگان های امنیتی و دفاعی کشور تجویز اتخاذ گردید که محاکم وثیقه مذکور را بعد از ارائه معلومات دقیق و تصدیق رسمی نهاد های امنیتی و دفاعی مبنی بر تائید شهادت و حصر بازماندگان نفقه خوار بازماندگان شهدا بصورت عاجل ترتیب دهند.^(۲)

شمولیت ورثه باقی مانده در اقرار خط حصر وراثت ترتیب شده قبلی گاهی برخی از ورثه شخص متوفی حاضر محکمه گردیده تقاضای ترتیب حصر وراثت مورث خویش را می نمایند اقرار خط حصر وراثت ترتیب میگردد بعد از مدتی تعداد دیگری از ورثه همین متوفی حاضر محکمه گردیده و اظهار میدارند که از جمله ورثه مسحق الارث متوفی بوده اما درج وثیقه حصر وراثت نگردیده اند.

آیا وثیقه اقرار خط حصر وراثت مجدد ترتیب گردد؟ در این صورت وثیقه اقرار خط قبلی که به اساس اقرار مقرون و شهود ترتیب یافته و شهود ورثه را قید حصر وراثت نموده چه جایگاهی خواهد داشت یا اینکه ورثه باقی مانده در وثیقه اقرار خط حصر وراثت مرتبه قبلی درج و تصحیح گردد؟ در این صورت آیا ایجاب مقرون و شهود مجدد دیگر را می نماید و یا به اقرار مقرون و شهود قبلی اکتفا شود؟ در مورد سوالات مطروحه تدقیق و مطالعات ستره محکمه چنین ابراز نظر نموده اند: ((۱- در صورتیکه حین ترتیب وثیقه حصر وراثت یکعه از ورثه ذکر نشود و در این حال معلوم گردد که واقعا وارث مستحق الارث در وثیقه اولی ذکر نگردیده بعد از معلومات همه جانبه از اهالی و مراجع مربوطه

^۱- راجی، یادگار سمنگانی سابق عضو ستره محکمه و قاضی تمیز دیوان تجارتي بعداً متقاعد.
حال: استاد در کورس سناژ قضایی و عدلی ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان تشریح و توضیح قانون مدنی افغانستان (۱۳۳/۴) سال (۱۳۹۰) هش
^۲- متحدالمال شماره ۲/۴/۷۳ الی (۲۵۵۲) مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۶ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۳۴۲) مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۶ از کتاب مجموع متحدالمالهای (۱۳۹۴ الی ۱۳۹۷) نشرات ستره محکمه.

وثیقه اقرار خط جدید حصر وراثت ترتیب شود ولی از اجرای وثیقه قبلی حصر وراثت که ناقص بوده در متن وثیقه اقرار خط بعدی نیز یاد آوری گردد. در صورتیکه کتمان ورثه از جانب مجرین و مقرون قصداً و عمداً صورت گرفته باشد، این عمل به ذات خود جرم بوده مطابق احکام کود جزا افغانستان که موضوع فوق را در فصل چهارم از مواد (۱۴۸۱ الی ۱۴۸۴) که چنین مشعر است: هرگاه شاهد بعد از ادای سوگند قانونی در پیشگاه محکمه یا نزد مامورین ضبط قضائی عمداً به اظهار باطل، انکار حق، پوشیدن تمام یا بعضی از وقایعی که در مورد آن شهادت ادا می نماید، بپردازد شهادت وی، دروغ شناخته می شود مستلزم تعقیب عدلی میباشد.^(۱) که در صورت خلاف ورزی کتمان حقیقت اعم از اینکه از جانب شخص متقاضی بوده که با تبانی با مقرون و شاهدان همه در برابر ترتیب این اقرار خط دارای مسولیت مشترک میباشند اگر سهل انگاری و عدم دقت و معلومات لازم طبق قانون از طرف محکمه صورت گرفته باشد در اینصورت طبق قانون کارمندان همان مرجع مربوطه نیز کسب مسولیت نموده قابل تعقیب عدلی شمرده میشود در وثیقه حصر وراثت که از اخبار مقرون ترتیب می یابد هرگاه تاریخ دقیق وفات متوفی مشخص باشد در متن وثیقه درج گردد و هرگاه چنین اقرار نمایند که فلان شخص که فرزند فلان شخص میباشد قبلاً وفات نموده است اقرار شان صحیح پنداشته میشود بلکه شهادت سماعی در این مورد قابل سمع و پذیرش میباشد.^(۲) گرچه وصیت به اقارب به نزد جمهور علماء مستحب است که رأی ائمه چهارگانه هم همین است و برای شخص بدون حق الله و حقوق بنده واجب نیست که وصیت نماید اما رأی بعضی از فقهای مانند ابن حزم الظاهری و ابی بکر بن عبدالعزیز از علماء حنابله بر آنند که برای والدین و اقارب وصیت واجب است دیانتاً و قضاءً برای کسانی که آنها از حق میراث حجب گردیدند که همین رأی در قوانین مصر و سوریه درج گردیده در صورتیکه مورث مالی را وصیت نکرده باشد برای ورثه که سبب حجب شان محروم اند بر ورثه لازم است که مقدار مال آنرا برای مستحقین وصیت واجبه بدهند^(۳) که در قانون افغانستان نیز طی مواد قبل الذکر درج گردیده لهذا در صورت ترتیب اقرار خط حصر وراثت مقربین باید متذکر شوند که مستحق وصیت واجبه وجود دارد و یا خیر در صورت کتمان مستحق وصیت واجبه کتمان ورثه صورت گرفته و مطابق قانون مورد مجازات قرار میگیرند.

^۱ - کود جزا افغانستان جریده رسمی تاریخ نشر (۲۵) ثور (۱۳۹۶) هـ ش نمبر مسلسل (۱۲۶۰) مطبوعه دولتی

^۲ - اسناد و مصوبات سیمینار های قضائی مورخ ۱۳۹۵/۲۵/۲۲ هـ ش ریاست نشرات ستره محکمه محل چاپ انتشارات سعید مصوبه (۱۱۲۷) مورخ ۱۳۹۴/۹/۱۷ شورای عالی ستره محکمه

^۳ - الزهلی و هبه الفقه الاسلامی وادلته (۵۷۴/۱۰) محل طبع مکتبه علوم الاسلامیه چمن بلوچستان

مبحث دوم : ترتیب و آثار اقرار خط ذوالیدی

مطلب اول : ترتیب اقرار خط ذوالیدی

این اقرار خط رسمی که بنام وثیقه ذوالیدی نیز مسمی است منعکس کننده تصرفات ذوالید است این در صورتیست که عقار مذکور اسناد مدار حکم مانند قباله بیع قطعی، تملیک خط ترکه خط وصیت خط، ابراه خط ... اسناد شرعی میباشد وجود نداشته باشد در صورتیکه اسناد مذکور وجود داشته باشد در این حالت ضرورت به وثیقه اقرار خط ذوالیدی نبوده استملاک آن مانعی ندارد و دیگر زمین زراعتی با سند مالیه دهی با سند عرفی در اختیار مالک قرار داده در این حال تصفیه صورت گرفته بعد به استملاک آن اقدام میشود و پروسه استملاک با اجرای قباله بیع قطعی از اقرار مالک به نفع دولت طی میگردد.

عریضه ترتیب اقرار خط ذوالیدی به این عنوان ترتیب و تقدیم محکمه حاکمه میگردد : یک در بند حویلی بمساحت () متر مربع دارای بیوت متعدد واقع () داخل شماره () صفحه () دفتر صفایی محدود است بدین حدود () در ملکیت تصرف و ذوالیدی من میباشد غرض استملاک به ساختار وثیقه ذوالیدی مؤظف شده ام امید وارم در مورد وثیقه ذوالیدی ترتیب شود محکمه بعد از دریافت عریضه از مدیریت املاک ولسوالی مربوطه و از ناحیه مربوط طی استعلام سوالهای ذیل را مطرح میکند: (۱)

- ۱- محدوده مندرج عریضه در کجا موقعیت دارد؟
- ۲- مساحت، حدود و صورت ساختمان را توضیح دارید؟
- ۳- محدوده مذکوره در تصرف و ذوالیدی کیست و به چی مدت در تصرف وی است شریک، و حقدار دیگر دارد یا خیر؟
- ۴- جایداد مذکور در ملکیت دولت یا سایر اشخاص میباشد یا خیر؟
- ۵- جایداد مذکور سند بنیادی مثل قباله شرعی - تملیک خط - ابراء خط - اصلاح خط فرمان دولت دارد یا خیر؟
- ۶- در ساختار وثیقه ذوالیدی موانع وجود دارد و یا خیر؟
- ۷- در صورتیکه ترتیب وثیقه ذوالیدی حویلی سابقه باشد سوال شود که حویلی از جمله نمرات شاروالی است یا خیر؟

^۱- روفی عین الله، رهنمای وثایق صفحه (۵)

بعد از تکمیل معلومات فوق به تعداد ده نفر از اهالی که مسن باشند به محکمه یا اداره ثبت اسناد وثایق حاضر شده تعداد هشت نفر آن در ستون تعرفه مقر و دو نفر آنها در ستون تعرفه شهود معرفت داخل و تثبیت هویت میشوند. در ستون موضوع مشخصات عقار از قبیل نوعیت، موقعیت، مساحت، حدود، اسمای اصحاب حدود اسمای آبا و اجداد شان شامل و در ذیل آن تحریر میگردد که مقرون راجع به ذوالییدی محترم () در مورد () ملکیت فوق بالاثر مکتوب () اداره استملاک () قرار ستون تشریحات اقرار می نمایند و در اخیر ستون موضوع افزود گردد این وثیقه صرف بمنظور استملاک اعتبار دارد.^(۱)

در ستون تشریحات : ما مقرون مذکورون در مورد محدوده مندرج ستون موضوع معلومات کامل داریم محدوده مذکور از مدت () سال در تصرف مالکانه محترم () ولد () ساکن () میباشد ما تصرفات مالکانه وی را از مدت () به این طرف به چشم سر دیده ایم محدوده مذکوره ملکیت دولت نبوده سند شرعی و اسناد بنیادی ندارد همچنان ملکیت مذکور شریک و حقدار دیگری ندارد در اقرار خود ما صادقین میباشیم دو نفر شاهدان معرفت هویت مقرون و جریان را تائید می نمایند بعد هم قابل ذکر است بالاثر وثیقه ذوالییدی در مورد استملاک انتقال ملکیت آن به شخص حقیقی دیگر مجاز نمی باشد اقرار خط مذکور صرف قیمت دارد که اخذ و به خزینه دولت تسلیم میگردد و محصول ندارد این اقرار خط ضمن قباله شرعی علیحده ملکیت را به دولت به فروش می رساند.^(۲)

مطلب دوم : اثر اقرار خط ذوالییدی

اینکه ذوالید بودن شخص در ملکیت ثابت کننده مالکیت وی بوده زیرا هنگامیکه شخص مدت مدیدی در ملکیت تصرفات مالکانه مینماید مالکیت وی را در ملکیت به اثبات میرساند.^(۳)

این اقرار خط که قبلاً ترتیب آنرا ذکر نمودم هم سند ملکیت شمرده میشود در صورتیکه شرایط یک اقرار خط در آن مطابق قانون رعایت گردیده باشد.

و قابل تذکر است که اقرار خط که قبل از مصوبه شماره (۴۹۳) مورخ ۱۳۸۵/۶/۲۳ شورای عالی مقام ستره محکمه که مندرج متحدالمال (۸۲۰ - ۸۷۹) مورخ ۱۳۸۶/۲/۲۵ ترتیب گردیده باشد طبق مواد

^۱ - روفی، عین الله، رهنمای وثایق صفحه (۵)

^۲ - روفی، عتیق الله، ثبت اسناد وثایق صفحه (۱۷۰)

^۳ - جلد (۴) قانون مدنی افغانستان ماده (۲۲۷۹ و ۲۲۸۰)

(۲۷۹ و ۲۸۰) قانون مدنی افغانستان^(۱) سند ملکیت بوده و دارای اعتبار قانونی و شرعی میباشد البته بعد از مصوبه فوق الذکر این اقرار خط صرف بمنظور استملاک صورت میگیرد که در مورد مصوبه (۴۹۳) مورخ ۱۳۸۵/۶/۲۳ شورای عالی ستره محکمه که ریاست دارالانشاء ستره محکمه پیشنهاد وزارت انکشاف شهری در مورد حفر (۲۱) حقله چاه که یکی از پروژه های مهم و حیاتی شبکه آبرسانی شهر کابل تلقی گردیده و در مسیر دریای لوگر احداث میگردد ولی بنابر مشکل استملاک ساحه که ملکیت اشخاص بوده، بعضی از مالکین حاضر بعضی غایب اند. و طبق قانون اساسی ملکیت اشخاص از تعرض نیز مصئون میباشد به حالت تعلیق در آمده در موارد ذیل خواهان رهنمائی گردیده اند:

۱- اگر مالک ساحه ایکه بخاطر حفر چاه انتخاب شده اسناد ملکیت نداشته باشد چی اقدامی شود.

۲- اگر مالک ساحه مورد نظر به خارج از کشور باشد چی اقدامی شود.

۳- قیمت زمین چگونه تثبیت گردد و برویت کدام سند بدل قیمت به مالک معلوم تادیه شود.

شورای عالی ستره محکمه طی مصوبه شماره (۴) مورخ ۱۳۸۶/۱/۹ نظر تدقیق ریاست تدقیق و مطالعات را در قبال استهدای فوق بنحو آتی تائید نمود :

جواب سوال شماره اول استهداء : ماده (۴۰) قانون اساسی چنین مشعر است استملاک ملکیت شخص تنها به مقصد تأمین منافع عامه در بدل تعویض قبلی و عادلانه به موجب قانونی مجاز میباشد.^(۲)

به ارتباط پرسش ماده اول :

الف : در مواردیکه مالک جایداد شامل تعمیر مسکونی، دوکان و باغچه منضمه آن فاقد سند قانونی باشد و بر جایداد مورد بحث بیش از (۱۵) سال تصرف مالکانه داشته باشد در صورتیکه ادعای ملکیت علیه آن از جانب اشخاص حقیقی و حقوقی موجود نباشد در مورد استملاک جایداد مذکور مطابق مصوبه (۴۹۳) مورخ ۱۳۸۵/۶/۲۳ شورای عالی ستره محکمه که در برابر استهدائیه (۴۵) مورخ ۱۳۸۵/۱/۱۳ ریاست تفتیش داخلی و خارجی شاروالی کابل صورت گرفته و چنین مشعر است : (در وقت استملاک جایداد از طرف دولت وثیقه ذوالیدی اعتبار دارد در غیر آن وثیقه ذوالیدی مجاز نمی

^۱- جلد (۴) قانون مدنی افغانستان

^۲- مصوبه (۴۹۳) مورخ ۱۳۸۵/۶/۲۳ از کتاب مجموعه متحدالمالها، مصوبات و رهنمود های ستره محکمه جمهوری اسلام افغانستان طی سالهای (۱۳۸۵ - ۱۳۸۹) محل چاپ مطبوعه نوری، چهارراهی شیرپور.

باشد.) اجراءات بعمل آيد. محكمه مربوطه در مورد ترتيب وثيقه ذواليدى به اساس مراجعه اشخاص و معلومات هاى لازم اقدام مقتضى بعمل آورد.

ب : در مورد زمين هاى زراعتى و انواع آنها بهتر است طبق قانون تصفيه اراضى توسط مرجع مسؤل طور عاجل اجراءات گردد.

ج : هرگاه در مورد زمين و جايداد تحت استملاك از طرف اشخاص حقيقى ويا حكمى ادعاى ملكيت وجود داشته باشد محكمه مربوط با رعايت ماده (۸۰)^(۱) قانون اصول محاكمات مدنى با رعايت عاجل رسيد گى قانونى نمايد.

جواب سوال شماره دوم استهداء :

در صورتىكه جايداد قابل استملاك براى شخص غايب ثابت باشد وزارت محترم انكشاف شهري از طريق محكمه طبق ماده (۳۲۳)^۲ قانون مدنى بعد از تعيين قيم حين اجراءى قباليه براى شخصى غايب بمنظور حفاظت مال غايب پول بدل جايداد استملاك شده را به حساب شخص غايب تحويل بانك نمايد.

جواب شماره سوم استهداءئيه :

طبق هدايت ماده (۱۷۶)^۳ قانون اصول محاكمات مدنى وزارت محترم انكشاف شهري با كسب معلومات از اهل خبره در مورد تعيين قيمت عادلانه جايداد استملاك شده ميتواند كه قيمت زمين مذكور را با در نظر داشت كميت و كيفيت زمين همجوار تعيين نموده در حضور داشت قيم شخص غايب بنام وى تحويل بانك نمايد و اگر مالك زمين مذكور را با در نظر داشت كميت و كيفيت زمين مورد نظر در حضور هيات و همجواران تحديد، توصيف و قيمت گذارى گرديده بعد از حضور و اثبات جايداد خود مستحق قيمت و بدل زمين استملاك شده خويش ميگردد.^۴ كه در مورد استملاك كه اقرار خط ذواليدى فوق الذكر به غرض آن ترتيب ميگردد مصوبه شماره (۲۵۳) مورخ ۱۳۸۷/۴/۴ خويش در مورد دارالانشاء

^۱ - محكمه به رسيدگى دعاوى اقدام مى نمايد كه از طرف شخصيت هاى حقوقى يا حكمى حل و فصل آن تقاضا شده باشد.
^۲ - هرگاه شخص واجد اهليت قانونى مدت يكسال و يا بيشتر از آن غايب بوده در اثر آن مصالح وى متاثر گردد. محكمه در حالات ذيل از طرف او وكيل تعيين مى نمايد : ۱- در صورتىكه مفقود الاثر بوده حيات و وفات وى معلوم نباشد. ۲- در صورتىكه محل سكونت يا اقامتگاه وى در خارج از افغانستان معلوم نبوده و اداره امور مربوط يا نظارت بر اجراءات قايم مقام از جانب شخص غايب نا ممكن باشد.
^۳ - ۱- محكمه ميتواند در دعاوى عقارى راجع به قيمت، كروكى، تعيين حدود، مساحت و مسايل ساختمانى در صورت بروز اختلاف طرفين دعوى از اهل خبره كسب معلومات نمايد. ۲- محكمه ميتواند در دعاوى مربوط به ملكيت هاى منقول راجع به تعيين قيمت مدعى بها از اهل خبره كسب معلومات نمايد.

^۴ - مصوبه (۴۹۳) مورخ ۱۳۸۵/۶/۲۳ از كتاب مجموعه متحدالمالها، مصوبات و رهنمود هاى ستره محكمه جمهورى اسلام افغانستان طى سالهاى (۱۳۸۵ - ۱۳۸۹) محل چاپ مطبوعه نوري، چهارراهى شيرپور.

شورای عالی ستره محکمه تصریح نموده که عده از اشخاص به مقام ستره محکمه راجع به نحوه استملاک جایداد های مربوط شان شکایت نموده اظهار میدارند که شاروالی ها و برخی از مقامات دولتی در استملاک جایداد های شخصی احکام مندرج ماده (۴۰)^۱ قانون اساسی و ماده اول قانون استملاک را رعایت نمیکنند.

حینیکه موضوع به اجلاس مقام شورای عالی ستره محکمه پیشنهاد شد پس از مباحثه طی مصوبه (۲۵۳) مورخ ۱۳۸۷/۴/۴ هدایت ذیل صادر گردید.

((ستره محکمه به ملاحظه شکایت وارده و احکام مندرج قانون اساسی و قانون استملاک تصویب نموده که در پروسه استملاک باید مراتب ذیل از طرف ارگانهای ذیدخل رعایت گردد :

۱- استملاک باید به مقصد تأمین منافع عامه باشد.

۲- استملاک ملکیت شخصی باید در بدل تعویض قبلی و عادلانه یعنی نرخ روز بوده باشد.

لذا بتاسی از احکام قوانین متذکره شاروالی ها یا ارگانهای دیگر نمیتوانند جایداد های اشخاص را طور یکجانبه و بدون رعایت نرخ روز و یا در صورتیکه بمنظور تأمین و رفع ضرورت منافع عامه نباشد استملاک نمایند.))^۲ و همچنان استهداء ریاست محکمه استیناف ولایت هرات که حسب آتی استهداء نموده اند.

((یکتعداد اشخاص و افراد غرض ترتیب قباله قطعی به این آمریت مراجعه مینمایند ولی از جایداد های شان اسناد بنیادی شرعی از قبیل قباله قطعی، ترکه خط و ابراط شرعی ندارند فقط جایداد های شان بدفتر اساس املاک شاروالی بنامهای شان در طی مدت پانزده سال و یا اضافه از آن میشود که قیدیت دارد و کتابچه صفایی را بدست دارند در جهت رواج عمومیت پیدا نمودن اسناد و قباله جات شرعی در بین مردم و محیط ثانیاً در صورت ترتیب قباله جات شرعی محصولات و عایدات زیادتر تحویل خزانه دولت خواهند شد. بناءً جریان موضوع مفصلاً به آن مقام محترم تقدیم و در زمینه هدایت مقامات محترم صالحه را خواهانیم.))

^۱ - ملکیت از تعرض مصون است. هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمیشود، مگر در حدود احکام قانون ملکیت هیچ شخص، بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت مصادره نمی شود. استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تأمین منافع عامه در بدل تعویض عادلانه به موجب قانون مجاز می باشد.

^۲ - مصوبه (۲۳۵) مورخ ۱۳۸۷/۴/۴ از کتاب مجموعه متحدالمالها، مصوبات و رهنمود های (۱۳۸۵ - ۱۳۸۸) ستره محکمه محل چاپ مطبوعه نوری چهارراهی شیرپور صفحه (۵۳۶)

حینیکه مطالب مورد استهداء به اجلاس مورخ ۱۳۸۸/۸/۱۲ تقدیم گردید قرار یادداشت نمبر (۱۱۰) مورخ ۱۳۸۸/۸/۲ هدایت ذیل صدور یافت : ((به دارالانشای شورای عالی وظیفه داده میشود تا به منظور توحید مرافق قضایی و اجراءات همگون جمیع اسناد شورای عالی را که راجع به انتقال ملکیت تنظیم گردیده جمع آوری و ضمن متحدالمال به جمیع محاکم اخبار نماید.))^۱

به تاسی از هدایت فوق طوریکه هدایت مقام محترم راجع به انتقال ملکیت مورد ملاحظه قرار گرفت اسناد ذیل شامل مصوبات و یادداشت ها در زمینه صدور یافته است که بمقصد همسانی رویه و اجراءات محاکم به ارتباط موضوع انتقال املاک ذیلاً تصمیم میگردد :

۱- مصوبه شماره (۴۹۳) مورخ ۱۳۸۵/۶/۲۳ مقام محترم به ارتباط استهداءئی ریاست تفتیش داخلی شاروالی کابل در مورد استملاک ملکیت مالک جایداد شامل عقار فاقد سند ملکیت قانونی که بیش از (۱۵) سال تصرف مالکانه داشته و ادعا علیه آن وجود نداشته باشد چنین اشار میدارد : ((در وقت استملاک جایداد از طرف دولت وثیقه ذوالیدی اعتبار دارد در غیر آن ترتیب وثیقه ذوالیدی مجاز نمی باشد.))

۲- یادداشت شماره (۷۱۶) مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۳ مقام ستره محکمه چنین مشعر است : ((به جمیع محاکم بطور متحدالمال ابلاغ و اخبار گردد تا محاکم بصورت جدی توجه داشته باشد تا موارد ذیل را مطمع نظر بگیرند :

۱- قباله های جایداد ها و عقار را بدون اسناد بنیادی پیشبینی شده در قانون اصلاً و قطعاً اجرا نه نمایند.

۲- سند اظهار نامه، سند املاکی نبوده در انتقال ملکیت قطعاً مورد استناد قرار نگیرد.

۳- اجرای قباله ها متوازن به اندازه مالیه دهی صورت گیرد اراضی مازاد از مالیه بصورت قطع داخل مبیعه قرار داده نشود و در کمیت مبیعه مطابقت اراضی با مالیه ضرورت است.

۴- ریاست تفتیش قضائی در مورد متوجه اجراءات محاکم بطور جدی باشند موضوع از طریق رادیو حین پخش خبر شورای عالی نشر گردد.))^۲

با آنکه متن یادداشت فوق طی متحدالمال شماره (۱۶۶۰ الی ۱۷۱۷) سال (۱۳۸۵) به محاکم محترم استیناف اخبار گردیده یکبار دیگر توجه کافه محاکم کشور به آن معطوف خواسته میشود.

^۱ - بنقل از کتاب مجموعه متحدالمالها، مصوبات و رهنمود های ستره محکمه، صفحه (۷۱۵)
^۲ - مرجع قبلی صفحه (۷۱۴).

۳- مصوبه شماره (۳۴۵) مورخ ۱۳۸۶/۴/۲۸ شورای عالی که بالاثر استهدایه ریاست عمومی جیودوزی و کارتوگرافی در مورد ضرورت تصدیق آن اداره در فورم طی مراحل اسناد غیر منقول حسب ذیل صدور یافته است: ((محاکم و ادارات ثبت اسناد که به اجرای اسناد اموال غیر منقول مبادرت می نمایند صرف در حالیکه یک یا چند حد مبیعه یا عمار متصل به ملکیت دولت باشد نظر اداره جیودوزی و کارتوگرافی (کادستر) را اخذ و بعد به اجرای سند اقدام نماید. مصوبه به جمیع محاکم طور متحدالمال اخبار گردد.))

متن مصوبه فوق که بوسیله متحدالمال شماره (۱۷۷۱ الی ۱۸۲۴) مؤرخ ۱۳۸۶/۵/۱۱ به محاکم محترم استیناف اخبار گردیده البته تمام محاکم محترم هدایت مندرج آنرا در موارد مربوط در نظر میگیرند.

۴- مصوبه (۳۲۶) مورخ ۱۳۸۸/۵/۸ شورای عالی ستره که بنابه استهداء محکمه استیناف ولایت پنجشیر در مورد رسیدگی آن عده از منازعات حقوقی عمار فی مابین اشخاص حقیقی که اداره املاک از عدم قیدیت مالیه دهی و جایداد به اسم اصحاب دعوی و یا به اسم آباء و اجداد شان تذکر داده به متن آتی صادر گردیده است: ((با تاکید بر تجویز مندرج یادداشت شماره (۷۱۹) مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۳ شورای عالی مبنی بر اینکه متکی به اظهار نامه و عدم قیدیت جایداد مورد ادعا به اسم اصحاب دعوی یا آباء اجداد شان درج وثایق فیصله جات در محاکم نگردیده از آن جداً جلوگیری بعمل آید، نظر ریاست تدقیق و مطالعات به متن ذیل است.

اگر املاک متصرفی اشخاص بنام یکی از طرفین دعوی بنام خود یا مورث خود سند بنیادی و قیدیت مالیه دهی به دفتر املاک نداشته باشد محکمه به اجراءات در همچو موضوعات به اساس هدایت یادداشت شماره (۷۱۹) مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۳ مذکور اجتناب نموده موضوع را حسب هدایت ماده (۹) قانون اصول محاکمات مدنی به وزارت عدلیه راجع نمایند تا از طریق قضایای دولت بررسی گردد در نتیجه اگر قضایای دولت در موضوع مورد بحث کدام ادعای داشته باشند میتوانند بالای شخص ذوالید در محکمه مربوط موضوع خود را یکطرفه نمایند و اگر ادعای ملکیت نداشته باشند از موضوع به محکمه رسماً خبر بدهند تا بعداً محکمه اندازه زمین و املاک مذکور را ذریعه ادارات مربوط به اساس جریب معلوم نموده موضوع مدعی بها را بین طرفین دعوی فیصله نمایند. تا به این ترتیب از یک طرف

^۱ - ۱- نماینده قانونی دولت در قضایای مدنی که حقوق و وجایب نفع و ضرر کل و یا قسمی دولت مطرح باشد بحیث مدعی یا مدعی علیه قرار میگیرد. ۲- نماینده دولت بمنظور حکم مندرج فقره (۱) این ماده اداره قضایای دولت میباشد.

اصلاحات تدریجی بعمل آمده و از طرف دیگر مشکلات خلق الله مرفوع گردد و به عقیده ماهیت مؤظف اجراءات مذکور به یادداشت شماره (۷۱۹) مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۳ مذکور کدام مخالفت ندارد زیرا که اشتباه ملک دولت به اساس اجراءات مذکور کاملاً مرفوع میگردد نا گفته نماند که محاکم سند اظهار نامه را با در نظر داشت یادداشت شماره (۷۱۹) مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۳ شورای عالی سند قانونی ندانسته در موضوع قضایی به آن ترتیب اثر ندهند، تایید گردید.))^۱

لهذا روی مصوبات و متحدالمال های قبلی اقرار خط ذوالییدی زمان سند مورد اعتبار است که به منظور استملاک بوده باشد البته با شرایط که قبلاً متذکر گردیدیم.

مبحث سوم : ترتیب و اثر اقرار خط اعتراف به جرم

مطلب اول : ترتیب اقرار خط اعتراف به جرم

این اقرار خط که به وثیقه اعتراف به جرم نیز شهرت دارد برای اظهارات و تحقیقات مجرم ترتیب میشود زیرا متهم مذکور به مرور زمان دکته شده و از آن انکار خواهد کرد. دو نفر شهود در ترتیب اقرار خط مذکور ضروری است و میتوان دو نفر پولیس را عوض شهود اختیار نمود.

ترتیب وثیقه : ستون تعرفه در ستون مقرر شهرت مکمل متهم در ستون مقرر له اداره پولیس یا خارنوالی محل درج میگردد نصب فوتو اخذ نشان انگشت شان ضرور است. در ستون شهود شهرت مکمله با ذکر نمبر تذکره درج و نصب فوتو و اخذ نشان انگشت شهود امر حتمی است. ستون موضوع تحدید میگردد مقرر مذکور در مورد قتل والد ولد خالد توسط خودش در ستون تشریحات اقرار مینماید. ستون تشریحات حاضر آمد در محکمه () مقرر مذکور در حالیکه دارای اهلیت حقوقی خود بود بدین وجه اقرار نمود که (عین اعتراف جرم ذکر میگردد) در اقرار خود صادق بوده و از آن مسؤل میباشم و نیز دو نفر شاهدان در حالیکه دارای اهلیت شرعی و حقوقی خود ها بودند و میباشند اشهاد شرعی نمودند بدینکه مقرر مذکور را می شناسیم نامبدل اقرار نکرده در صورت خلاف مسؤل و جوابده قانونی میباشیم. این وثیقه اقرار خط محصولی نبوده صرف قیمت آن طبق لایحه اخذ و تحویل خزانه دولت میشود.^۲

^۱ - مصوبات شماره (۴۹۳) مورخ ۱۳۸۵/۶/۲۳، مصوبه (۳۴۵) مورخ ۱۳۸۶/۴/۲۸ و مصوبه (۳۲۶) مورخ ۱۳۸۸/۵/۸ از کتاب مجموعه متحدالمالها، مصوبات و رهنمود ها مرجع سابق. ص (۷۱۴ - ۷۱۸)
^۲ - روفی، عین الله، رهنمای وثایق صفحه (۷)

اثر اقرار خط اعتراف به جرم

مطابق فقره (۲) ماده (۳۰) قانون اساسی طوریکه در خارنوالی از متهم یا متهمه راجع به جرم تحقیقات صورت میگیرد و در جریان تحقیق به جرم منسوبه خود اقرار و اعتراف مینماید و غرض درج در وثیقه شرعی به محکمه محول میگردد در این حال هیات قضائی با متهم یا متهمه در حالیکه خارنوال حضور نداشته باشد مفاهمه مینماید و از وی میپرسد که آیا او شکنجه جسمی یا روحی گردیده یا خیر اگر متهم شکنجه جسمی یا روحی را تأیید نمود و اعتراف خود را به جبر و اکراه وانمود کرد حالات ظاهری متهم نیز مشاهده میگردد و حالت متهمه را توسط یک نفر زن امین مشاهده می نماید هرگاه از اظهارات متهم شواهد و یا حالات ظاهری متهم یا متهمه معلوم گردید که او شکنجه شده استعمال خارنوالی روی استدلال مذکور مسترد و از درج اقرار در وثیقه خود داری میشود. و هرگاه متهم یا متهمه لت و کوب و شکنجه فیزیکی شده باشد به داکتر محول میگردد و هرگاه وضعیت متهم خوب بوده وضعیت نورمال داشته و شکنجه نگردیده شکایت ملموس هم نداشت استعلامی که در آن اعتراف آن درج است قرائت میگردد هرگاه تمام اظهارات را از خود دانسته و کل آنرا تأیید نموده و اگر قسمتی آنرا که به اجرامیت متهم یا متهمه باشد تأیید و باقیمانده را تأیید نکرده اقرار خط مذکور ترتیب میگردد.^۱

هرگاه اصلاً و قطعاً آنرا تأیید نکرد استعمال به خارنوالی مسترد و از عدم تأیید متهم یاد آوری میشود زیرا در شروط مقرر بالای بحث صورت گرفت که اقرار مکره نزد جمهور علماء قابل اعتبار نمی باشد. و نیز قانون اساسی در ماده (۳۰) خود تصریح نموده اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه بدست آورده شود، اعتبار ندارد. اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور محکمه با صلاحیت^۲ و نیز در مورد به تاسی از قانون اساسی اجراءات جزائی در ماده (۲۲) نیز چنین صراحت دارد: ۱- مامور ضبط قضائی، خارنوالی و محکمه در هیچ حالت اجازه ندارند، خود یا از طریق شخص دیگر با رفتار سوء، استعمال مواد مخدر، اکراه شکنجه، خواب مقنطسی تهدید و تخویف یا وعده دادن به منفعتی مظنون یا متهم را به اظهار یا اقرار وادار نمایند. ۲- اظهار یا اقراریکه از مظنون یا متهم با استعمال وسایل مندرج فقره (۱) این ماده اخذ شده باشد قابل استناد نمی باشد.^۳

^۱ - روفی عتیق الله (۲۲۴/۱)

^۲ - قانون اساسی افغانستان ماده (۳۰) جریده رسمی نمبر مسلسل (۸۱۸) (۸) دلو (۱۳۸۲) هـ. ش

^۳ - قانون اجراءات جزائی ریاست نشرات وزارت عدلیه مطبوعه بهیر تاریخ نشر (۱۵) ثور (۱۳۹۳) هـ. ش نمبر مسلسل (۱۱۳۲)

اگر متهم بعد از اقرار و ترتیب اقرار خط رجوع نمود بغیر از حد قذف بحیث یک شبه تلقی میشود و سبب سقوط حد میگردد و هرچه حد قذف چون حق عبد در آن غالب است رجوع در آن تاثیر ندارد تا آنکه مقذوف عفو نه نماید.^۱ البته شبه بالای حقوق العباد که مبنی یش با تشدد و ستخگیری است و حقوق الله عزوجل مبنایش بر عفو و مسامحه میباشد. طوری که در احادیث حد زنای ماعز رضی الله تعالی عنه و احادیث سرقت رسول الله صلی الله علیه وسلم برایش تلقین نمود که از اقرار خود بر گردند، مگر در سرقت اگر سارق از اقرار خود بر میگردد قطع صورت نمیگیرد اما تاوان مال مسروقه و جزای تعزیری مطابق ماده (۶۹۹) کود جزا بالایش حتمی است که در مورد چنین صراحت دارد: سرقت عبارت است از گرفتن مال منقول ملکیت غیر، بدون رضایت به مقصد تملک هرگاه در جرم سرقت شرایط اقامه حد تکمیل نگردد یا به نحوی از انحا جزای حد سرقت ساقط شود، مرتکب تعزیراً مطابق احکام این فصل مجازات میگردد.^۲

که در مورد شبه علم قاضی و اجتهاد وی قناعت وی است که دعوی که صورت گرفته شبه است و یا خیر در مورد اینکه اقرار مکره درست است و یا خیر دو قول وجود دارد.

قول اول جمهور علماء حنفی و شافعی: به این نظر اند که اختیار شرط از شروط صحت اقرار است و مقرر در اقرارش صادق میباشد زیرا که شخص عاقل بالای خود دروغ نمی گوید اما در حالت اکراه جهت کذب بالای جهت صدق ترجیح می یابد و دیگر اینکه عاقل به مقصد ضرر رسانیدن به خودش متهم نمی شود، و کسیکه به اقرار به حق و یا انجام دادن جنایت مجبور گردانیده شود اقرارش باطل و چیزی بالایش لازم نمی گردد.^۳

قول دوم: اگر اقرار در نتیجه اکراه به لت کردن و غیره صادر شود بشرطیکه قرائن قوی دلالت کننده به صحت اقرار وی و ارتکاب آنچه که بوی منسوب شد با مراعات کردن بعضی از ضوابط و آنهم در شان کسی که به دزدی قطع طریق متهم معروف باشد این اقرار صحیح و درست است و این مذهب مالکی ها و عده از حنبلی ها و متأخرین از حنفی ها می باشد.^۴

که در قوانین افغانستان اختیار و آزادی اراده حین اعتراف یکی از اصول عمومی قانون اعم از اینکه جزائی بوده باشد و یا مدنی هر قول و فعلیکه بدون اراده و اختیار انسان صادر میشود، قابل اعتبار نمی

^۱ - ابن الهمام فتح القدير (۱۴۴/۴)

^۲ - کود جزا

^۳ - مرجع قبلی.

^۴ - ابن فرحون القاضي برهان الدين بن علي المالكي (ت ۱۳۸۷ هـ ش) تبصره الاحكام مطبوعه البابی بمصر.

باشد، و این اصل بالای اقرار نیز تطبیق می‌گردد. زیرا اقرار یعنی پذیرفتن ارتکاب فعل از جانب متهم، با درک عواقب و پیامد های آن، بناءً اگر این پذیرش به رضایت و اختیار وی نباشد مفهوم خود را از دست میدهد طوریکه قبلاً بیان گردید ماده سی قانون اساسی افغانستان و به تاسی آن و ماده (۲۲) قانون اجراءات جزائی افغانستان در مورد صراحت دارد. و روش قضائی کشور مصر چنین است که اعتراف بدون رضایت و اختیار کامل درست نمی باشد، ولو با واقع مطابقت داشته باشد زیرا که شرط رضایت و اختیار مقدم به مطابقت آن با واقع است و به همین اساس محکمه تمیز مصر در یکی از احکام خود چنین فیصله نموده است که ((اعترافیکه در دعاوی منحيث دليل الزام مورد استفاده قرار گرفته میشوند اعترافی است که با رضایت و اختیار کامل اعتراف کننده ارائه میشود اما اعترافیکه در اثر اکراه جبر به هر اندازه که باشد صادر میشود ولو با واقع مطابقت داشته باشد قابل اعتماد نیست.))^۱ از این هویدا گردید که قوانین افغانستان و قوانین مصر تابع قول جمهور علماء است و قوانین خویش را به آن عیار نموده است در اغلب اوقات جرمی که باعث نا امنی در جامعه می گردد، در عین وقت باعث خساره مادی و معنوی برای مجنی علیه که اولین قربانی این جرم شمرده میشود، نیز گردیده و در حالت وفات مجنی علیه ورثه اش این خساره را متحمل می‌گردد. بدین اساس در اثر ارتکاب جرم بر علاوه دعوی جزائی که هدف آن برپا داشتن جزا است، دعوی دیگری نیز نشأت می نماید که هدف آن جبران خساره از ضرری است که شخص متضرر از جرم آنرا متحمل شده بنام دعوی حق العبد یاد میشود متضرر میتواند این دعوی را در پیشگاه محکمه جزائی که مربوط محاکمه جرم و تطبیق جزا میباشد طبق مواد (۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۱۹۲) فصل چهارم قانون اجراءات جزائی اقامه نماید محکمه جزائی در حین حالت دعوی حق العبد را منحيث یک قضیه فرعی از دعوی جزائی که قضیه اصلی است، مورد رسیدگی قرار میدهد. همچنان متضرر میتواند این دعوی را در پیشگاه محکمه مدنی بصورت عادی اقامه نماید. زیرا دعوی جزائی و دعوی حق العبدی از یک منبع که جرم است بمیان می آیند ولی به اشکال مختلف، زیرا اختلاف میان هر دو در سبب اطراف و موضوع، رونما می گردد. سبب عمومی دعوی عبارت از نا امنیتی است که از اثر مخالفت از قانون جزا در جامعه میباشد در حالیکه خساره بمیان آمده از این مخالفت سبب دعوی حق العبد شمرده میشود بدین اساس اقامه دعوی جزائی بمجرد وقوع جرم صورت می‌گیرد اما دعوی حق العبد بر علاوه وقوع جرم بدون بمیان آمدن ضرر و خساره ناشی از آن اقامه شده

^۱ - محکمه تمیز مصر (۱۶) سال (۱۹۸۰) مجموعه الاحکام النقض ص (۸۰۰) شماره (۱۴۵) نقل از کتاب رهنمائی قضاات افغانستان. صفحه (۴۹۱)

نمی‌تواند.^۱ آمادگی نشان داده و با استعلام به محکمه معرفی و بحیث مقرون با دو نفر شاهدان حاضرین محکمه شده و اقرار می‌نماید که اقرار آنها بطور فوق در اقرار خط رسمی درج و ترتیب می‌گردد.^۲

بعد از ترتیب وثیقه فوتوکاپی ورق اظهارات ضم‌کننده وثیقه میشود اصل استعلام نشانی شده به مهر اداری محکمه مهور و با اقرار خط مرتبه بعد از مهر و امضا به خاړنوالی راجع می‌گردد ولی هرگاه متهم تمام اظهارات خود را تأیید نه نموده آن قسمت اظهاراتی که وی آنرا تأیید نموده ماهیت جرمی داشته باشد درج وثیقه اقرار خط می‌گردد.

هرگاه اصلاً و قطعاً آنرا تأیید نکرد استعلام به خاړنوالی مسترد و از عدم تأیید متهم یاد آوری میشود. و همچنان هرگاه هیئت قضائی محکمه محل وقوع واقعه، دستگیری یا اقامت متهم حضور نداشته اقرار متهم عاجلاً در محکمه همجوار غرض جلوگیری از ضیاع دلایل درج وثیقه می‌گردد این مطلب طی متحدالمال (۱۵۹۸/۱۵۰۱) مورخ ۱۳۴۹/۴/۲۷ دارالانشاء شورای عالی در صورتیکه هیئت قضائی محکمه محل در وقوع جرم حضور نداشته باشد در نزدیکترین محکمه محل وقوع جرم اقرار متهم درج اقرار خط می‌گردد.

مبحث چهارم : اقرار خط عدم دعوی

مطلب اول : ترتیب اقرار خط عدم دعوی

این نوع اقرار خط رسمی که بنام وثیقه عدم دعوی نیز یاد میشود مخصوص دعوی جزائی بوده نه قضایای مدنی شخص در شب از اثر اصابت مرمی فوت یا مجروح گردیده خاړنوال در قسمت دعوای ایشان استفسار میکند که کی‌ها را متهم می‌گیرند و آنها کسی را مورد تهمت قرار نمیدهد ولی پولیس چند نفر را گرفتار میکند در اینجا وارث یا متضرر طی درخواستی از محکمه خواستار وثیقه اقرار خط عدم دعوی می‌گردد. در ستون مقرر شهرت مجروح یا ورثه، در ستون مقرر له اقرار خط عدم دعوی یا اداره پولیس یا خاړنوالی مربوطه و در ستون شهود شهرت دو نفر شاهد درج می‌گردد با ذکر نمبر تذکره البته نصب فوتو و ذکر نمبر تذکره و اخذ نشان انگشت شاملین وثیقه امر حتمی است.

ستون موضوع : مقرر یا مقرون مذکورون راجع به عدم دعوی در مورد مجروحیت خود یا قتلی وارث خود قرار ستون تشریحات اقرار مینمایند.

^۱ - رهنمای قضات افغانستان، سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق سال طبع (۱۳۸۷) کابل ص (۳۸۸).

^۲ - روفی عتیق الله، کتاب ثبت اسناد وثایق ص (۲۲۴).

ستون تشریحات : حاضر آمدند در محکمه () مقر یا مقرون در حالیکه دارای اهلیت حقوقی خود ها بودند اقرار نمودند بدین وجه که مورث ما () ولد () در تاریکی شب در عرض راه مورد اصابت مرمی قرار گرفته و بقتل رسید یا مجروح گردید ما تا اکنون نسبت عدم علم آوری با هیچ کس دعوی نداریم در اقرار خویش صادقین بوده و میباشیم و نیز دو نفر شاهدان در حالیکه دارای اهلیت شرعی و حقوقی خودها بودند و میباشند عندالمحکمه اشهاد شرعی نمودند بدینکه مقرون مذکور را معرفت کامل داریم نام بدل و به غلط اقرار نکرده در صورت خلاف مسؤل و جوابده قانونی می باشیم.^۱ وثیقه ثبت، مهر و امضا گردیده به خاںنوالی محول و ضم اوراق قضیه میشود. وثیقه فوق وثیقه محصولی نبوده صرف قیمت آن طبق لایحه اخذ میشود.

مطلب دوم : اثار اقرار خط عدم دعوی

این اقرار خط طوریکه قبلاً متذکر شدم زمانی ترتیب میگردد که در رابطه به یک واقعه جنائی مثلاً قتل، سرقت و ... شخص از طرف ارگان های کشفی مظنون میگردد که در این صورت متضرر قضیه و یا مدعی حق العبد باید مطابق قانون استدعای خود را به محکمه مربوطه تقدیم نماید تا از یکطرف دعوی حق العبدی و جبران خساره وی استحصال گردد و از طرفی دیگر این استدعای وی مطابق فقره (۵) ماده (۵۶)^۲ قانون اجراءات جزائی سبب تحریک دعوی میگردد. و هرگاه مدعی حق العبد از دعوی خود ابرأ نماید در اینصورت بنابه حالات جرم و مجرم در جزای متهم تخفیف اعم از رأفت قضائی و یا تعلیق مجازات میگردد. اما هرگاه مدعی حق العبد از دعوی خود انصراف نماید مطابق ماده (۶۳)^۳ قانون اجراءات جزائی قانون اجراءات جزائی اگر مدعی علیه و یا متهم از جمله اقارب متهم باشد در اینصورت سیر دعوی متوقف میگردد.

و هرگاه مدعی علیه و متهم از جمله اقارب متضرر قضیه و یا مدعی حق العبد نبوده باشد در اینصورت متهم مورد رأفت قضائی قرار میگیرد. و این در صورتیکه از طرف ارگان های کشفی و تحقیقاتی اعم

^۱ - روفی، عین الله، رهنمای وثایق صفحه (۹)

^۲ - در خواست مراجع رسمی در مواردیکه تحریک دعوی جزائی موکول با در خواست رسمی باشد.

^۳ - تحریک دعوی جزائی و اتخاذ هرگونه تصمیم در مورد جرایم مندرج فصول (پنجم، هفتم، دهم، یازدهم، دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم، شانزدهم، بیست و یکم، بیست دوم، بیست و سوم، بیست و چهارم و بیست پنجم) باب دوم کتاب دوم قانون جزا که از طرف اقارب به یک دیگر ضرر برسد، بدون شکایت تحریری مجنی علیه جواز ندارد. بعد از انفاذ کود جزا دیوان جزا محکمه استیناف ولایت کابل در مورد ماده فوق استهداء نمود که طی تصویب شماره (۱۲۸) مورخ ۱۳۹۸/۲/۱۷ که محتویات ماده (۳) قانون اجراءات جزائی شامل فصول و ابواب که مربوط به جرایم مندرج در کتاب دوم کود جزا است نیز میشود، زیرا که از ماده متذکره چنین مفهوم گرفته میشود که در صورت امکان بتواند نظام جزائی افغانستان از راه عفو و گذشت فصل حصومات که همانا هدف غایی قانون گذار است بدست آید، بویژه در مواردیکه نظام خانواده و صلح رحم نیز از بین میرود و حفظ اقوام خانواده و صلح رحم در جوامع اسلامی از اهمیت بالای برخوردار بوده که افغانستان نیز از آن مستثنی نیست وخوشبختانه موارد مشار الیه ماده متذکره در قانون جزا سابق در کود جزا فعلی که نافذ هم هست بگونه همه جانبه پیش بینی شده است. (که مصوبه مذکور طی متحد المال شماره (۲۰۱۴/۲۲۲) مورخ ۱۳۹۸/۲/۳ به تمام محاکم طور متحدالمال به جمیع محاکم اخبار گردید.

از ارگان های امنیتی خارنوالی دلایل کافی مبنی بر الزام متهم موجود باشد در صورت عدم موجودیت دلایل کافی الزام از طرف محکمه مربوطه قرار عدم تحریک دعوی مطابق ماده (۲۰۳)^۱ قانون اجراءات جزائی صادر مینماید و متهم توقیف شده را در صورتی که به اثر واقعه دیگر تحت توقیف نباشد رها می نماید. اما در صورتیکه شخص اصلاً بالای شخص که مورد ظن پولیس قرار گرفته ادعای نداشته باشد در اینصورت به ترتیب اقرار خط مذکور اقدام می نماید که در اینصورت ارگان های کشفی باید دلایل زنجیره ئی و دقیق را علیه مظنون و یا متهم جمع آوری نماید تا بتواند جرم منسوبه را به متهم مذکور ثابت نماید و در زمینه قناعت هیات قضائی را فراهم نماید.

در صورتیکه شخص متهم محکوم میگردد در اینصورت شخص اقرار کننده نمیتواند بالای متهم مذکور ادعای حق العبدی خود را اقامه نماید البته قابل ذکر است که دلایل جدید که دعوی مدعی حق العبد را ثابت نماید بروز نکند در صورت بروز دلایل جدید در اینصورت مدعی حق العبد اختیار دعوی حق العبدی خود را توأم با دعوی جزائی در محکمه تقدیم نموده و یا اینکه بعد از قطعیت و نهائی شدن حکم مدعی حق العبد دعوی خود را به محکمه مدنی تقدیم می نماید.

مدعی حق العبد در صورت ترتیب اقرار خط عدم دعوی و عدم بروز دلایل جدید ولوکه متهم از طرف مدعی العموم اتهام وی ثابت گردد و در مورد اتهامنامه و صورت دعوی مطابق فقره (۳) ماده (۱۶۸)^۲ قانون اجراءات جزائی ترتیب گردیده و محکمه نیز به محکومیت وی اصدار حکم نماید این اقرار خط علیه وی دلیل بوده بناءً موصوف نمیتواند بالای متهم موصوف که طی اقرار خط رسمی عدم دعوی را ترتیب نموده زیرا جرمی که باعث نا امنی در جامعه می گردد، در عین وقت باعث خساره مادی و معنوی برای مجنی علیه که اولین قربانی این جرم شمرده میشود، نیز گردیده در حالت وفات مجنی علیه ورثه اش این خساره را متحمل میگردد. بدین اساس در اثر ارتکاب جرم بر علاوه دعوی جزائی که هدف آن برپاداشتن جزا است، دعوی دیگر نیز نشأت مینماید که هدف آن جبران خساره از ضرری است که شخص متضرر از جرم آنرا متحمل شده ، بنام دعوی حق العبدی یاد میشود طوریکه قبلاً متذکر گردیدم

^۱ - ماده (۲۰۳) ۱- هرگاه نزد محکمه ذیصلاح ثابت گردد که فعل ارتکاب یافته مطابق قانون قابل مجازات نبوده با دلایل اثبات علیه متهم وجود ندارد و یا اتهام جزئی بوده و قابل مجازات نمیباشد، به عدم لزوم اقامه دعوی قرار صادر و متهم توقیف شده را در صورتیکه به اثر واقعه دیگر تحت توقیف نباشد رها می نماید. ۲- مجنی علیه در مدعی حق العبد یا نمایندگان قانونی آنها و خارنوال می توانند در خلال (۱۴) روز از تاریخ صدور قرار، اعتراض خود را علیه قرار محکمه مبنی بر عدم لزوم اقامه دعوی جزائی مستقیماً یا از طریق محکمه صادر کننده قرار به محکمه استیناف مربوط تقدیم نمایند. ۳- محکمه استیناف اعتراض را الی مدت (۷) روز تحت رسیدگی قرار میدهد و در صورت موجه بودن اعتراض قرار تعقیب متهم را صادر و حسب لزوم دید، امر توقیف متهم را تمدید می نماید.

^۲ - تائید اتهامنامه مستند به دلایل مندرج در دوسیه و ترتیب صورت دعوی.

میتواند دعوی حق العبدی را منحصراً یک قضیه فرعی از دعوی جزائی که قضیه اصلی است مورد رسیدگی قرار میدهد.^۱

مبحث پنجم : اقرار خط عدم تعرض

مطلب اول : ترتیب اقرار خط عدم تعرض

این نوع اقرار خط مخصوص قضایای مدنی است. شخصی دارای عقال یا حویلی یا باغی است و شخص دیگری بر ملکیت او تعرض میکند یا مانع آبیاری وی میگردد و یا مواشی خود را در آن رها می نماید و شخص به اداره حقوق یا محکمه عارض میشود که مدعی جلسه به ملکیت وی تعرض می نماید در این حال در جلسه مقدماتی محکمه مدعی علیه قبل از دوران دعوی و درج موضوع در صورت حال قبول می نماید که بدون موجب متعرض ملکیت مدعی گردیده و حاضر به اقرار مبنی بر عدم تعرض در آینده میگردد. قاضی تعرض کننده را قناعت داده اگر مدعی علیه تعهد کند که دیگر تعرض نمیکند اقرار خط عدم تعرض در محکمه مربوطه ترتیب میشود و اگر مدعی علیه قناعت نکرد و باز موضوع دعوی مطرح میشود که از طرف محکمه ذیصلاح رسماً فیصله شرعی میشود. ترتیب اقرار خط عدم تعرض که بنام وثیقه عدم تعرض نیز یاد میشود در ستون مقرر شهرت یا مدعی علیه متعرض و ستون مقرر له شهرت مدعی یا صاحب ملکیت و ستون شهود معرفت شهرت شهود درج میگردد البته نصب فوتو و اخذ نشان انگشت شاملین وثیقه ضرور است. ستون موضوع مقرر مذکور راجع به عدم تعرض به ملکیت () ولد () مقرر له مذکور قرار ستون تشریحات اقرار مینماید.

ستون تشریحات : حاضر آمد در محکمه () مقرر مذکور در حالیکه دارای اهلیت قانونی خود بوده اقرار نمود بدین وجه از آنجا که مقرر له مذکور در حالیکه دارای اهلیت قانونی خود بوده اقرار نمود بدین وجه از آنجا که مقرر له مذکور بالایم در مورد جایداد غیر منقول خود دعوی تعرض نموده است بناءً من مقرر هیچگاه در جایداد مذکور تعرض نه نموده و نمی نمایم در اقرار خویش صادق بوده و میباشم مقرر له در حالیکه دارای اهلیت حقوقی خود بوده حاضر محکمه بود و نیز دو نفر شاهدان او را تزکیه نمودند اقرار خط عدم تعرض که بنام وثیقه اقرار خط عدم تعرض نیز گفته میشود محصولی نبوده صرف قیمت آن طبق لایحه اخذ میگردد.

^۱- رهنمای قضات افغانستان چاپ آیدلو (۲۰۰۹) صفحه (۱۷۳)

مطلب دوم : اثر اقرار خط عدم تعرض

بعضاً واقع میشود که شخص مثلاً مانع آبیاری اراضی از جانب مقابل شده و یا مواشی خود را در آن رها مینماید و امثال آن بالاتر مالک اراضی به اداره حقوق و یا محکمه عارض میشود که مدعی علیه به ملکیت وی تعرض مینماید در این حال در جلسه مقدماتی محکمه مدعی علیه قبل از دوران دعوی و درج موضوع در صورت حال قبول مینماید که به موجب متعرض ملکیت مدعی گردیده و حاضر به اقرار مبنی بر عدم تعرض در آینده میگردد بالاتر اقرار خط متذکره فوق ترتیب میگردد اگر ملکیت متعرض به دارای سند بوده باشد حد و دات سند نیز درج اقرار خط مذکور میگردد^۱ در دعوی دفع تعرض اقرار خط مذکور زمانی ترتیب میگردد که دعوی مدعی درج فورم خاص نگردیده باشد در صورتیکه دعوی مدعی درج فورم خاص شده باشد در این صورت مدعی باید در مدعی بها ذوالید و متصرف باشد، در دعوی دفع تعرض اگر مدعی قبل از ترتیب صورت دعوی و یا بعد از ترتیب صورت دعوی و قبل از اجراءات مربوط به محصول و درج دعوی در فورمه مخصوص پیش بنی شده طبق ماده (۲۶) قانون اصول محاکمات مدنی که در مورد باید مذکور چنین مشعر است : ((تحریرات محکمه بعد از وصول دعوی در صورت صحت آن به تشخیص هیات قضائی اجراءات مربوط به محصول را مطابق قانون انجام و صورت دعوی را به امر تحریرات رئیس محکمه درج فورمه معین نموده و یک نسخه آنرا به تعیین وقت به مدعی علیه غرض تهیه جواب تسلیم می دهد و در صورت عدم صحت دعوی مدعی به تصحیح صورت دعوی مکلف می شود)) هرگاه مدعی خود را کناره نماید و طبق مواد (۲۹) قانون اصول محاکمات مدنی که چنین مشعر است ((مدعی ایکه دعوی خود را در معیاد قانونی به محکمه تقدیم نه نماید محکمه به ترک خصومت قرار قضائی صادر و عریضه را به مرجع مربوطه مسترد می نماید)) و نیز در مورد ماده (۱۵۳) قانون اصول محاکمات مدنی چنین صراحت دارد هرگاه عارض در خلال مدت (۳۰) روز دعوی مندرج عریضه خود را به محکمه تعقیب نکند مطابق این قانون در غیاب وی قرار ترک خصومت صادر می گردد)) هرگاه مدعی صورت دعوی خود را به محکمه تقدیم و بعد از دوران دعوی بدون عذر قانونی غایب شود محکمه مطابق فصل (۸) این قانون به جلب وی اقدام در صورتیکه در معیاد معینه به محکمه حاضر نشود به ترک خصومت فیصله صادر میگردد^۲ در همچو حالت اگر مدعی علیه خواهان حل و فصل قضیه باشد مکلف به ترتیب صورت دعوی گردد.

^۱ - روفی عتیق الله ، ثبت وثایق صفحه (۲۲۶)

^۲ - قانون اصول محاکمات مدنی جریده رسمی (۷۲۲) مورخ ۱۳۶۹/۵/۳۱

طبیعی است که دعوی غصب را اقامه خواهد کرد در این صورت مشکل وجود دارد تغییر در سیر دعوی از یک حالت به حالت دیگر رونما میگردد در چنین حالت هرگاه قرار قضائی و یا حکم محکمه به ترک خصومت مدعی علیه میتواند طبق ماده (۱۲) قانون اصول محاکمات مدنی که چنین مشعر است : ((۱- استدعا حق مدنی توسط عریضه رسمی مطالبه میشود. ۲- عریضه حقوقی مستقیماً به محاکم یا از طریق شعبات حقوق به محاکم تقدیم و مورد رسیدگی قرار میگیرد. ۳- مدعی بالدفع دعوايش را علیه مدعی دفع تعرض عندالمحکمه اقامه نماید.))^۱ این اقرار خط زمانی ترتیب میگردد که مدعی جایداد مدعی علیه را غصب نه نموده باشد اگر چنین واقع شد که مدعی عدم تعرض جایداد مدعی علیه را غصب نموده باشد در این صورت مدعی بالدفع طبق ماده (۱۲) که قبلاً متذکر شد میتواند دعوی غصب را علیه مدعی علیه بالدفع نماید و اگر مدعی الاصل اسناد و دلایل در ملکیت مورد ادعا داشته باشد در اینصورت دعوی وی ما قبل از دوران دعوی بوده در اینصورت اقرار خط عدم تعرض ترتیب و کاپی آن درج اوراق میگردد اگر مدعی بعد از ترتیب اقرار خط نیز تعرض نماید در اینصورت اگر مدعی مذکور بازهم به ممانعت و تعرض خود اقدام نماید در این صورت موصوف طبق قانون محکوم میگردد طبق ماده (۲۴۸) قانون اصول محاکمات مدنی که چنین مشعر است اسناد رسمی در مورد مقر ورثه و قایم مقام آن قبل از دوران دعوی قابل اعتبار و دلیل الزام است^۲ بدین وجه این اقرار خط علیه مدعی علیه که همانا تعرض کننده است دلیل الزام بوده مکلف گردانیده میشود از طرف محکمه که دیگر از تعرض دست بردار گردد در ضمن اقرار خط مذکور برای مقر له یا مدعی دفع تعرض سند بوده اعم از اینکه این ملکیت وی در رقبه بوده و یا در منافع و علیه شخص مدعی علیه با متعرض نیز دلیل الزام است.

مبحث ششم : اقرار خط فسخ نامزادی و آثار آن

مطلب اول : ترتیب اقرار خط فسخ نامزادی

این اقرار خط که بنام وثیقه اقرار خط فسخ نامزادی نیز یاد میشود در صورت توافق با رضایت کامل هر دویشان ترتیب میشود و غرض ترتیب وثیقه هر دو به محکمه عارض میشود.

در ستون تعرفه مقر : شهرت هر دو مقر اقرار خط فسخ نامزادی درج میشود و در ستون شهود شهرت دو نفر شاهد ذکر میشود. البته نصب فوتو و ذکر نمبر تذکره و اخذ نشان انگشت شاملین وثیقه امر حتمی است.

^۱ - کنفرانس ملی قضائی (۱۳۹۰) نشرات ستره محکمه صفحه (۱۹۷) پرسش شماره (۱)
^۲ - قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان جریده رسمی (۷۲۲) مورخ ۱۳۶۹/۵/۳۱

در ستون موضوع تحدید میگردد به اینکه مقران مذکوران وثیقه هذا در حالیکه دارای اهلیت شرعی وقانونی خودها بودند طی عریضه مطبوع نمبر () مورخ / / ۱۳ حاضران محکمه هذا گردیدند و راجع به فسخ نامزادی خویش قرار ستون تشریحات اقرار می نمایند.^۱

ستون تشریحات : بتاریخ مذکور بحضور محکمه شرعیه بحالت صحت عقل و نفاذ جمیع تصرفات شرعیه خود بدون الجبر و الاکراه چنین اقرار و اعتراف شرعی نمود که در موضوع مذکوره اقرار نمودند بدین وجه ما دو نفر مقران باهم نامزاد شده وعده ازدواج نموده بودیم نسبت عدم توافق نامزادی خویش را فسخ نمودیم در اقرار خویش صادقان بوده و میباشیم و نیز دو نفر شاهدان ادای شهادت نمودند بدینکه مقران مذکوران را معرفت داریم نام بدل و به غلط اقرار نکرده در صورت خلاف مسؤل وجوابده قانونی و شرعی میباشیم. این اقرار خط در صورتی ترتیب میگردد که هر دو توافق و به رضایت کامل فسخ نامزادی را مطالبه نماید در صورتیکه یکی از طرفین درباره انصراف نامزادی عارض گردیده و طرف مقابل فسخ نامزادی را قبول نمیکند و نکاح هم صورت نگرفته باشد در اینصورت محکمه ذیصلاح در پرتو شریعت و قانون نافذ متکی به مواد قانون قرار قضائی فسخ نامزادی را صادر میکند اقرار خط فسخ نامزادی که بنام وثیقه فسخ نامزادی نیز مسمی است زمانی ترتیب میشود که عقد نکاح ایجاب و قبول ازدواج در زمینه صورت نگرفته باشد هرگاه عقد ازدواج صورت گرفت اما عروسی صورت نگرفته باشد انصراف از نامزادی حایز اثر حقوقی در مورد نبوده جانب مقابل ادعای ازدواج را کرده میتواند و دعوی ازدواج که ظروف و شرایط علیحده قانونی دارد از طریق محاکم تحت رسیدگی قرار میگیرد. محصولی نبوده صرف قیمت آن طبق لایحه اخذ میشود که بعداً تحویل خزانه دولت میشود.

مطلب دوم : اثر اقرار خط فسخ نامزادی

طوریکه ترتیب این اقرار خط تحریر گردید این اقرار خط با اقرار خط انصراف از نامزادی این فرق را دارا بوده که اقرار خط فسخ نامزادی به توافق هر دو صورت میگیرد اگر یکی از نامزاد ها که نامزد بوده خواهان فسخ نامزادی خود را نمود و طرف مقابل آن قبول نمی کند در این مورد محکمه مربوطه قرار فسخ نامزادی را صادر می نماید اما اینکه طرفین میتواند انصراف نمایند میتواند که هر دو جانب حاضر محکمه گردیده و نامزادی خود را فسخ نماید. که در صورت این اقرار خط ترتیب میگردد که عقد ازدواج صورت نگرفته باشد اگر عقد ازدواج صورت گرفته باشد در مورد آثار حقوقی نکاح بمیان می آید که در مورد سه نفر مقر دارای همان شروطی میباشد که در فصل اول این رساله از آن تذکر به عمل

^۱- روفی، عین الله رهنمای وثایق صفحه (۱۵).

آمد و دو نفر شاهد نیز دارای همان مواصفتی بوده که قبلاً در مورد اشاره شد لهذا فسخ نامزدی نیز طی اقرار خط رسمی صورت میگیرد البته یکی از آثار این اقرار خط این هم شمرده میشود که با داشتن این وثیقه رسمی مجرد بودن شخصی ثابت گردیده لهذا میتواند که به ازدواج با شخصی دیگر مبادرت نماید اکثراً اشخاصیکه در خارج از افغانستان میباشند و میخواهند که نکاح خط مجردی را ترتیب نمایند این وثیقه اقرار خط فسخ نامزادی مجرد خط شخصی را ثابت می نماید.

البته خانمی که اقرار خط فسخ نامزدی را در دست داشته بزرگ ترین دلیل برای وی غرض نکاح با شخصی دومی شمرده میشود.

و همچنان داشتن این اقرار خط هنگام بروز نزاع بزرگترین روند علیه شخصی است که منکر فسخ نامزادی بوده باشد لذا اقرار خط فسخ نامزدی که حالا ترتیب شود تمام آثار مادی و معنوی نامزدی را از بین برده و از بروز دعوی بعدی جلوگیری مینماید.

طوریکه قبلاً ارائه شد سند وثیقه برای شخصی تسلیم داده میشود که بنفع وی ترتیب گردیده باشد هر سند رسمی که اقرار خط فسخ نامزادی هم یکی از آن اسناد شمرده میشود قبل از دوران دعوی دلیل اثبات بوده و منازعه بعدی را قطع میکند.^۱

مبحث هفتم : اقرار خط محرمیت و آثار آن

مطلب اول : ترتیب اقرار خط محرمیت

اقرار خط به غیر از زن و شوهر در تمام حالات از جمله سفر زنان به بیت الله الحرام بدون محرم جواز ندارد بالانثر بطور مثال مادر همراهِ پسر یا خاله همراه خواهر زاده یا عمه همراه برادر زاده به سفر حج میروند وثیقه اقرار خط محرمیت برایشان ترتیب میگردد.

در ستون مقر شهرت سه نفر مقرون و در ستون مقر له اقرار خط محرمیت تحریر میگردد. در ستون شهود : شهرت شهود تحدید میشود البته نصب فوتو ذکر نمبر تذکره و اخذ نشان انگشت شاملین وثیقه امر حتمی است ستون موضوع مقرون مذکورون راجع به محرمیت () بنت () با () ولد () قرار ستون تشریحات اقرار مینماید.

^۱ - ماده (۲۸۴) قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان

ستون تشریحات : مقرون مذکورون در حالیکه دارای اهلیت شرعی و حقوقی بودند حاضرین محکمه هذا گردیدند اقرار نمودند بدین وجه که ما () ولد () و () بنت () را معرفت کامل داریم در بین خود عمه و برادر زاده و یا خواهر زاده و خاله بوده باهم محرم شرعی میباشند و در اقرار خود صادقین میباشیم و دو نفر شاهدان نیز در حالیکه عاقل و بالغ بودند اشهاد شرعی نمودند بدینکه مقرون مذکوران را معرفت داریم نام بدل اقرار نکرده در صورت خلاف مسؤل و جوابده میباشیم.^۱

مطلب دوم : اثر اقرار خط محرمیت

این اقرار خط که بنام وثیقه محرمیت نیز مسمی میباشد در هنگامی ترتیب میگردد که شخص به خارج از افغانستان مسافرت می نماید ترتیب میگردد. لذا برای کسانیکه به خارج از افغانستان خصوصاً در ایام حج به قصد حج و یا عمره میروند این اقرار خط برای آنها ترتیب میگردد. این اقرار خط دارای آثار بوده از جمله آثار آن برای مقرین که در ترتیب این اقرار خط اقرار نمودند باید دارای شروط و مواصفات که قبلاً متذکر گردیدیم بوده باشد البته مقرینیکه در محکمه اقرار مینمایند و اقرار آنها درج اقرار خط رسمی میگردد در قبال اقرار خط مسولیت های مدنی و جزائی را دارا میباشند هنگامیکه خلاف اقرار نموده باشند البته موضوع اقرار در اقرار خط های رسمی تنها به اقرار مقرین پایان نیافته بلکه دو نفر شاهد بلفظ "اشهد" ادعای شهادت مینمایند طوریکه در ترتیب اقرار خط فوقاً تحریر نمودم شاهدان بیان میدارند که مقرون و مقر لهما را معرفت کامل داریم نام بدل چهره بدل حاضر محکمه نگردیده در صورت خلاف و کذب مسؤل و جوابده میباشیم اشهاد شاهدان به الفاظ شرعی که قبلاً یاد آوری گردید قرار ذیل است :

الف : مقرون و مقر لهما را معرفت کامل داریم در این کدام مسولیت که متوجه شاهد میشود اینست که باید مقرون و مقر لهما را معرفت کامل داشته و متوجه مسولیت های مادی و معنوی دنیوی و اخروی بوده و در ضمن از یک موضوع بزرگ که همانا سبب جعل و تزویر میگردد جلوگیری به عمل آید در این اقرار خط چون از طرف هیات قضائی احکام آن صادر و مذاقه صورت میگیرد معلوم هست که قضات اشخاص مسلکی و به امور شریعت آگاهی دارند اما غرض جالبیت موضوع بحث خویش میخواهیم که بیان نمایم که مبنی این اقرار خط نیز رعایت احکام شریعت و قانون میباشد که از جمله یکی از مبنی

^۱ - روفی، عین الله، رهنمای وثایق صفحه (۱۶).

های دقت در موضوع تذکره تابعیت است قابل ذکر است که در حین ثبت نمبر و جلد و صفحه تذکره و سن مندرج آن لازم است که تاریخ صدور و محل صدور آن نیز درج وثیقه شود.^۱

لهذا بخاطر جلوگیری از جعل و قاچاق در مورد این نوع وثایق که همانا اقرار خط محرمیت است توجه بیشتر محاکم در مورد مقرر مقررلهما و شاهدین طوریکه قبلاً متذکر شدم باید دارای همان شرایط و احکام بوده باشد در غیر آن صورت اقرار آنها درج اقرار خط نمیگردد و پرا یکطرف مهم که همانا بنیاد این اقرار خط و تسمیه آن به این بوده که مشروعیت و رسمیت و قدرت آن از همین اقرار مقررین میباید پس لازم است که مقررین دارای همان شرایط شرعی و قانونی بوده باشد که قبلاً در مورد به تفصیل بحث صورت گرفت و در صورت خلاف اگر اقرار نمایند بر علاوه مسؤلیت های اخروی که همانا زندگی یک مسلمان برای سعادت اخروی بوده دارای مسؤلیت های دنیوی نیز بوده که در مورد مقررین اگر خلاف اقرار نموده باشد و به مبنی آن این اقرار خط ترتیب گردد عواقب و آثار که از این اقرار خط به میان می آید متوجه همین مقررین که خلاف واقع اقرار نموده اند بر میگردد؛ البته این مسولیت که متوجه مقررین میگردد متوجه مقرر له نیز بوده که به تبانی آن سند مذکور ترتیب گردیده و اشهاد شهود را که شریعت و قانون قید نموده که در هر اقرار خط لازم است که دونفر شاهد اشهاد شرعی نمایند بر علاوه اینکه این دو نفر شاهد در هر وثیقه خصوصاً اقرار خط که موضوع بحث ما بوده دارای شروط حمل شهادت اعم از اهلیت، حریت، عدالت، مروت، علم بر مشهود به، اختیار، اسلام، نطق، عدم تهمت، صیغه شهادت و مجلس قضا معلوم است که اعتبار شهادت ناشی از دو علامه فقهی و حقوقی است : ۱- درک و فهم درست از واقعه. ۲- صداقت در بیان و راستگویی. به عبارت دیگر، پذیرش سخن شاهد به عنوان دلیل بر واقعه مورد اخبار، مستلزم این است که، در مرحله نخست، شاهد واقعه را بنحوی درک کند؛ فهم او از استنتاج از محسوسات به خطا نرود و با تخیل و آرمان های شخصی او مخلوط نشود. در مرحله دوم، آنچه را شاهد به یاری حس و فهم خود در یافته است، با صداقت بیان کند و عاجل خارجی با فتنه های درونی و پرا به بی راهه نمی برد. بنابراین، ادای شهادت از جانب شاهد جواز ندارد مگر به چیزیکه از آن علم دارد. زیرا، خداوند جل جلاله میفرماید : ۱- (إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ)^۲ ترجمه : یعنی : مگر کسانی که آگاهانه برحق شهادت و گواهی داده و خدا را به یگانگی پرستیده باشند. ۲- (وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ

^۱ - روفی، قضاوتپوه عتیق الله ثبت اسناد و وثایق صفحه (۲۴۱)
^۲ - الزخرف : (۸۶)

بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا^۱ یعنی : از چیزی دنباله روی مکن که از آن نا آگاهی. بیگمان (انسان در برابر کار هائیکه) چشم، گوش و دل همه (وسایر اعضا دیگر انجام میدهند) مورد پرس و جوی از آن قرار میگیرد که مقرین دارای همان شرایط باشد که در فصل اول این بحث از آن متذکر شدم در غیر آن محاکم اقرار آنها را درج هیچ وثیقه شرعی نمی نماید و یکی از مشکلات عمده در جامعه ما این هم بوده هنگامیکه شخص مراجع و متقاضی از طرف اداره مربوط خصوصاً محاکم به تکمیل آن هدایت داده میشود مثلاً چند نفر مقرر چند نفر شاهد حضور مقرر له داشتن تذکره تابعیت و امثال آن این موارد که ضرورت اساسی قانونی در هر وثیقه بوده به عوض تکمیل این موارد به موارد خلاف قانونی دست میزند و یا از محاکم مطالبات خلاف قانون را نموده و یا به عقب را های خلاف مشروع میگردد که این عمل از دو جهت یکی تبلیغات زهرآگین بر علیه نظام قضائی کشور و دوم کارشکنی و سوء استفاده هر دو دست را بدست هم داده بی باوری ملت را به دولت و خصوصاً محاکم به بار آورده که میتوان این معضله را از طرف همین مراکز علمی و بکار انداختن سیمینار ها کنفرانس ها مقالات علمی و تشویق نسل جوان به مطالعات حقوقی، فقهی و سمت و سوی آنها بطرف تحقیق های علمی پوهنتون های ملی و بین المللی این بی باوری را بر طرف نموده قابل ذکر است که در اینصورت هم اعتماد مردم بالای محاکم بالا رفته و از طرف ها اسناد رسمی خصوصاً اقرار خط های رسمی که موضوع بحث ما بوده مشکلات حال و منازعات بعدی را بر طرف می نماید زیرا در اقرار خط های رسمی دو خصیصه وجود دارد : ۱- در نظر گرفتن معیار های شرعی و قانونی که همانا مکلفیت قضات و منسوبین محاکم میباشد. ۲- چون اقرار خط های رسمی اسناد معتبر وثیقه شرعی دولتی بوده در اوراق بهادار دارد و دو نقل سر پارچه و کنده بوده و در قبال خود مؤیدات قانونی را در قبال دارد و دارای تضمین دولتی میباشد که در مورد ماده (۲۸۴) قانون اصول محاکمات مدنی چنین مشعر است : ((اسناد رسمی بالای مقرر و رثه و قایم مقام وی قبل از دوران دعوی مدار اعتبار و دلیل الزام است.))^۲

مبحث هشتم : اقرار انصراف از نامزادی و آثار آن

مطلب اول : ترتیب اقرار خط انصراف از نامزادی

در اینجا نامزادی بمفهوم واقعی اش میباشد نه به مفهوم مروجه اش در صورتیکه یکی از طرفین انصراف کند اقرار خط فوق ترتیب میشود. در ستون مقرر شهرت شخص انصراف کننده و در ستون مقرر له تحدید میگردد نصب فوتو ذکر نمبر تذکره و اخذ نشان انگشت شاملین وثیقه امر ضروری است.

^۱- الاسراء : (۳۶)

^۲- قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان ماده (۲۸۴)

ستون موضوع : مقرر مذکور یا مقرر مذکور وثیقه هذا در حالیکه دارای اهلیت قانونی خود بود طی عریضه مطبوع نمبر () مورخ / / ۱۳ حاضر محکمه هذا گردیده و راجع به انصراف از نامزادی خود با () بنت () و یا () ولد () قرار ستون تشریحات اقرار مینماید.

ستون تشریحات : حاضر آمد در محکمه () در حالیکه دارای اهلیت شرعی خود بود اقرار نمود بدین وجه که من مقرر یا مقرر با () ولد () یا () بنت () نامزاد شده و وعده ازدواج نمودم بنابر آن من از ازدواج با آقای یا مسلمات مذکور انصراف نمودم در اقرار خویش صادق بوده و در صورت خلاف مسؤل و جوابده قانونی میباشم اقرار خط فوق که بنام وثیقه اقرار خط نیز یاد میگردد محصولی نبوده صرف قیمت آن طبق لایحه اخذ و تحویل خزانه دولت میشود.^۱

مطلب دوم : اثر اقرار خط انصراف از نامزدی

خواستگاری یک شخص و ابراز موافقه توسط جانب مقابل و یا نماینده قانونی وی، به این مفهوم نمی باشد که ، عقد ازدواج به صورت فوری و آنی میان طرفین منعقد گردیده است، بلکه این خواستگاری و قبولی از جانب مقابل صرفاً به منزله وعده به ازدواج بوده، به نحوی که هر کدام از طرفین میتوانند از آن منصرف شوند.

در جریان مدت نامزدی بعضاً ممکن است، یکی از نامزدها (اکثراً مرد) یک قسمتی از مهر و بعضی تحایف را به جانب مقابل تقدیم نماید؛ و یا اینکه جهت آمادگی برای ازدواج، به همین ترتیب ممکن است که خانه را به کرایه گرفته باشد به همین ترتیب ممکن است که زن نیز به خاطر تهیه وسایل معیشتی و خرید جهیز یک سلسله مصارفی را متحمل شده باشد سوالی که مطرح میشود این است که در صورت برهم خوردن نامزدی آثار و نتایج حقوقی این گونه مصارف چگونه خواهد بود ؟ جهت پاسخ دادن به این سوال نظریات فقهای اسلامی قرار ذیل ارائه کنیم. نظریات فقهای اسلامی در صورتی که هر دو طرف و یا یکی از ایشان از نامزدی منصرف شوند، این گونه انصراف صحت داشته و احکام خاصی در مورد اشیایی که به عنوان هدیه داده شده و ضرر های که از اثر فسخ نامزدی به یکی از ایشان عاید شده است، وجود دارد که قرار ذیل است : مطابق نظر حضرت امام اعظم ابوحنیفه (رح) هدیه که به نامزاد داده شده حکم هبه را داشته و تا زمانیکه موانع رجوع از هبه وجود نداشته باشد، واهب میتواند از آن رجوع

^۱- روفی، عین الله، رهنمای وثایق صفحه (۱۵).

کرده و موهوبه را دوباره پس بگیرد. البته مطابق نظر مذهب حنفی موانع رجوع از هبه در حالت ذیل مطرح شده میتواند.

- ۱- زیادت در موهوبه صورت گرفته باشد.
- ۲- واهب یا موهوب له فوت نماید.
- ۳- هبه در مقابل عوض صورت گرفته باشد.
- ۴- موهوبه از تصرف موهوب له خارج شده باشد.
- ۵- در هنگام هبه رابطه زوجیت میان واهب له وجود داشته باشد.
- ۶- عین موهوبه نزد واهب له هلاک گردیده باشد.

با در نظر داشت شش حالت فوق الذکر میتوان گفت، که اگر نامزد به جانب مقابل خود تکه را اهدا کرده و نامز دیگر از آن تکه برای خود لباس تهیه کرده باشد و یا این که تکه سفید را برایش اعطا کرده ولی جانب مقابل آنرا رنگ کرده باشد، و یا اینکه شی اصلاً در نزد نامزد موجود نباشد، یعنی هدیه هلاک یا استهلاک گردیده باشد، در حالات فوق، هدیه دهنده نمی تواند استرداد این گونه هدایا را از جانب مقابل تقاضا نماید.

مطابق نظر امام مالک (رح) اگر انصراف از جانب مرد صورت گرفته باشد حق رجوع بر هدیه را ندارد. برعکس اگر انصراف از جانب زن صورت گرفته باشد مرد می تواند استرداد آنرا از جانب مقابل تقاضا نماید. مطابق نظر امام مالک (رح) اگر انصراف از جانب مرد صورت گرفته باشد حق رجوع بر هدیه را ندارد. برعکس، اگر انصراف از جانب زن صورت گرفته باشد حق رجوع بر هدیه را ندارد. برعکس اگر انصراف از جانب زن صورت گرفته باشد مرد میتواند استرداد آنرا از جانب مقابل تقاضا نماید. به همین ترتیب اگر هدیه هلاک یا استهلاک شده باشد، اگر اشیای مثلی باشد مثل آن و اگر اشیای قیمی باشد، قیمت آن دوباره به هدیه دهنده مسترد می شود.

این نکته را نباید فراموش کرد که از نقطه نظر فقهای اسلامی تمام مذاهب به این امر وحدت نظر دارند که اگر در دوره نامزدی یک طرف مرد تمام مهر یا یک قسمت آنرا به جانب مقابل تادیه کرده باشد، در صورت انصراف از نامزدی مرد حق استرداد آنرا در هر صورت می داشته باشد، زیرا مهري که به جانب مقابل پرداخته میشود، از جمله آثار و نتایج حقوقی عقد ازدواج میباشد. معمولاً این گونه مهریه زن

به منظوری پرداخته میشود، که نامزدی منجر به ازدواج خواهد شد. و قتیکه این هدف بر آورده نگردد، زن یا ولی او به اعاده اصل مهر مکلف دانسته میشود.

قانون مدنی کشور ما نیز حالات وجوب مهر را روشن ساخته و در ماده (۹۸) خود چنین حکم میکند: ((کل مهر با وطی، خلوت صحیحه یا وفات یکی از زوجین گرچه قبل از دخول یا خلوت صحیحه صورت گرفته باشد لازم میگردد.^۱

با در نظر داشت حکم ماده متذکره فوق، اگر در میان طرفین در جریان نامزدی وطی و خلوت صحیحه صورت نگرفته باشد، و یا اینکه یکی از طرفین فوت نکرده باشد و ایشان نامزدی را فسخ کند مهري که قبلاً پرداخته شده قابل استرداد دانسته می شود.^۲

نمونه قرار قضائی محکمه احوال شخصیه در مورد صدور حکم بر فسخ نامزدی

بالاثر عریضه مطبوع / / ۱۳۹۸/ مسما ت ش نامه بنت خان که میخواست با ج نام ولد سید ازدواج نماید که طبق تعامل اداری طی استعلام از پدر و مادر موصوف پرسش به عمل آمد. موصوفان در جواب استعلام، ش نامه با شیر ولد احمد پسر کاکایش نامزاد شده بیان و تحریر داشته است. بعداً ش نامه بنت خان جدیداً طی عریضه مطبوع () مورخ / / ۱۳۹۸/ خویش مطابق ماده (۶۴) قانون مدنی خواهان فسخ نامزدی خویش با شیر ولد احمد شده است بالاثر عریضه و تقاضای ش نامه جلسه قضائی دایر گردید که ما هیات قضائی چنین تصمیم اتخاذ نمودیم.

نص قرار:- بنابر گزارش و دلایل فوق هیئت قضائی محکمه ابتدائیه احوال شخصیه مرکز ولایت () در جلسه قضائی تاریخی / / ۱۳۹۸/ باتفاق آرا با در نظر داشت احکام ماده (۶۴) قانون مدنی و ماده (۱۰۲) قانون اصول محاکمات مدنی به فسخ نامزدی مسما ت ش نامه بنت خان با شیر ولد احمد تصمیم اتخاذ نمودیم. اسامی شیر نام اگر کدام ادعای داشته باشد مطابق ماده (۶۵) قانون مدنی^۳ میتواند هدایای خود را از نزد مسما ت ش نامه اخذ بدارد شعبه اداری اوراق را به مرجعش گسیل دارند.

^۱ - قانون مدنی افغانستان جلد اول جریده رسمی شماره (۳۵۳) مورخ ۱۳۵۵/۱۰/۱۵ هـ ش

^۲ - عدالت خواه، پوهندوی عبدالقادر، حق فامیل. سال طبع ۱۳۸۷. چاپخانه: بنگاه انتشارات و مطبعه میوند کابل افغانستان (۳۹/۱ - ۴۰)

^۳ - قانون مدنی افغانستان جلد اول صفحه (۴۷)

مبحث نهم : اقرار خط تصدیق اهلیت و شخصیت

مطلب اول : ترتیب اقرار خط تصدیق اهلیت و شخصیت

بعضی اوقات پولیس یا خرنوال در هویت شخص شک پیدا میکند طی مکتوبی از محکمه خواستار ترتیب اقرار خط فوق را نموده که بنام وثیقه تصدیق اهلیت و شخصیت نیز مسمی میشود. ترتیب وثیقه در ستون مقر شهرت اهالی و در ستون مقر له اقرار خط تصدیق اهلیت و شخصیت و در ستون شهود نام شهود درج میگردد البته نصب فوتو، ذکر نمبر تذکره و اخذ نشان انگشت شاملین در وثیقه امر حتمی است.

ستون موضوع : مقرون مذکورون در حالیکه دارای اهلیت قانونی خود بودند و می باشند به محکمه هذا حاضر گردیدند و اقرار نمودند بدین وجه که ما مقرون () ولد () ساکن () را معرفت کامل داریم اهلیت و شخصیت وی را تائید میداریم و به اسم و نصب وی شخص دیگر وجود ندارد و دو نفر شاهدان نیز در حالیکه دارای اهلیت شرعی و حقوقی بودند اشهاد شرعی نمودند بدینکه مقرون مذکورون را معرفت دارم نام بدل اقرار نکرده در صورت خلاف مسؤل و جوابده میباشیم. در صورتیکه شخص مورد نظر حاضر باشد فوتویش در حاشیه وثیقه اقرار خط نیز نصب و بالای آن مهر میگردد.

مبحث دهم : اقرار خط مشرف شدن به دین مقدس اسلام

مطلب اول : ترتیب اقرار خط تشرف به دین مقدس اسلام

ترتیب وثیقه در ستون مقر اسم اسلامی وی با اسمای اب و جد وی که مسلمان نبوده اند همانطوریکه در پاسپورت یا تذکره تابعیت وی درج است داخل میشود و در ذیل آن اسم سابقه وی در حال کفر داشته تحریر میشود که قبل از اشراف به دین مقدس اسلام به () مسمی بوده و در ستون موضوع مقر مذکور در حالیکه دارای اهلیت شرعی خود بود طی عریضه مطبوع () به محکمه هذا حاضر گردید و راجع به اشراف خود بدین مقدس اسلام قرار ستون تشریحات اقرار می نماید.

ستون تشریحات : بتاریخ مذکور بحضور محکمه شرعیه بحالت صحت عقل و نفاذ جمیع تصرفات شرعیه خود بدون الجبر و الاکراه چنین اقرار و اعترافات صحیح و شرعی نمود که موضوع مذکوره :-
مقر مذکور وثیقه هذا حاضر آمد در محکمه در حالیکه دارای اهلیت قانونی خود ها بود. طوعاً اقرار نمود بدین وجه اینجانب () ولد () مسکونه () احکام اجمالی و بعضاً احکام تفصیلی دین مقدس اسلام را تحت مطالعه خود قرار دادم علاقه مفرط نسبت به دین مقدس اسلام برایم پیدا شد و مرا قرار به آن شد تا به این دین جهان شمول مشرف شوم (بنابر آن به خواندن کلمه طیبه (اشهد

ان لاله الا الله و اشهد ان محمد عبده و رسوله) بدین مقدس اسلام مشرف گردیدم در آینده در ساحه همین دین آسمانی امرار حیات نموده و احکام دین مقدس اسلام را عملی می نمایم در اقرار خویش صادق بوده و میباشم بعد از سمع اقرار مقرر مذکور اسم شرعی عبدالله بالای وی گذاشته شد و برایش توصیه شد که از علماء مذهبی تعلیمات دین مقدس اسلام را فرا گیرد. و ارکان پنجگانه اسلام را رعایت نماید و نیز دو نفر شاهدان ادای شهادت نمودند بدینکه مقرر مذکور کلمه توحید را خوانده و به دین مقدس اسلام مقرر اختیاری میباشد سند هویت اش دیده میشود مانند پاسپورت یا سند هویت و اخذ نشان انگشت شاملین وثیقه امر حتمی است. اقرار خط فوق که بنام وثیقه اشراف به دین مقدس اسلام نیز نامیده میشود محصولی نبوده صرف قیمت آن طبق لایحه از طرف محکمه اخذ و تحویل خزانه دولت میشود.^۱

مطلب دوم : اثر اقرار خط اشراف بدین مقدس اسلام

هر غیر مسلمانی که بدین مقدس اسلام مشرف میگردد در صورت ضرورت از اقرار وی وثیقه اقرار خط اشراف بدین مقدس اسلام طوریکه در مطلب اول این مبحث متذکر شدم ترتیب شده میتواند طوریکه در ترتیب این اقرار خط تحریر گردید شخص مقرر بر علاوه بر شروطیکه یک مقرر می داشته باشد که شروط و احکام آن در فصل اول مورد بحث قرار گرفت و به اثری که وی را وادار به اشراف دین حق و یگانه دین نزد الله جل جلاله نموده بیان مینماید مثلاً : من به اثر مطالعاتی که در دین مقدس اسلام نمودم برایم ثابت گردید که دین مذکور یک دین خاطر خواه، معقول سعادت دارین انسان میباشد بنابر آن ((اشهد ان لاله اله الله و اشهدان محمد رسول الله)) بعد از این تاریخ احکام و نواهی دین مقدس اسلام را با کمال متانت و صداقت رعایت و به حیات خود در سایه دین مقدس اسلام ادامه میدهم.^۲

اثری که این اقرار خط بجا میگذارد یکی هم این است که شخص به اشرافش به دین مقدس اسلام اگر مشرک غیر کتابی بوده باشد زن وی یا اینکه به دین مقدس اسلام مشرف میشود و به زندگی با سعادت خود ادامه میدهد و یا اینکه نکاح آن زن مشرکه غیر کتابیه با این مقرر که به اسلام مشرف شده فسخ گردیده و وی میتواند زن مسلمان را به نکاح شرعی به عقد نکاح خود بیاورد که در مورد الله متعال در قرآنکریم چنین هدایت فرموده است.

^۱ - روفی، عین الله، رهنمای وثایق صفحه (۳۴)

^۲ - روفی، قضاوتپوه عنیق الله ثبت اسناد و وثایق صفحه (۲۳۶)

((وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَا أُمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَا أُعْجَبُكُمْ أَوْلِيَكُمْ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ))^۱

ترجمه :- و بزنی میگردید زنان مشرک را تا آنکه ایمان آرند و هر آینه کنیز مسلمان بهتر است از زن مشرک اگر چه به شگفت آورده باشد شما را و بزنی ندهید به مشرکان تا آنکه ایمان آرند (زنا مومنه را) و هر آینه غلام مسلمان بهتر است از مشرک اگر چه به شگفت آورده باشد شما را ((یعنی هر بنده از بندگان خدا که مومن باشد و هر کنیز از کنیز های خدا که مومنه باشد بهتر است از مشرک و مشرکه والله اعلم.

دوهم اینکه سند در تابعیت و یا پاسپورت وی مسلمان بنابه همین اقرار خط تحریر میگردد که این اشراف وی بنابه ترتیب همین اقرار خط مواضع مقدس که مشرک از رفتن به آن منع بوده برایش حلال و رواه و مانند برادران و خواهران دیگر مسلمان خود آزادانه در آن با افتخار اشتراک می نماید مانند سفر حج و عمره که در مورد الله متعال در قرآنکریم چنین هدایت فرموده است : ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ حَبِطْتُمْ عَلَيْكُمْ فَعَسَافٌ فِئْتَمُّ عَنِ اللَّهِ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ))^۲

ترجمه :- ای مسلمانان جز این نیست که مشرکان پلید اند پس باید که نزدیک نشوند به مسجد حرام بعد از این سال شان و اگر میترسید تنگدستی را پس توانگر خواهد ساخت شما را خدا از فضل خود اگر خواهد هر آینه خدا دانای درست کار است.

سومین اثر آن همان نا تابع بودن اولاد صغیر وی برای وی بوده زیرا وی خیرالابوین به حساب می گردید در صورتیکه زن وی در شرک باقی بماند. در صورتیکه زن را خداوند این سعادت نصیب فرمود و به دین مقدس اسلام مشرف گردید در این صورت اگر شوهر وی ولوکه کافر اهل کتاب و یا مشرک مطلق بوده باشد در این صورت وی بالای آن حرام بوده و نکاح آنها فسخ میگردد و در صورت داشتن حمل و یا طفل برای وی تعلق میگیرد زیرا وی خیرالابوین شمرده میشود.

چهارمین اثر این اقرار خط همانا مکلفیت وی به تطبیق احکام الهی بوده در صورت ارتکاب عمل خلاف شریعت من حیث یک مسلمان احکام شریعت بالای وی تطبیق میگردد خلاصه از مزایای مادی و معنوی

^۱ - سوره بقره، آیه (۲۲۱)

^۲ - سوره توبه، آیه (۲۸)

این دین حق استفاده کرده میتواند و این اقرار خط اثر بزرگ آن این هم است که العیاذ بالله اگر شخصی دوباره از این دین حق بعد از اقرار رسمی و درج آن در اقرار خط احکام ارتداد بالای و تطبیق می‌گردد و بلاخره این انسان مسعود مکلف به تمام احکام دین که بالای یک مسلمان لازم است میباشد.

قبلاً متذکر شدم از تمام مزایای آن مستفید می‌گردد چون بحث ما تنها اثر همین اقرار خط بوده لذیه وارد شدن به بحث اشراف به دین و ارتداد و اینکه نکاح مسلمان با کافر و یا کافر اهل کتاب ایجاب بحث های طویل را می نماید که از حوصله بحث ما خارج میباشد.

مبحث یازدهم : اقرار خط رسید مال مسروقه

مطلب اول : ترتیب اقرار خط رسید مال مسروقه

ترتیب وثیقه در ستون مقر شهرت مالک مال و در ستون مقر له اداره پولیس یا خرنوالی و در ستون شهود نام شهود درج می‌گردد البته نصب فوتو ذکر نمبر تذکره و اخذ نشان انگشت شاملین وثیقه امر حتمی است در حالیکه دارای اهلیت شرعی و قانونی خود بود به محکمه هذا حاضر گردید ستون موضوع مقر مذکور و راجع به رسید اموال مسروقه ذیل خود ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - قرار ستون تشریحات اقرار مینماید.

ستون تشریحات : بتاریخ مذکور بحضور محکمه شرعیه بحالت صحت عقل و نفاذ جمیع تصرفات شرعیه خود بدون الجبر و الاکراه چنین اقرار و اعترافات صحیح و شرعی نمود که در موضوع مذکوره مقر مذکور در حالیکه دارای اهلیت قانونی خود بوده می باشد حاضر آمد به محکمه هذا و طوعاً اقرار نمود بدین وجه که اموال داخل ستون موضوع ملکیت من به سرقت برده شده بود ولی به اثر فعالیت پولیس سارق دستگیر گردید و اموال مسروقه من را از نزدش استحصال نمودند حال من تمام اموال مندرج موضوع را اخذ و قبض و تسلیم نمودم و در اقرار خود صادق میباشم و دو نفر شاهدان نیز ادای شهادت نمودند بدینکه مقر مذکور را معرفت دارم نام بدل اقرار نکرده در صورت خلاف مسؤل و جوابده می باشیم.^۱

مطلب دوم : اثر اقرار خط رسید مال مسروقه

این اقرار خط که قبلاً متذکر گردیدم در صورتی ترتیب می‌گردد که مال مسروقه بدست آمده برای مالک وی تسلیم می‌گردد اکثراً اموال بدست آمده توسط پولیس طی فورم استرداد برای متضرر قضیه سپرده

^۱ - روفی، عتیق الله، رهنمای وثایق صفحه (۳۶)

میشود که فورم مذکور ضم اوراق دوسیه میگردد و بسا اوقات مال مسروقه از نزد متهم بدست می آید از اینکه هر سند خارج از محکمه بر علاوه اینکه یک سند رسمی بوده اما از قوت سند رسمی برخوردار نمی باشد که غرض جلوگیری از منازعات و فصل خصومات مال مسروقه که برای متضرر قضیه استرداد میگردد طی وثیقه شرعی مسترد میگردد که این وثیقه بنام اقرار خط رسید مال مسروقه بوده و طرز ترتیب آن را قبلاً متذکر گردیدیم در صورت انکار متهم از جرم ارتكابی سرقت این اقرار خط علیه وی دلیل بوده و در صورت انکار متضرر قضیه از رسید مال مندرج این اقرار خط این سند مذکور علیه وی دلیل بوده که اثر عمده این اقرار خط طوریکه متذکر شدم همانا فصل نزاع احتمالی و دلیل قوی به اثبات جرم میباشد. اما بسا اوقات چنین هم واقع میشود که مال مسروقه بدست پولیس آمده و متهم بنابه هر عاملی قادر به بردن آن نشده برای متضرر تسلیم میگردد.

مبحث دوازدهم : اقرار خط رسید مال صغیر

مطلب اول : ترتیب اقرار خط رسید مال صغیر

زمانیکه صغیر به اهلیت حقوقی خود میرسد و میخواهد که اموال خود را از وصی تسلیم شود به محکمه مراجعه نموده خواهان ترتیب وثیقه فوق میگردد. ترتیب اقرار خط که بنام وثیقه تسلیمی مال صغیر نیز مسمی گردیده در ستون مقرر شهرت صغیر که به سن رشد رسیده و در ستون مقرر له شهرت ولی و در ستون شاهدان معرفت نام شاهدان تحریر میگردد با ذکر نمبر خصوصی جلد و صفحه تذکره نسب فوتو ذکر نمبر تذکره و اخذ نشان انگشت شاملین وثیقه امر ضروری است. ستون موضوع مقرر مذکور راجع به تسلیمی اموال مندرج وصایت خط نمبر () مرتبه محکمه () اموال ذیل را ۱-۲-۳ قرار ستون تشریحات اقرار می نماید.

ستون تشریحات : مقرر مذکور (صغیر) در حالیکه دارای اهلیت شرعی و حقوقی خود بود طی عریضه مطبوع () مورخ / / ۱۳ حاضر محکمه هذا گردیده و چنین اقرار نمود () ولد () مقرر مذکور از طرف محکمه در حین صغارتم بحیث وصی حفظ اموال مقرر شده بود چون حالا به سن رشد رسیدم اموال مندرج وصایت خط نمبر () مرتبه () و نیز اموال داخل ستون موضوع را بصورت کل و تام از ید مقرر له مذکور که وصی هم بود اخذ و قبض و تسلیم شدم در اقرار خود صادق بوده و میباشم و دو نفر شاهدان در حالیکه اهلیت شرعی و حقوقی خود طوعاً اشهاد شرعی نمود بدینکه مقرر صغیر و مقرر له (وصی) را معرفت کامل دارم مقرر مذکور نام بدل اقرار نکرده در

صورت خلاف مسؤل و جوابده قانونی میباشیم قیمت وثیقه فوق طبق لایحه اخذ و تحویل خزانه دولت میشود.

مطلب دوم : اثر اقرار خط رسید مال صغیر

از اینکه برای صغیر قبلاً از طرف محکمه برای جلوگیری از مال صغیر طی دفتر محاسبه اوصیاء اموال صغیر درج و به وصی وی سپرده میشود اما وقتی صغیر به سن مکلفیت خود یعنی زمانیکه صغیر (۱۸) سالگی را تکمیل نمود به اثر تقاضای وصی یا خود صغیریکه به سن رشد رسیده هیات قضائی محکمه در مورد اینکه صغیر سن رشد را تکمیل کرده مطالعه و بعداً با وصی حفظ اموال در مورد اموال و عواید آن محاسبه نموده پس از محاسبه اموالیکه در متن وصایت درج است و نیز اموال و مبالغیکه در دفتر محاسبه اوصیاء درج بوده و نیز پول و اموالیکه بعد از محاسبه با وصی تثبیت میگردد لستی را تهیه و از اقرار صغیریکه سن هجده را تکمیل کرده از کتاب اقرار خط رسید مال صغیر بطوریکه در مطلب اول تذکر گردید ترتیب میگردد اقرار خط از اقرار صغیریکه به سن رشد رسیده باشد گرفته شود مثلاً محترم احمد شامل تعرفه مقرر له مذکور قرار وصایت خط نمبر () مرتبه محکمه () قبلاً وصی من به حفظ اموال و سرپرستی ملکیت من مقرر بوده حال من به سن رشد قانونی رسیده ام محکمه همراهی وی محاسبه نموده در نتیجه اموالم طور تمام و کمال از ید مقررله مذکور وصی سابقه ام اخذ و قبض شرعی خود نمودم و تسلیم شدم که در وقت ترتیب این اقرار خط وصی هم حاضر میباشد اثر این اقرار خط قطع نزاع رفع خصومت و رفع مسؤلیت از وی و رفع اعتراض از طرف مقرر یا طفل بالغ که حال مال خود را تسلیم شده میباشد.^۱

مبحث سیزدهم : اقرار خط تصدیق ازدواج و اثر آن

مطلب اول : ترتیب اقرار خط تصدیق ازدواج

این اقرار خط که بنام وثیقه تصدیق ازدواج نیز نامیده میشود در صورتی ترتیب میگردد که نکاح خط نداشته باشد و ازدواج شان تا الحال باقی مانده باشد. در ستون مقرر سه نفر مقرر ستون مقرر له اقرار خط تصدیق ازدواج میباشد ستون موضوع مقرون مذکورون در حالیکه دارای اهلیت شرعی و حقوقی خود بودند بالانثر عریضه مطبوع () مورخ / / ۱۳ () ولد () به محکمه هذا حاضر گردیدند و راجع به ازدواج () ولد () با () بنت () قرار ستون تشریحات اقرار می نمایند.

^۱ - روفی، قضاوتپوه عتیق الله ثبت اسناد وثایق صفحه (۱۷۸)

ستون تشریحات : ستون تشریحات مقرون مذکورون وثیقه هذا در حالیکه دارای اهلیت قانونی خودها بودند و می باشند بالاثر عریضه مطبوع نمبر () مورخ / / ۱۳ () ولد () ولد () به محکمه حاضر گردیدند و طوعاً بدین وجه اقرار نمودند ما مقرون مذکورون () ولد () و () بنت () را معرفت کامل داریم و اوشان باهم زن و شوهر میباشند در اقرار خودها صادقین بوده و میباشیم و دو نفر شاهدان در حالیکه عاقل و بالغ و رشید بودند اشهاد شرعی نمودند بدینکه مقرون مذکورون را معرفت داریم نام بدل اقرار نکرده در صورت خلاف مسؤل و جوابده می باشیم.^۱

مطلب دوم : اثر اقرار خط تصدیق ازدواج

طوریکه در مطلب اول این مبحث راجع به ترتیب این اقرار خط تذکر به عمل آمد این اقرار خط دارای آثار بوده از جمله شخصیکه این اقرار خط را ترتیب نموده در ایام سفر به غرض گرفتن پاسپورت و ویژه مشکل قانونی نداشته و این اقرار خط سند نکاح وی بوده در صورتیکه شخص اقرار خط فوق را ترتیب و بعداً وی وفات نمود این اقرار خط قویترین سند نکاح بوده لهذا مقرر لهما (عاقدین) میتواند به اثر همین اقرار خط تمام حقوق، امتیازات و مکلفیت های خود را ادا نماید اغلباً این اقرار خط به غرض سفر خارج از کشور خصوصاً غرض ادای حج و عمره ترتیب میگردد و زمانی این اقرار خط ضروری میگردد که شخص قبلاً عقد نکاح نموده و ثمره ازدواج داشته باشد که در این صورت اسمای تمام آنها با ذکر نمبر تذکره صفحه و جلد درج همین اقرار خط میگردد و همچنان یکی از زوجین یا هر دو در خارج از کشور بوده و به نحوی برای تصدیق زوجیت شان ضرورت می افتد در اینصورت اقرار خط فوق ترتیب و غرض رفع مشکل برای خود شخص و یا یکی از اقارب آنها که برای ترتیب آن به محکمه مربوطه و یا آمریت ثبت وثایق عارض گردیده تسلیم میشود.^۲

مبحث چهاردهم : اقرار خط پلوان شریکان

مطلب اول : ترتیب اقرار خط پلوان شریکان

این اقرار خط متمم وثیقه ضمانت خط میباشد. در مرحله اول ضمانت خط ترتیب میگردد بعداً اقرار خط پلوان شریکان که بنام وثیقه اقرار خط پلوان شریکان نیز یاد میشود که وثیقه اقرار خط پلوان شریکان با وثیقه ضمانت خط هر دو لازم و ملزوم یکدیگر اند. ترتیب اقرار خط پلوان شریکان با وثیقه پلوان شریکان در ستون تعرفه مقرر : شهرت مقرران و در ستون مقرر له : اقرار خط پلوان شریکان و در ستون

^۱ - روفی، عین الله، رهنمای وثایق صفحه (۱۹)

^۲ - روفی، قضاوتپوه عنیق الله، ثبت اسناد و وثایق صفحه (۲۴۳)

شهود شهرت شهود تحریر می‌گردد البته نصب فوتو اخذ نشان انگشت شاملین وثیقه امر حتمی است. در ستون موضوع تحریر می‌گردد: مقران مذکوران در حالیکه دارای اهلیت حقوقی خود ها بودند به محکمه هذا حاضر گردید و راجع به خریداری جایداد مندرج ضمانت خط نمبر () قرار ستون تشریحات اقرار می نمایند.

در ستون تشریحات: چنین تحریر می‌گردد بتاريخ مذکور بحضور محکمه شرعیه به حالت صحت عقل و نفاذ جمیع تصرفات شرعیه خود بدون الجبر و الاکراه چنین اقرار و اعترافات صحیح و شرعی نمود که در موضوع مذکوره حاضر آمدند در محکمه () مقران مذکوران در حالیکه دارای اهلیت حقوقی بودند و چنین اقرار نمودند محترماً () ولد () ضامن قرار ضمانت خط نمبر () جایداد مندرج ضمانت خط مذکور را غرض تعیین برای تقرر () ولد () در تحت تضمین قرار داده است ما مقران تصدیق میداریم که جایداد مذکور معادل مبلغ تضمین که عبارت است از دو لک افغانی قیمت دارد و حتی ارزش بالاتر از آنرا دارا میباشد بنابر آن هرگاه معتمد مذکور در وظیفه مذکور باقی ده دولت شود ما مقران جایداد مذکور را به قیمت مذکور خریداری می نمایم بدون کدام عذر و حیلہ در اقرار خویش صادقان بوده و میباشیم و دو نفر شاهدان نیز ادای شهادت نمودند بدینکه مقران مذکوران را معرفت کامل دارم نام بدل و بر غلط اقرار نکرده در صورت خلاف مسؤل و جوابده قانونی به دولت میباشیم. بعد از تمام هر دو وثیقه ضمانت خط و اقرار خط ثبت و مهر گردیده ضمن مکتوب علیحده که کاپی آن به اداره املاک غرض استحصال اطمینان از تحت مراقبت قرار دادن راجع می‌گردد و بعداً طی مکتوب تحریر گردیده به اداره استخدام کننده محول می شود تا به استخدام معتمد مبادرت نماید وثیقه مذکور محصولی نبوده صرف قیمت آن طبق لایحه اخذ و تحویل خزانه دولت می‌گردد.

مبحث دوم: اثر اقرار خط پلوان شریکان

در صورتیکه اداره استخدام کننده به منظور تقرر تحویلدار، خزانه دار، کدام دار و یا معتمد از وی تقاضای تضمین جایداد ملکیت غیر منقول معادل مبلغ معین را نماید در اینحال اگر تحویلدار و غیره ملکیت غیر منقول شخص منحصر بخود داشته باشد اداره استخدام کننده طور مکتوبی از محکمه محل عقال یا جایداد تقاضای ترتیب وثیقه ضمانت خط را مینماید در این حال هیات قضائی محکمه یا اداره ثبت اسناد و وثایق مربوط که ملکیت در حوزه قضائی آن قرار دارد سند ملکیت وی را تحت مذاقه قرار میدهد طوریکه خود معتمد مذکور قباله شرعی زمین خود را بدست دارد و ملکیت محضاً و خالصاً از خود وی به شرکت غیر میباشد، در زمینه در فورم دورانی زمین شهرت تضمین کننده اداره استخدام

کننده و آدرس آن نوعیت جایداد، موقعیت، مساحت، حدود اسمای اصحاب حدود و نیز اسمای آباء اجداد شان تحریر و مبلغ معادل تضمین در آن تصریح از طرف رئیس محکمه و یا اداره ثبت اسناد و وثایق امضا شده طی مراحل می‌گردد که بعد از تصدیق ملکیت مطابق احکام قانون تنظیم امور زمین داری نافذه (۱۳۸۷) و معرفی شماره صفحه و جلد کتاب اساس املاکی و قیمت گذاری آن از طرف هیات موظف قیمت گذاری که ارزش آنرا معادل وجه تضمین و یا بالاثر از آن تثبیت نمایند، شخص مذکور در وثیقه ضمانت با دو نفر شاهدان تثبیت هویت شده و بیان میدارد که: من احمد قرار است بحیث () در اداره () مقرر میشوم ولی اداره مذکور از من تضمین یا جایداد معادل قیمت دوصد هزار را تقاضا نموده بنابر آن من مقرر ملکیت مندرج ستون موضوع را که شخصاً از خودم بوده شریک و حقدار دیگری ندارم در بدل مبلغ مذکور تحت تضمین اداره مذکور قرار دادم در آن تصرفات مالکانه مبنی بر بیع قطعی و یا جایزی نمی‌نمایم بالاثر تحت مراقبت قرار داده شود هرگاه بعد از تصفیه حساب باقی دار شدم اداره مذکور حق دارد تا ملکیت مذکور را بفروش رسانیده محصول آنرا به عوض باقی داری ام محاسبه نمایند.^۱ توأم با وثیقه ضمانت خط جایداد عقار لازم است دو نفر اشخاصیکه همجوار و یا در همان منطقه بوده مالک جایداد بوده ملکیت بنام خود بنام مورث خود یا شراکت غیر داشته باشد معلومات ملکیت هر دو نفر که طی اقرار خط مذکور اقرار نموده اند ضمن استعلام علیحده حین احاله فورم دورانی ضمانت خط به مراجع مربوط اداره املاک مربوط اخذ میشود در صورتیکه قیدیت جایداد بنام خود یا مورث یا شرکای شان بوده همین دو نفر مقرر مذکور با دو نفر شهود در وثیقه اقرار خط تثبیت هویت شده که اولاً وثیقه ضمانت خط جایداد غیر منقول در شهریه یا تابلو راجستر و متصل آن اقرار خط مذکور مطلب اول این بحث راجستر می‌گردد و اثر آن این است که غرض حفاظت از مال بیت المال اقرار خط مذکور ترتیب می‌گردد حسب حکم مندرج لایحه ضمانت خط ها حسب تصویب شماره (۱۴۶۱) ضمانت حویلی یا اپارتمان که محل مسکونی شخص میباشد به ضمانت پذیرفته نمیشود مگر اینکه شخص دو دربند حویلی یا اپارتمان رهائشی در ملکیت خود داشته باشد که حویلی یا اپارتمانیکه تحت تضمین قرار می‌گیرد ملکیت منحصر به خود ضامن و حویلی یا اپارتمان دیگر از خود وی یا موروثه مشترک ضامن باشد بالاثر حویلی یا اپارتمان اول و دوم بخاطر تضمین هر دو تحت مراقبت قرار می‌گیرد شرط تضمین حویلی یا اپارتمان مسکونی که شخص دوباتن اپارتمان یا دو باب حویلی داشته باشد بخاطریست که مطابق قانون تحصیل باقیات ملکیت مسکونی شخص در عوض باقی وی جهت حمایه حقوق فامیل وی

^۱ - روفی، قضاوتپوه عنیق الله ثبت اسناد و وثایق صفحه (۱۶۲).

به فروش نمی رسد.^۱ در صورتیکه با شرایط فوق یکی از منازل رهایشی یا اپارتمان رهایشی خود معتمد و یا شخص که ضمانت ویرا نموده تحت تضمین قرار گیرد در اینصورت مشخصات مکمل حویلی یا اپارتمان از قبیل نمبر، موقعیت، مساحت، حدود اسمای اصحاب حدود به اسم ابا و اجداد شان و نمبره تاریخ و محل صدور سند و همچنان مبلغ عوض تعیین نمبر و تاریخ اداره استعلام و محل صدور سند و همچنان مبلغ عوض تضمین نمبر و تاریخ اداره استخدام کنند درج میشود.

مبحث پانزدهم : اقرار خط تصحیح اسم

مطلب اول : ترتیب اقرار خط تصحیح اسم

در مورد ترتیب اقرار خط تصحیح اسم از اهالی منطقه معلومات ذیل گرفته میشود :

۱- آیا () ولد () مشهور به () معرفت دارید یا خیر؟

۲- نام اصلی این شخص چی بوده و به چه نام شهرت دارد؟

بعد از معلومات فوق وثیقه ترتیب میگردد.

ترتیب وثیقه : ستون مقر شهرت سه نفر از اهالی در ستون مقر له اقرار خط تصحیح اسم و در ستون شهود شهرت شهود با ذکر نمبر خصوصی ص — نمبر تذکره و اخذ نشان انگشت شاملین وثیقه امر حتمی است. ستون موضوع مقرون مذکورون در حالیکه دارای اهلیت حقوقی خودها بودند بالائر عریضه مطبوع نمبر () مورخ / / ۱۳ () ولد () به محکمه هذا حاضر گردیدند و راجع به اسم اصلی مقر له مذکور قرار ستون تشریحات وثیقه هذا اقرار می نماید.

ستون تشریحات : بناریخ مذکور بحضور محکمه شرعیه بحالت صحت عقل و نفاذ جمیع تصرفات شرعیه خود بدون الجبر و الاکراه چنین اقرار و اعترافات صحیح و شرعی نمود که در موضوع مذکوره مقرون و مذکورون ستون تعرفه اشخاص وثیقه هذا به محکمه هذا حاضر گردیدند و چنین اقرار نمودند ما مقرون مذکورون مقر له مذکور را معرفت کامل داریم اسم اصلی مذکور () ولد () به جای اسم اصلی اسم () ترقیم شده امید وارم مقر له مذکور تصحیح شود و نیز دو نفر شاهدان در حالت صحت عقل و نفاذ جمیع تصرفات شرعی اشهاد شرعی نمود بدینکه مقرون مذکورون را معرفت

^۱- تصویب (۱۴۶۱) مؤرخ ۱۳۶۰/۱۰/۹ شورای عالی ستره محکمه

داریم نام بدل اقرار نکرده در صورت خلاف مسؤل و جوابده میباشیم اقرار خط مذکور که بنام وثیقه اسم نیز یاد میشود محصولی ندارد صرف قیمت وثیقه اخذ و به خزانه دولت تحویل میگردد.^۱

مطلب دوم : اثر اقرار خط تصحیح اسم

تصحیح اسم هرگاه در اسم شخص مندرج تذکره تابعیت غلطی املائی وجود داشته باشد یا اسم ناقص یا غیر مفهوم باشد یا اسم شخص در تذکره یک اسم بوده اما در بنونخی یا پوهنخی به اسم دیگر شامل گردیده و به همان اسم از پوهنتون فارغ گردیده و در حین ضرورت به تذکره مشکل بروز می کند حالت اول مبنی بر غلطی املائی یا ناقص و بی مفهوم بودن اسم در این حال تصحیح اسم الی سن (۲۲) سالگی که سن بروز جلب عسکری است مطابق ماده (۶۹) قانون ثبت احوال نفوس صرف در عمر یکبار به اثر تقاضای خود طفل یا اقرارش یا اداراتی که به مشکلات در مورد مواجه اند صورت میگیرد.^۲ که در مورد ماده (۲۷) قانون ثبت احوال نفوس چنین مشعر است : ((تصحیح نام یا سایر اشتباهات املائی در تذکره تابعیت یا مرکز معلومات (دیتابیس) ثبت احوال نفوس طبق طرز العمل مربوط از طرف مراجع ثبت احوال نفوس در هر زمان صورت گرفته میتواند از اینکه در ماده قانون طبق طرز العمل تذکر گردیده که طرز العمل آن همانا ترتیب اقرار خط مرتبه مبحث اول بوده که این ماده قانون بطور درست آن تطبیق و مشکلات ناشی از تصحیح اسم حل میگردد قابل ذکر است که در فقره (۱) این ماده تبدیل نام شخصی الی اكمال سن هجده سالگی تصریح گردیده که چنین مشعر است : ((تبدیل نام شخصی الی اكمال سن هجده سالگی صرف برای یک مرتبه بر اساس درخواست شخص یا ولی و یا قریب قانونی وی طبق طرز العمل مربوط از طرف مراجع ثبت احوال نفوس صورت میگیرد.^۳ که مطابق حکم ماده (۲۷) قانون ثبت و احوال نفوس تبدیلی اسم صرف تا تکمیل سن (۱۸) برای یک بار صورت گرفته میتواند بالاتر از اهالی معلومات میشود که معلومات محکمه را اهالی جواب نموده و وکیل و قریه دار تصدیق آنها را تائید می نماید.

در این حال خود شخص یا رئیس فامیل نظر به دلیل میخواهند اسم پسر یا دختر خود را که کمتر از (۱۸) سال است تبدیل نمایند در زمینه به اداره ثبت و احوال نفوس مراجعه و از آن طریق جهت جلوگیری از اهالی محل زیست پسر یا دختر معلومات و موضوع به محکمه محول میگردد در زمینه تبدیل اسم شخص که هیچ گونه موانع شرعی و قانونی وجود نداشته باشد نیز اقرار خط ترتیب میشود که

^۱ - روفی، عین الله، رهنمای وثایق صفحه (۴۸)

^۲ - جریده رسمی، قانون ثبت و احوال نفوس وزارت عدلیه مطبوعه دولتی نمبر مسلسل (۱۱۴۵) تاریخ نشر ۱۳۹۳/۹/۲۵

^۳ - جریده رسمی، قانون ثبت و احوال نفوس وزارت عدلیه مطبوعه دولتی نمبر مسلسل (۱۱۴۵) تاریخ نشر ۱۳۹۳/۹/۲۵

بعد از ترتیب اقرار خط از طرف اداره ثبت و احوال نفوس تصحیح و تبدیل اسم و در دفاتر اساس احصائیه اعم از ناحیه، ولسوالی ولایت و ریاست ثبت و احوال نفوس وزارت داخله معامله میگردد.

مبحث شانزدهم : اقرار خط عاق اولاد و اثر آن

مطلب اول : ترتیب اقرار خط عاق اولاد

پدر و مادر صلاحیت دارند که اولاد خود را جهت رویه نامناسب و غیر اخلاقی عاق نمایند بناً یکی از والدین از محکمه در خواست ترتیب وثیقه فوق را می کند محکمه در مرحله اول باید دلایل عاق را بپرسد و کوشش کند که آنها را منصرف کند تا از ترتیب وثیقه اباء ورزد بهر حال والدین نمیتواند که اولاد خود را از میراث محروم کند.

ترتیب وثیقه : در ستون مقرر نام مقرر تثبیت هویت می شود در صورتیکه پسر یا دختر حاضر باشد آن هم در ستون مقرر له تثبیت هویت میگردد در غیر آن شهرت آن در ستون مقرر له درج میشود دو نفر شاهدان درج میگردد با ذکر نمبر تذکره و اخذ نشان انگشت. ستون موضوع مقرر یا مقرر مذکوره راجع به عاق ابن صلبی و بطنی خود قرار ستون تشریحات اقرار می نماید.^۱

ستون تشریحات : مقرر مذکور در حالیکه دارای اهلیت شرعی و حقوقی بود طی عریضه مطبوع () مورخ / / ۱۳۹۸ به محکمه هذا حاضر گردید و چنین اقرار نمود : از آنجائیکه پسر () ولد () دارای کرکتر اخلاق و سجایای پسندیده مشروع نمی باشد در کردار و تصرفات خود خلاف احکام شریعت و مصلحت مشروع من عمل می نماید بنابر آن ویرا عاق نمودم آینده در امورات من مداخله کرده نمیتواند و در اموال من تا حین حیات من ممنوع التصرف میباشد دو نفر شاهدان مذکوران در حالیکه دارای اهلیت شرعی و حقوقی خود بودند طوعاً اشهاد شرعی نمود بدینکه مقرر و مقرر له را معرفت کامل دارم مقرر مذکور یا مقرر مذکوره نام بدل و بر غلط اقرار نکرده در صورت خلاف مسؤل و جوابده قانونی میباشم. اقرار خط مذکور که بنام وثیقه عاق اولاد نیز مسمی گردیده محصولی نبوده صرف قیمت آن اخذ و تحویل خزینه دولت میگردد.^۲

قابل ذکر است : هرگاه پدر یا مادر با رضایت خاطر ولد خود را مورد عفو قرار داد بمنظور اعاده حیثیت ولد عاق شده پدر یا مادر میتوانند با ترتیب وثیقه انصراف از عاق به موضوع عاق خاتمه دهد و برای پسر و یا صبیبه در این مورد اعاده حیثیت نماید بالاثر با تقدیم عریضه تقاضای فوق را می نماید در

^۱ - روفی، عین الله، رهنمای وثایق صفحه (۵۰)
^۲ - همان اثر

این وثیقه در ستون تعرفه مقر و پسر یا دختر عاق شده در ستون تعرفه مقر له و دو نفر شاهدان معرفت در ستون مربوط تثبیت هویت می شوند در ستون موضوع تحریر میگردد مقر مذکور راجع انصراف از عاق ولد خود حسب ستون تشریحات اقرار می نماید در ستون تشریحات تحریر میگردد که من قبلاً پسر یا صبیبه ام () را قرار وثیقه () مرتبه () عاق نموده بودم و یا در زمینه قبلاً وثیقه ترتیب نگردیده شفاهاً وی را عاق نموده بودم یا تحریر میدارد که قبلاً پسر یا صبیبه ام را عاق نموده بودم اکنون در حال و سلوک وی اصلاح صورت گرفته اعمال و کردار نا مناسب را ترک کرده بنابر آن من از عاق وی منصرف شده و عدول نمودم و مقر له پسر یا صبیبه وی تحریر میدارد که مستحضر شدم در آتی حرکات و سکنات خلاف را مرتکب نمیشوم و شاهدان به ادای شهادت معرفت مبادرت مینمایند و وثیقه ثبت مهر و به امضای هیئت قضائی می رسد به دسترس ولد قرار داده میشود.^۱

مطلب دوم : اثر اقرار خط عاق اولاد

پدر و مادر در صورت ناراضی شدن از اولاد خودها میتوانند آنها را عاق نمایند بالاخر در زمینه پدر یا مادر به محکمه محل سکونت خود عارض و تقاضا مینمایند تا موضوع عاق ولد او درج وثیقه شرعی گردد که این وثیقه شرعی بنام اقرار خط عاق اولاد نامیده میشود قبل از ترتیب اقرار خط فوق هیات قضائی سعی نموده با طرفین مفاهمه نماید تا پدر یا مادر از مسئله عاق کننده در ستون تعرفه مقر تثبیت هویت میشود در صورتیکه پسر یا صبیبه حاضر باشد آن هم در ستون تعرفه اقرار خط تثبیت هویت میگردد در غیر آن شهرت آن درج میگردد که از زبان مقر بدین گونه که این صلبی خود () و یا بنت صلبیه خود () یا من مقره ابن بطنی خود () یا بنته بطنیه خود () را که حرکات و سکنات مذکور خلاف احکام شریعت بوده از روش و اخلاق مطلوب برخوردار نیست و موجبات نا رضایتی مرا بار آورده بنابر آن وی را عاق نمودم در آینده طوریکه از اعمال و کردار وی خود را مسول نمیدانم وی نمیتواند در حین حیات در ملکیت شخصی ام تصرف نماید و غرضدار شده نمیتواند که پدر یا مادر صلاحیت حرمان از میراث را ندارد و اقرار خط مذکور بدست عاق کننده داده میشود تا با استفاده از آن به ادارات مربوط مراجعه کرده بتواند.

هرگاه پدر یا مادر با رضایت خاطر ولد خود را مورد عفو قرار داد بمنظور اعاده حیثیت ولد عاق شده پدر و یا مادر میتوانند با ترتیب وثیقه انصراف از عاق به موضوع عاق خاتمه دهد و برای پسر و یا صبیبه در این مورد اعاده حیثیت نماید بدین وجه که من پسر یا صبیبه ام () را قرار وثیقه اقرار خط

^۱ - روفی، عتیق الله، ثبت اسناد و وثایق صفحه (۲۳۱)

نمبر مرتبه () عاق نموده بودم یا در زمینه قبلاً پسر یا صبیبه ام عاق نموده بودم اکنون در حال و سلوک وی اصلاح صورت گرفته اعمال و کردار نا مناسب را ترک کرده بنا بر آن من از عاق وی منصرف شده و عدول نمودم و مقر له تحریر میدارد که مستحضر شدم در آنی حرکات و سکنات خلاف را مرتکب نمی شوم این اقرار خط یک فشار مادی و معنوی بالای مقر له مذکور میباشد.^۱

مبحث هفدهم : اقرار خط عزل وکیل و اثرات آن

مطلب اول : ترتیب اقرار خط عزل وکیل

این اقرار خط وثیقه که بنام وثیقه عزل وکیل نیز یاد میشود برای عزل وکیل از وکالت رسمی ترتیب میگردد موکل هر وقت میتواند وکیل یا وکیل بالتوکیل خود را عزل نماید موکل در حالیکه وکیل یا وکیل بالتوکیل را با خود به محکمه حاضر بعد تائید محل سکونت موکل ضمن اقرار خط موکل بحیث مقر و وکیل بحیث مقر له و دو نفر شاهدان داخل وثیقه تثبیت هویت میشود. ستون موضوع : موکل مذکور وثیقه هذا در حالیکه دارای اهلیت شرعی و حقوقی خود بوده و می باشد طی عریضه مطبوعه () مورخ / / ۱۳ به محکمه هذا حاضر گردیده و راجع به عزل () ولد () که از طرف خود در () بحیث وکیل تعیین نموده بوده قرار ستون تشریحات وثیقه هذا اقرار مینماید.

ستون تشریحات : بتاريخ مذکور بحضور محکمه شرعیه بحالت صحت عقل و نفاذ جمیع تصرفات شرعیه خود بدون الجبر و الاکراه چنین اقرار و اعترافات شرعی نمود که در موضوع مذکوره موکل مذکور در حالیکه دارای اهلیت حقوقی خود بود و میباشد طی عریضه مطبوعه () مورخ / / ۱۳ را در رابطه به فروش جایداد مندرج قباله شرعی نمبر () مورخ / / ۱۳ مملوکه زر خرید خویش وکیل بالبیع تعیین نموده بودم وکیل مذکور در وکالت مفوضه مرتکب خیانت شده بناء نامبرده را سر از تاریخ / / ۱۳ از وکالت مذکور فوق عزل نمودم و بعد از عزل هذا اجرائتیکه وکیل مذکور در موضوع مذکور انجام داد غیر قانونی و غیر شرعی می باشد و برای ما قابل قبول نیست در اقرار فوق خود صادق بوده و میباشیم دو نفر شاهدان در حالیکه دارای اهلیت حقوقی خود بودند اشهاد شرعی نمودند بر اینکه مقر مذکور را می شناسیم نام بدل اقرار نکرده در صورت خلاف مسؤل و جوابده میباشیم.^۲

^۱ - روفی، قضاوتپوه عتیق الله، ثبت اسناد و ثابق صفحه (۲۳۲)

^۲ - روفی، عین الله، رهنمای و ثابق صفحه (۵۰)

در حین عزل وکیل باید وکیل یا وکیل بالتوکیل در صورت عزل وکیل دوم از طرف اصل موکل وکیل که بالاثرتوکیل مقرر شده لازم است شخصاً حاضر باشد در غیر آن هرگاه در غیاب وکیل بدون استحضاری او به عزل وی اقدام شود اجرائتیکه وکیل انجام داده مورد اعتراض موکل قرار گرفته نمیتواند به هر ترتیبی که باشد محکمه اطمینان خود را از استحضاری وکیل حاصل نماید در غیر آن اجراءات وکیل بدون مسبوقیت از عزل قابل اعتراض موکل واقع شده نمیتواند لازم ذکر است که وکیل و وکیل بالتوکیل وکیل دوم را نسبتی که وی وکیل اصل موکل محسوب میشود عزل کرده نمیتواند قابل ذکر است هرگاه وکیل یا موکل وفات نمود و یا اهلیت یکی از آن زایل گردید و یا موضوع وکالت خاتمه یافت وکالت از بین میرود ولی بهر حال عزل وکیل بحضور وی صورت گیرد در غیر آن اجرائتیکه وکیل اعمال نماید موکل بر آن اعتراض کرده نمیتواند.

مطلب دوم : اثر اقرار خط عزل وکیل

موکل هر وقت میتواند وکیل یا وکیل بالتوکیل خود را عزل نماید بالاثرتوکیل موکل در حالیکه وکیل یا وکیل بالتوکیل را با خود به محکمه حاضر بعد تائید محل سکونت موکل در ضمن اقرار خط که موکل بحیث مقرر و وکیل بحیث مقرر له طوریکه در مطلب اول این بحث تذکر به عمل آمد مقرر بیان میدارد که من مقرر قبلاً مقرر له مذکور را ضمن وکالت خط () بحیث وکیل و وکیل بالتوکیل خود غرض () مقرر نموده بودم حال نسبت () ویرا عزل نمودم که بعد از این در مورد مذکور غرضدار نباشد و از طرف مقرر له مذکور بیان می نماید که از اقرار موکل مستحضر گردیدم در حین اقرار وکیل و وکیل بالتوکیل باید حاضر باشند اثریکه این اقرار خط بجا میگذارد اینکه بعد از تاریخ انجام وثیقه اقرار خط هر عمل که موکل یا مقرر در امور که وکیل را غرض پیشبرد آن تعیین نموده مربوط وکیل نمیشود و هرگاه وکیل بعد از تاریخ عزل وکالت خط نمبر فوق تصرف در امور محوله نماید مسولیت آن به دوش وکیل میباشد خلاصه این اقرار خط جلو خصومت را گرفته و قطع خصومت مینماید که همین قطع خصومت در پرتو عدالت و نزاع از اهداف اصلی شریعت و قانون میباشد که در مورد ماده (۱۶۰۷) موکل می تواند هر وقتی خواسته باشد وکیل خود را از وکالت عزل نماید.^۱ شرط اینکه موضوع را به وکیل ابلاغ نماید که همین موضوع را محاکم و ادارات ثبت و ثایق در نظر گرفته حضور وکیل را در محکمه و مستحضریت ویرا در اقرار خط مذکور میگیرد از اینکه وظیفه عمده محاکم رفع منازعات و قطع خصومات بوده لذا اثر عمده اقرار خط عزل وکیل هم همین است.

^۱ - قانون مدنی افغانستان (۶۱۸/۳)

مبحث هجدهم : اقرار خط‌گرفتن معاون و اثرات آن

مطلب اول : ترتیب اقرار خط‌گرفتن معاون

این اقرار خط که بنام وثیقه‌گرفتن معاون نیز مسمی می‌باشد برای عده‌ای از گدام‌داران، خزانه‌داران معتمدین که قبلاً تضمین داده‌اند نسبت کثرت امور و ازدیاد جمع‌دهی به تنهایی نمیتواند از عهده امور بدر شوند چون وی یگانه شخص با اعتماد می‌باشد که با اداره قرار داد نموده می‌خواهد برای خود معاون مقرر نماید تا با وی در اجراءات کاری و در بعضی حالات از وی نیابت نماید در این حال به محکمه یا اداره ثبت اسناد و وثایق درخواست تقدیم نموده و شخص را که قابل اعتماد وی می‌باشد بحیث معاون خود معرفی و تقاضا می‌نماید تا در مورد اقرار خط ترتیب گردد. بالاخر راجع به عدم مسولیت شخص که بحیث معاون مقرر میشود از اداره محل معلومات خاسته میشود و در صورتیکه مسولیت نداشته باشد معتمد با معاون خود و دو نفر شاهدان به محکمه حاضرین تعیین معاون غرض پیشبرد وظیفه تعیین ترتیب می‌گردد.

ترتیب وثیقه : در ستون مقرر خود گدام‌دار یا خزانه‌دار یا معتمد شهرت مقرر و در ستون مقرر له شهرت معاون که مقرر له نیز می‌باشد تحریر گردیده در ستون شهود معرفت شهرت دو نفر شاهد ثبت هویت و درج می‌گردد.

در ستون موضوع تحریر می‌گردد مقرر مذکور در حالیکه دارای اهلیت حقوقی خود بود طی عریضه مطبوع () مورخ / / ۱۳ به محکمه هذا حاضر گردیده و راجع به تعیین مقرر له مذکور بحیث معاونش قرار ستون تشریحات و وثیقه هذا اقرار می‌نماید.

ستون تشریحات : بتاریخ مذکور بحضور محکمه شرعیه بحالت صحت عقل و نفاذ جمیع تصرفات شرعیه خود بدون الجبر و الاکراه چنین اقرار و اعترافات صحیح و شرعی نمود که در موضوع مذکوره مقرر مذکور در حالیکه دارای اهلیت شرعی و حقوقی خود بود طی عریضه مطبوع نمبر () مورخ / / ۱۳ حاضر محکمه هذا گردید و چنین اقرار نمود مقرر له مذکور شخص امین صالح و مورد اعتماد می‌باشد بناءً مذکور را بحیث معاون خود تعیین نمودم هر اجراءاتیکه به ارتباط وظیفه من مینماید برای من قبول بوده و از آن مسول می‌باشم مقرر له مذکور حاضر محکمه هذا بود در حال اهلیت حقوقی خود معاونت مذکور را قبول نموده و نیز دو نفر شاهدان مذکوران و وثیقه هذا در حالیکه دارای

اهلیت شرعی و حقوقی خود بودند اشهاد شرعی نمودند بر اینکه مقر مذکور را می شناسیم نامبدل و عوض بدل اقرار نکرده در صورت خلاف مسول و جوابده قانونی میباشیم.^۱

مطلب دوم : اثر اقرار خط گرفتن معاون

معتمدی که تضمین میدهد رسماً مقرر میگردد به نزد اداره استخدام کننده مسئولیت دارد از اینکه جلوگیری از اموال که تحت حیات وی است از وی تضمین یا نقدی از حساب وی در بانک و یا اشیای غیر منقول از وی در صورت که مقدار وجه تضمین را پوره نماید البته در مورد در اثر اقرار خط پلوان شریکان در مبحث چهاردهم بحث مکمل صورت گرفت اما از اینکه اموال گدام دار زیاد بوده و به تنهایی به اداره آن رسیدگی کرده نمیتواند لذا برای خود در زمینه معاون میگیرد که تا بتواند با وی در حیات و جمع دهی همکاری نماید از اینکه موضوع مالی بوده و شخص معتمد برای دولت تضمین نیز داده و شخص را که بحیث معاون خود میگیرد باید طی وثیقه رسمی که همانا اقرار خط گرفتن معاون است تعیین میگردد تا موصوف در صورت عدم رسیدگی و یا غفلت بنابه همین اقرار خط که سند رسمی است برای معتمد جوابگو بوده باشد و نیز محکمه در مورد معلومات مینماید تا اگر معاون مذکور مسولیت داشته باشد ویرا تعیین نمی نماید در صورتیکه مسولیت نداشته باشد موصوف بحیث معاون تعیین میگردد که طرز تعیین وی طی اقرار خط در مبحث اول صورت گرفت که معتمد مذکور باید چنین اقرار نماید من مقر بعد از دادن تضمین بحیث () اجرای وظیفه مینمایم از اینکه امور مربوطه به من کثیر بوده و من شخصاً به آن رسیدگی کرده نمیتوانم بنابر آن مقر له مذکور را که شخص مورد اعتماد من میباشد مقرر نمودم در اقرار خود صادق میباشم و مقر له باید طی اقرار خط فوق بیان دارد که تعهد مینمایم که مطابق احکام قانون اجراءات در وظیفه امانت کاری را رعایت می نمایم.^۲ طوریکه قبلاً نیز متذکر شدم این وثیقه اسناد برای متعمد و دلیل علیه معاون و در صورت بروز منازعه کلید حل منازعه به طبق ماده (۲۸۴) قانون اصول محاکمات مدنی دلیل الزام است.^۳

^۱- روفی، عین الله، رهنمای وثایق صفحه (۶۵)

^۲- روفی، قضاوتپوه عتیق الله ثبت اسناد وثایق صفحه (۲۴۷)

^۳- اسناد رسمی در مورد مقر، ورثه و قایم مقام آن قبل از دوران دعوی قابل اعتبار و دلیل الزام است. جریده رسمی شماره (۷۲۲) مورخ ۱۳۶۹/۵/۲۲ مطبوعه دولتی وزارت عدلیه.

مبحث نهم : اقرار خط عزل معاون

مطلب اول : ترتیب اقرار خط عزل معاون از طرف گدام دار، خزانه دار و یا معتمد
این اقرار خط که بنام وثیقه عزل معاون نیز مسمی گردیده برای عزل معاون از طریق محکمه ترتیب می‌گردد و در زمینه تقاضای ترتیب وثیقه را تقاضا میبرد در این حال معتمد یا معاون خود با دو نفر شاهدان حاضران محکمه یا اداره ثبت اسناد و ثایق می‌گردد.

ترتیب وثیقه : در ستون مقرر شهرت شخص اصل که معاون را قبلاً طی اقرار خط رسمی تعیین نموده بود درج گردیده در ستون مقرر له شهرت شخص معاون درج گردیده و در ستون شهود معرفت شهرت دو نفر شاهد درج می‌گردد.

ستون موضوع : مقرر مذکور در حالیکه دارای اهلیت حقوقی خود بوده طی عریضه مطبوع نمبر () مورخ / / ۱۳ به محکمه حاضر گردیده و راجع به عزل مقرر له مذکور قرار ستون تشریحات و وثیقه هذا اقرار می‌نماید.

ستون تشریحات : بتاریخ مذکور بحضور محکمه شرعیه بحالت صحت عقل و نفاذ جمیع تصرفات شرعیه خود بدون الجبر و الاکراه چنین اقرار و اعتراف صحیح و شرعی نمود که در موضوع مذکوره مقرر مذکور در حالیکه دارای اهلیت شرعی و حقوقی خود بود طی عریضه مطبوع نمبر () مورخ / / ۱۳ حاضر محکمه هذا گردیده و چنین اقرار نمود () ولد () مقرر له مذکور را که اقرار و وثیقه () مورخ / / ۱۳ مرتبه محکمه () بحیث معاون وظیفوی خود تعیین و مقرر نموده بودم نامبرده را به دلیل خیانتیکه در وظیفه نموده عزل نموده بعد از عزل هذا اجرائیکه نمود قانونی نبوده و مسولیت آن خود مقرر له مذکور می‌باشد دو نفر شاهدان مذکوران در حالیکه دارای اهلیت حقوقی خود بودند بر اینکه مقرر مذکور را می‌شناسم نامبدل اقرار نکرده در صورت خلاف مسؤل و جوابده قانونی می‌باشیم و وثیقه مذکور بعد از مهر و امضاء به اداره مربوط معتمد سپرده میشود و وثیقه مذکور محصولی نبوده صرف قیمت آن اخذ و به خزینه دولت تسلیم میشود.^۱

مطلب دوم : اثر اقرار خط عزل معاون

در مطلب اول متذکر گردیدیم از اینکه در تعیین معاون از طرف خود گدام دار، خزانه دار و معتمد اقدام نموده وی میتواند در حال بی‌اعتمادی و یا در حال قلت امور به عزل معاون خود اقدام نماید بالاثر

^۱- روفی، عین الله رهنمای وثایق صفحه (۶۶)

حینیکه بخواهد معاون خود را عزل نماید به محکمه عریضه تقدیم می نماید که من حسب اقرار خط () مورخ / / ۱۳ مرتبه محترم () ولد () را بحیث معاون خود در امور مربوط به وظیفه () خود مقرر نموده بودم حال میخوامم ویرا عزل نمایم. یکی از این اقرار خط همانا عزل معاون که در مبحث قبلی تقرر آنرا بحث نمودیم بوده و دیگر اینکه بعد از عزل توسط اقرار خط مطلب اول این بحث هر نوع اجراءات او دارای پیامد های حقوقی و جزائی برای معاون مذکور بر میگردد زیرا وی توسط سند وثیقه اقرار خط شرعی مقرر گردیده بود و آن اقرار خط توسط این اقرار خط باطل و مسؤلیت تصرفات معاون در امور ایکه قبلاً تعیین گردیده بود به خود وی بر میگردد و معتمد در آن کدام مکلفیت ندارد و این سند فوق الذکر دلیل برای معتمد بوده که در هنگام بروز منازعه قبل از دوران بالای معاون دلیل الزام شمرده میشود.^۱

مبحث بیستم : اقرار خط انصراف استیناف خواهی یا فرجام خواهی

مطلب اول : ترتیب اقرار خط انصراف از استیناف خواهی یا فرجام خواهی

این اقرار خط که بنام وثیقه انصراف از استیناف خواهی نیز یاد میشود قرار ذیل ترتیب میگردد.

ترتیب وثیقه : در ستون مقر شهرت استیناف خواه یا فرجام خواهی خود قرار ستون تشریحات اقرار نمود مقر مذکور در حالیکه دارای اهلیت شرعی و حقوقی بوده و میباشد طی عریضه مطبوع () راجع به انصراف از استیناف یا فرجام خواهی خود قرار ستون تشریحات اقرار مینماید.

ستون تشریحات : بتاریخ مذکور بحضور محکمه شرعیه بحالت صحت عقل و نفاذ جمیع تصرفات شرعیه خود بدون الجبر و الاکراه چنین اقرار و اعترافات صحیح و شرعی نمود که در موضوع مذکوره مقر مذکور در حالیکه دارای اهلیت شرعی و حقوقی خود بود به محکمه هذا حاضر گردید و چنین اقرار نمود من مقر قرار حکم شماره () مورخ / / ۱۳ در موضوع () محکوم علیه قرار گرفتم و در زمان مقرر قانونی استیناف خواهی یا فرجام خواهی نمودم بنابر آن از استیناف خواهی یا فرجام خواهی انصراف نمودم حاضر آمد مقر مذکور در حال اهلیت حقوقی و چنین اقرار نمود من مقر که حسب حکم () محکمه ابتدائیه () محکوم علیه قرار گرفتم و حکم مذکور با قرار قضائی نمبر () دیوان () محکمه استیناف تائید گردیده است و من مقر در داخل مقرر فرجام خواهی نمودم بنابر آن از فرجام خواهی نمودم بنابر آن از فرجام خواهی آن منصرف گردیدم در اقرار خود صادق بوده و میباشدیم. وثیقه مذکور محصولی نبوده صرف قیمت آن طبق لایحه اخذ و به

^۱ - روفی، عتیق الله، ثبت اسناد و وثایق صفحه (۲۴۶)

خزانه دولت تحویل میگردد و دو نفر شاهدان اشهاد شرعی نمودند که مقر مذکور را میشناسیم نامبدل اقرار نکرده در صورت خلاف مسؤل و جوابده میباشیم.^۱

مطلب دوم : اثر اقرار خط استیناف خواهی یا فرجام خواهی

شخصیکه در قضیه مدنی تجارتی و جزائی محکوم علیه قرار میگردد وی میتواند که در میعاد استیناف خواهی یا فرجام خواهی انصراف کند این در صورتیکه محکوم علیه شخصاً به محکمه استیناف یا تمیز رفته عریضه نماید.

در سیمینار سال (۱۳۵۰) به تصویب رسید که محکوم علیه امضا خود را نزد هیئت قضائی مانده و محکمه قرار انصراف استیناف یا فرجام خواهی را صادر کند ضرورت به وثیقه فوق نمیباشد اما در صورتیکه خارج از صلاحیت حوزوی محکمه باشد ضرورت به وثیقه میگردد.

مبحث بیست و یکم : اقرار خط دو برادری و آثار آن

مطلب اول : ترتیب اقرار خط دو برادری

این اقرار خط که بنام وثیقه اقرار خط دو برادری نیز مسمی گردیده در حالیست که دو برادر در آن واحد به عسکری سوق میشوند یا دوگانگی باشند و عین سن در تذکره درج باشد و متکفل فامیل هم باشد بعد از معلومات از اهالی وثیقه فوق اجرا میگردد. در ستون تعرفه مقر شهرت مکمل سه نفر مقرون و در ستون مقر له اقرار خط دو برادری و در ستون شاهدان معرفت شهرت شاهدان درج میگردد البته نمبر تذکره اخذ نشان انگشت شاملین وثیقه امر حتمی است.^۲

ستون موضوع : مقرون مذکورون راجع به دو برادر بودن () و () ولدان ()
قرار ستون تشریحات اقرار مینماید.

ستون تشریحات : تحریر میگردد بتاریخ مذکور بحضور محکمه شرعیه بحالت صحت عقل و نفاذ جمیع تصرفات شرعیه خود بدون الجبر و الاکراه چنین اقرار صحیح و شرعی نمود که در موضوع مذکوره مقرون مذکورون در حالیکه دارای اهلیت شرعی خود بودند بالاثر عریضه مطبوع () مورخ / / ۱۳ () ولد () حاضر آمد به محکمه هذا و چنین اقرار شرعی نمود : ما مقرون مذکورون وثیقه هذا () () ولدان () را معرفت کامل داریم که هر دو باهم برادر میباشند و برادر سوم ندارند و نیز شخص دیگری که متکفل فامیل شود وجود ندارد و هرگاه یکی از دو برادر اولاً به عسکری

^۱- روفی، عین الله، رهنمای وثایق صفحه (۹۸)

^۲- روفی، عین الله، رهنمای وثایق صفحه (۱۰۵)

سوق و بعد از ترخیص وی برادر دریگرش سوق گردد بهتر خواهد بود در اقرار خود صادقین میباشیم و دو نفر شاهدان نیز ادای شهادت نمودند بر اینکه مقرون مذکورون را معرفت دارم نامبدل اقرار نکرده در صورت خلاص مسؤل میباشیم. اقرار خط مذکور محصولی نبوده و صرف قیمت آن اخذ و به خزینه دولت تحویل میگردد اخذ نشان انگشت فوتو و نمبر تذکره صفحه و جلد حتمی می باشد.^۱

مطلب دوم : اثر اقرار خط دو برادری

این اقرار خط مطابق فصل پنجم قانون مکلفیت عسکری در مورد تأجیل و معافیت از جلب و احضار به خدمت عسکری که در مورد فقرات (۲، ۳) ماده (۳۴) قانون مذکور چنین مشعر است :

- ۱- شخصیکه یگانه متکفل پدر، مادر، خانم و اولاد صغیر باشد برای وی سه سال تأجیل داده میشود.
- ۲- در صورتیکه دو برادر یا بیش از آنها تحت جلب و احضار به خدمت عسکری قرار گیرند به یکی از برادر ها الی ترخیص برادر دیگر تأجیل داده میشود.^۲

لهذا این اقرار خط زمانی ترتیب میشود که دو نفر باهم برادر بوده برادر سوم ندارند پدر شان در قید حیات نیست و هر دو در زمان واحد به خدمت عسکری جلب گردیده اند چنانچه در صورت سوق هر دو در زمان واحد به خدمت عسکری جلب گردیده اند چنانچه در صورت سوق هر دوی شان به خدمت مکلفیت عسکری را برای فامیل شان نسبت عدم سرپرست بار می آورد بالآخر در صورت ترتیب وثیقه اداره مکلفیت یکی از هر دو برادران را بخدمت عسکری سوق و برای برادر دوم تأجیل داده شده و بعد از ترخیص وی برادر اول بخدمت عسکری سوق میگردد.

هرگاه موضوع بعد معلومات از اهالی به محکمه یا اداره ثبت اسناد و ثابق محول گردید در زمینه اقرار خط فوق ترتیب میگردد چون هر دو باهم برادر اند برادر دیگر ندارند و پدر شان قبلاً وفات نموده هر دو مشترکاً زندگی داشته و به خدمت عسکری جلب شده اند متکفل نفقه فامیل خودها می باشند هرگاه هر دوی شان به خدمت عسکری سوق گردند فامیل شان بی سرپرست شده به عدم انفاق مواجه میشود هرگاه از جمله یکی به عسکری سوق و دیگری از فامیل سرپرستی نماید و بعد از ختم خدمت عسکری برادر اولی به خدمت عسکری به خدمت سوق گردد.^۳ این راه حل بزرگ است که اقرار خط فوق برای تطبیق ماده فوق الذکر قانون را هموار نموده است.

^۱ - روفی، عتیق الله، ثبت اسناد و ثابق صفحه (۲۳۵)

^۲ - قانون مکلفیت عسکری وزارت عدلیه ماده (۳۵) جریده رسمی شماره فوق العاده اول میزان (۱۳۷۰) نمبر مسلسل (۷۵۲)

^۳ - روفی عتیق الله رهنمای وثایق صفحه (۲۳۵)

و قابل ذکر است در زمانیکه اتباع به خدمت عسکری جلب میگردد اداره مکلفیت راجع به بیکسی و لاجایدادی مجلوب معلومات های لازم را تکمیل و آنرا رسماً به محکمه جهت ساختار وثیقه محول میسازد در این حال وثیقه اقرار خط طوری ترتیب میگردد که پدر وی در قید حیات نیست برادر ندارند، متکفل نفقه تعداد () اعضای فامیل خود میباشد و جایداد نیز ندارند این اقرار خط در صورت که پدر وی حیات بوده اما شیخ فانی باشد در صورتیکه شرایط قبلی را مجلوب دارا بوده باشد نیز شامل میشود اما قابل ذکر هست که بر علاوه اقرار مقرین و اشهاد شاهدان محکمه و اداره ثبت اسناد و وثایق علم آوری خود را در زمینه می نماید.

مبحث بیست و دوم : اقرار خط مدرس بودن و آثار آن

مطلب اول : ترتیب اقرار خط مدرس بودن

این اقرار خط که بنام وثیقه مجلای مدرس نیز یاد میگردد از آنجا که حسب احکام قانون ملکفیت عسکری وقتی علمای را که به تدریس علوم دینی مصروف می بودند و تحت جلب جهت عسکری قرار میگیرند بعد ترتیب وثیقه مجلای مدرسی از خدمت زیر بیرق معاف میساختند بالآخر بعد از ارجاع موضوع از طرف اداره مکلفیت به محکمه یا اداره ثبت اسناد و وثایق در زمینه اولاً وثیقه اقرار خط بصورت ذیل ترتیب میگردد. ترتیب وثیقه در ستون مقر شهرت سه نفر مقر و در ستون مقر له شهرت شخصی مدرس و در ستون شاهدان شهرت دو نفر شاهدان درج میگردد.

در ستون موضوع درج میگردد مقرون مذکورون در حالیکه دارای اهلیت شرعی و حقوقی خودها بودند و میباشند بالآخر عریضه مطبوع () مورخ / / ۱۳ حاضر گردیدند و راجع به مدرس بودن () ولد () مقر له مذکور قرار ستون تشریحات اقرار مینمایند.^۱

ستون تشریحات : بتاریخ مذکور بحضور محکمه شرعیه بحالت صحت عقل و نفاذ جمیع تصرفات شرعیه خود بدون الجبر و الاکراه چنین اقرار و اعترافات صحیح و شرعی نمود که در موضوع مذکوره مقرون مذکورون وثیقه هذا در حالیکه دارای اهلیت شرعی و حقوقی خودها بودند و می باشد بالآخر عریضه مطبوع () مقر له مذکور به محکمه هذا حاضر گردیدند و طوعاً چنین اقرار نمودند مقر له مذکور را معرفت کامل داریم نامبرده فارغ تحصیل دارالعلوم () بود بعد از فراغت به تدریسی کتب معتبر دینی پرداخت که بسیاری از اولاد های این وطن از علمیت و دانش او بهره برده بناءً موصوف در واقعیت یک عالم جید و مدرس بسیار خوب می باشد دو نفر شاهدان مذکوران در حالیکه دارای اهلیت

^۱- روفی، عتیق الله ثبت اسناد و وثایق صفحه (۲۳۳)

شرعی و حقوقی خود بودند بر اینکه مقرون مذکورون را معرفت کامل دارم نام بدل اقرار نکرده در صورت خلاف مسؤل و جوابده قانونی میباشیم. وثیقه مذکور محصولی ندارد و صرف قیمت آن طبق لایحه اخذ و به خزانه دولت پرداخته میشود. که با وجود ساختار وثیقه اقرار خط هیئت قضائی موظف ریاست محکمه استیناف از عالم مذکور امتحان اخذ می نماید سپس بعد از نظر هیئت موظف امتحان مبنی بر موفقیت مجلوب از خدمت عسکری معاف میگردد.^۱

مطلب دوم : اثر اقرار خط مدرس بودن

از آنجا که حسب احکام مندرج ماده (۳۵) قانون مکلفیت عمومی عسکری وقت چنین مشعر است : اشخاص ذیل از جلب و احضار از خدمت عسکری معاف میباشد :

- ۱- مریضانی که مریضی آنها طبق قوانین نافذ مانع سپری نمودن خدمت عسکری میگردد.
- ۲- علماء دینی که بالفعل و ظایف تدریس را در مدارس دینی، دارالحفاظ ها یا مساجد انجام میدهند در صورتیکه دارای وظیفه رسمی نباشند بعد از اخذ امتحان مدرس توسط کمیسیون معینه و تصدیق ارگانهای مربوط.^۲

مطابق ماده فوق علماءی را که به تدریس علوم دینی مصروف میبودند و تحت جلب عسکری قرار میگیرند بعد از ترتیب این اقرار خط فوق الذکر که بنام مجلای مدرسی نیز یاد میشود از خدمت زیر بیرق معاف میساختند بالاثر بعد از ارجاع موضوع از طرف اداره مکلفیت به محکمه یا اداره ثبت اسناد و وثایق در زمینه اولاً اقرار خط ترتیب میگردد طوریکه قبلاً متذکر شدم سه نفر از اهالی بحیث مقر و دو نفر بحیث شاهد در وثیقه تثبیت هویت شده که باوجود ساختار وثیقه اقرار خط ضمن پروسه علیحده در حالیکه مدیر مکلفیت حاضر میباشد هیات قضائی موظف ریاست محکمه استیناف از عالم مذکور امتحان اخذ می نماید پس بعد از ابراز نظر هیات بر علاوه اینکه مدرس مذکور از خدمت عسکری معاف میگردد این اقرار خط سند علمی و تخصصی وی نیز شمرده میشود که عندالضرورت به آن استناد نماید.

مبحث بیست و سوم : اقرار خط تجرد و اثر آن

مطلب اول : ترتیب اقرار خط تجرد

این اقرار خط که بنام وثیقه تجرد خط نیز مسمی میشود بطور ذیل ترتیب میگردد در ستون تعرفه اقرار خط مذکور سه نفر منحیث مقرون و دو نفر بحیث شاهدان تثبیت هویت میشوند در ستون موضوع تحریر

^۱- روفی، عین الله، رهنمای وثایق صفحه (۱۰۷)

^۲- قانون مکلفیت عسکری وزارت عدلیه، ماده (۳۵) جریده رسمی شماره فوق العاده اول میزان (۱۳۷۰) نمبر مسلسل (۷۵۲)

میگردد مقرون مذکورون راجع به مجرد بودن محترم () ولد () قرار ستون تشریحات اقرار مینمایند و در ستون تشریحات مقرون بدین متن اقرار مینمایند که ما () ولد () را معرفت کامل داریم وی تا حال ازدواج نکرده و مجرد میباشد و یا وی قبلاً از سفر به خارج ازدواج نکرده بود بعد شاهدان ادای شهادت مینمایند بلفظ اشهد که ما مقرون مذکورون را معرفت کامل داریم نامبدل و چهره بدل اقرار نکرده اند در صورت خلاف و کذب مسؤل و جوابده میباشیم. اقرار خط مذکور محصولی نبوده صرف قیمت آن طبق لایحه اخذ و به خزینه دولت سپرده میشود.^۱

مطلب دوم : اثر اقرار خط مجرد

اکثراً باثر تقاضای اشخاصیکه در خارج ازدواج مینمایند ترتیب میشود چه طوریکه در داخل اشخاص متاهل بدون رعایت احکام قانون به ازدواج دوم مبادرت کرده نمیتوانند در خارج نیز به تصدیق مجرد ضرورت میافتد بنا بر آن بعد از تقاضای خود شخص، اعوان و اقران وی در مورد از محل زیست ازدواج کننده معلومات میشود که مقررین بدین ترتیب اقرار مینمایند که ما () ولد () را معرفت کامل داریم وی تا حال ازدواج نکرده و مجرد میباشد و یا وی قبل از سفر به خارج ازدواج نکرده بود که اثر این اقرار خط همانا میتواند ازدواج نماید زیرا وی توسط وثیقه معتبر که همانا اقرار خط رسمی است مجرد دانسته شد و نیز اگر مقرر له مذکور بر خلاف این اقرار خط نکاح نموده بود در اینصورت این عمل وی شهادت کذب محسوب میشود و مقررین شاهدان خود مقرر له و در صورتیکه عریضه توسط اعوان و اقران وی صورت گرفته باشد مطابق ماده (۴۸۱) کود جزاً^۲ که این شهادت دارای عنصر مادی و عنصر معنوی بوده عنصر مادی : رفتار مرتکب در شهادت دروغ، طبق ماده فوق الذکر بنابه شریطی میباشد اولین شرط آن است که شاهد پس از ادای سوگند قانونی چنین شهادتی را ارایه نماید. شرط دیگر آن است که شاهد در پیشگاه محکمه یا نزد مامورین ضبط قضائی شهادت دروغ را ادا نماید مطلب دیگر آنکه شهادت دروغ جرم مطلق است و مقید به هیچ نتیجه ای نیست.

^۱ - روفی، عین الله، رهنمای وثایق صفحه (۱۰۸)

^۲ - هر گاه شاهد بعد از ادای سوگند قانونی در پیشگاه محکمه یا نزد مامورین ضبط قضائی عمداً به اظهار باطل، انکار حق، پوشیدن تمام یا بعضی از وقایعی که در مورد آن شهادت ادا می نماید، بپردازد شهادت وی دروغ شناخته میشود.

مبحث بیست و چهارم : اقرار خط ترک پیشه و اثر آن

مطلب اول : ترتیب اقرار خط ترک پیشه

این اقرار خط که بنام وثیقه ترک پیشه نیز مسمی می شود طور ذیل ترتیب مگیرد که بالاخر در زمینه وثیقه اقرار خط راجستر پیشه و منحیث مقر و دو نفر شاهدان در وثیقه تثبیت هویت شده در ستون موضوع تحریر میگردد : مقر مذکور در حالیکه دارای اهلیت حقوقی خود بوده و می باشد طی عریضه مطبوع () مورخ / / ۱۳ خویش به محکمه هذا حاضر گردیده و راجع به ترک پیشه خود که (عین پیشه ذکر می شود) قرار ستون تشریحات اقرار می نماید.^۱

ستون تشریحات : بتاریخ مذکور بحضور محکمه شرعیه بحالت صحت عقل و نفاذ جمیع تصرفات شرعیه خود بدون الجبر و الاکراه چنین اقرار و اعترافات صحیح و شرعی نمود که در موضوع مذکوره مقر مذکور وثیقه هذا در حالیکه مکلف و رشید بود طی عریضه مطبوع () مورخ / / ۱۳ به محکمه هذا حاضر گردیده و طور عا چنین اقرار نمود محترماً من قبلاً در سرای () که ملکیت دولت می باشد دکان سیمساری داشتیم از سال / / ۱۳ به بعد پیشه مذکور فوق را ترک نموده ام در اقرار خود صادق بوده و می باشیم دو نفر شاهدان در حالیکه دارای اهلیت شرعی و حقوقی خود بودند عندالمحکمه اشهاد شرعی نمودند بر اینکه مقر مذکور را معرفت کامل داریم نام بدل اقرار نکرده در صورت خلاف مسؤل و جوابده قانونی می باشیم وثیقه بعد از ثبت، مهر و امضاء به اداره مربوطه محول و بالاخر پیشه و از مالیات محول متروک شغل خود معاف می گردد.

این وثیقه محصولی نبوده صرف قیمت آن طبق لایحه اخذ و به خزینه دولت تسلیم میگردد.^۲

مطلب دوم : اثر اقرار خط ترک پیشه

از آنجا که پیشه و ران بعد از اخذ جواز کار مثلاً نانوائی، فلزکاری، خیاطی و امثال آن در یک محل معین فعالیت می نمایند و هم مالیات سالانه مربوط به شغل خود را تحویل ادارات نواحی یا مستوفیت مینمایند ولی پیشه وی نسبت کساد در بازار به تناسب عرضه امتعه و گراف تقاضا در قبال آن پائین آمده یا اصلاً شغل و پیشه خود را بکلی ترک می نماید و یا در ناحیه دیگری یا محل دیگری به ایجاد عین شغل و پیشه و یا به شغل و پیشه دیگری مصروف میشود بالاخر چون بالای وی از شغل سابقه یا اولی اش مالیات سالانه حواله گردیده در این حال وی به اداره مالیات معذرت ترک پیشه قبلی خود را ارائه

^۱ - روفی، عتیق الله ثبت اسناد وثایق

^۲ - روفی، عین الله رهنمای وثایق صفحه (۱۰۹)

می نماید اداره ذیربط از وی خواهان وثیقه شرعی اقرار خط مبنی بر ترک پیشه میشود که بعد از ترتیب این اقرار خط شخص که پیشه خود را ترک نموده از مالیات معاف میگردد که طبق فقره (۳) ماده (۴) قانون مالیات بر عایدات که در فقره (۱) ماده (۴) تذکر به عمل آمده عاید حاصله ذیل تابع مالیات بر عایدات میباشد: که در فقره (۳) ماده مذکور تصریح گردیده مجموع عواید معاملات تجاری، صنعتی ساختمانی و سایر فعالیت های اقتصادی^۱ لهذا اثر این اقرار خط معافیت شخص کسبه کار از مالیه و عدم مکلفیت وی را بعد از ترتیب این اقرار خط تثبیت مینماید از یک طرف به اثر این اقرار خط زمینه تطبیق قانون مساعد میگردد و از طرف دیگر شخص از مالیات فرار نه نماید.

مبحث بیست و پنجم: اقرار خط لاجایدادی و اثر آن

مطلب اول: ترتیب اقرار خط لاجایدادی محصلین پوهنتون ها

از آنجا که لیله شدن محصلین شرایط خاص دارد و اشخاص صاحب دارائی لیلیه شده نمیتواند بالاثر برای محصلیکه قرار است بعد از توثیق لاجایدادی لیلیه شود مکتوب از طرف اداره تحصیلات عالی بولایت مربوط و از آنجا به محکمه یا اداره ثبت اسناد و وثایق محول میشود و در زمینه از مستوفیت راجع به سرمایه، از ترافیک راجع به داشتن عراده جات و از اداره املاک راجع به داشتن ملکیت و نیز از اهالی و بانکها راجع به دارائی وی و پدر و پدرکلان وی معلومات میشود و بعد از تکمیل تحقیق سه نفر بحیث مقر و دو نفر بحیث شاهدان در وثیقه اقرار خط تثبیت هویت شده در ستون موضوع تحریر میگردد که مقرون راجع به لاجایداد () و () محصل و پوهنچی () پوهنتون () () حسب مکتوب () () اقرار مینمایند در ستون تشریحات تحریر میگردد ما () ولد () محصل پوهنچی () پوهنتون () را معرفت کامل داریم وی بنام خود، پدر، پدرکلان خود دارائی منقول و غیر منقول ندارد در اقرار خود صادقین میباشیم و نیز دو نفر شاهدان به^۲ ادای شهادت مبادرت می نمایند و در زمینه عدم دارائی محصل تائید میگردد. وثیقه اقرار خط بعد از ثبت مهر و امضاء هیئت قضائی به پوهنتون مربوط رسماً محول میشود.^۳

مطلب دوم: اثر اقرار خط لاجایدادی محصلین پوهنتون ها

از آنجا که لیله شدن محصلین شرایط خاص دارد لهذا وثیقه اقرار خط که در مبحث اول ترتیب گردیده اثریکه این اقرار خط در قبال دارد اینکه اگر بالای شخص مقر له ادعای مبنی بر اینکه وی جایداد ندارد

^۱ - قانون مالیات بر عایدات وزارت عدلیه مطبوعه دولتی، نمبر مسلسل (۹۷۶) تاریخ نشر ۱۳۸۷/۱۲/۲۸

^۲ - روفی، عتیق الله ثبت اسناد و وثایق صفحه (۲۳۴)

^۳ - روفی، عتیق الله کتاب ثبت اسناد و وثایق صفحه (۲۲۴)

همان جایداد که محکمه طی معلومات خود از مستوفیت راجع به سرمایه از ترافیک راجع به داشتن عراده جات و از اداره املاک راجع به داشتن ملکیت و نیز از اهالی و بانکها راجع به دارائی وی پدر و پدر کلانش و بعداً وی صاحب جایداد موتر دارائی و ... بنام خود پدر و پدرکلان خود ندارد در حالیکه حال بالای همان جایداد دعوی می نماید در اینصورت این اقرار خط دلیل است که وی جایداد ندارد و در صورت که جایداد برای وی ثابت میگردد معلوم است که مقررین شاهدان با تبانی به مقرر له مذکور وثیقه اقرار خط را بر خلاف حقیقت ترتیب نموده که در مورد میشود اقرار خط باطل مصرفیکه در لیلیه بالای محصل مذکور صورت گرفته از نزدش استحصال و شاملین این اقرار خط طبق فصل چهارم کود جزا مجازات میگرددند که در زمینه هر اقرار و اظهاریکه عندالمحکمه صورت میگیرد اثرات حقوقی و جزائی را در قبال داشته اما متأسفانه به این اصل توجه کمتر صورت گرفته و اشخاص بی خبر از قانون و شریعت میگویند که آنقدر مهم نیست بلکه یک وثیقه شمولیت در لیلیه است در حالیکه اگر خلاف اظهار نماید طبق مواد (۴۸۱، ۴۸۴) کود جزا مجازات میشود.^۱

آیا برای انسان جایز است که در حیات خود عضو از اعضا بدنش را به دیگری بخشید ؟

این سوالی بوده که در کتب فقهای متقدین جواب آن دریافت نمیشود و با پیشرفت تکنالوژی خوشبختانه علماءی معاصر از جمله دکتر یوسف قرضای حفظه الله برای این سوال جواب علمی و فقهی و حکمی را بیان نموده است اما طوریکه قبلاً متذکر شدم قانون افغانستان از فقه گرفته شده و اقرار خط های رسمی هم بنابه قوانین ترتیب میگردد اما اینکه قوانین باید مطابق زمان و با در نظر داشت فقهای معاصر باید تصویب گردد اما به مشکلی که مواجه می شویم این است که مریضانی که بخاطر پیوند گرده و یا عضو دیگر بدن در خارج از افغانستان صورت میگیرد اکثراً واقع شده که شفاخانه از شخص اهدا کننده مطالبه اقرار خط رسمی را می نماید از اینکه در قوانین در مورد حکمی نیست قضات به مشکل روبرو میشود لهذا خواستم در مورد در این رساله بحث نمایم تا باشد که مشکل خلق الله حل گردیده و قوانین در مورد تصویب گردد. لذا لازم است نخست پاسخ سوال فوق را از کتاب دیدگاه های معاصر فقهی این عالم جهانی نقل نمایم که چنین میفرماید :

^۱ - ماده (۴۸۱) هرگاه شاهد بعد از ادای سوگند قانونی در پیشگاه محکمه یا نزد مامورین ضبط قضائی عمدتاً به اظهارات باطل، انکار حق پوشیدن تمام یا بعضی از وقایعی که در مورد آن شهادت ادا می نماید، بپردازد، شهادت وی دروغ شناخته می شود.
ماده (۴۸۴) اشخاص ذیل به عین جزای پیش بینی شده شهادت دروغ محکوم میگرددند : ۱- شخص که اغواء یا سائر وسایل شاهد را به عدم ادای شهادت دروغ وادار نماید، گرچه به مقصد خود نرسد. ۲- شخص که در اثر بخشش یا وعده از ادای شهادت امتناع ورزد. کود جزا افغانستان جریده رسمی وزارت عدلیه نمبر مسلسل (۱۲۶۰)

پاسخ :- جواز آن مقید است و نباید این تبرع متضمن ضرر و زیانی باشد که آن زیان بخود شخص و یا متعلقات او وارد شود. بنابر این تبرع به اندام هایکه در بدن یک عدد بیشتر نیست همچون قلب یا کبد و امثال آن جایز نیست، زیرا شخص بدون هر یک از آن اندامها قادر به ادامه زندگی نیست و روا نیست که شخص زیانی دیگری را با زیان رساندن به خود دفع نماید. این قاعده ی شرعی که میگوید : ((الضرر یزال)) (زیان بر طرف میگردد) با قاعده دیگری که میگوید : ((الضرر لایزال بمثله)) (با ضرر دفع نمیگردد) مقید شده است و آن را این گونه تفسیر کرده اند که نباید ضرر به وسیله ی ضرر دیگری که همانند آن یا بیشتر از آن باشد مرتفع گردد. بنابر این تبرع اندامهای اساسی و ظاهری بدن مانند : چشم، دست و پا، جایز نیست؛ که در این صورت ضرر دیگری با ضرر قطعی به خود بر طرف میشود. به علاوه بی مصرف کردن اندامهای اصلی و اساسی بدن که بسیار سودمند نیز هست و زشت و گریه ساختن صورت و بد قواره شدن اندام را در پی خواهد داشت.

این حکم در مورد اندامهای داخلی بدن نیز که جفت باشد و با از دست دادن یکی، دیگری عاطل و بیمار میگردد نیز صادق است. چنین اندام جفتی حکم یک اندام را دارد.

بنابر این اگر زیان از دست دادن یک عضو، متوجه کسانی شود که بر او حق دارند، مانند : همسر، فرزندان، طلب کاران قرض و مانند اینها حق انجام این کار را ندارد.

روزی زنی شوهر دار بمن گفت که میخواهد یکی از کلیه هایش را به خواهرش ببخشد، ولی شوهرش مخالفت میکند. آیا شوهر حق مخالفت با چنین امری را دارد ؟ من هم در جواب گفتم : شوهر نسبت به زن خود حق دارد زیرا اگر زن یکی از کلیه هایش را ببخشد احتیاج به عمل جراحی پیدا میکند و به بیمارستان میرود و نیاز به مراقبت و نگهداری دارد و همه ی این موارد شوهر را از حقوق طبعی خود محروم میسازد و بعضی از سختی ها و مشکلات دمان او را میگیرد بنابر این چنین تبرعی از جانب زن، نیاز به رضایت و اجازه شوهرش دارد.

این گونه تبرع و بخشش ها باید از سوی انسان مکلف بالغ عاقل صورت گیرد اگر چنین عملی از جانب شخص صغیر و دیوانه، که آگاه به مصالح و منافع خود نیست انجام گیرد جایز نخواهد بود.

همچنین ولی و سرپرست صغیر و دیوانه هم نمیتواند به نیابت از او چنین بخششی کند، یا آنان را وادار به چنین بخششی نماید، به دلیل اینکه ولی این فرد حق تبرع و بخشش از مال و دارائی او را ندارد. پس

برای ولی و سرپرست چنین افراد جایز نیست عضو از بدن این افراد را تبرع و بخشش نماید زیرا اعضا بدن به مراتب از مال و دارائی برتر و شریف تر اند.^(۱)

بنابه فتوی دانشمندان و علماء معاصر ایجاب مینماید که قوانین افغانستان با تبنی به اقوال فقهای کرام تصویب و اقرار خط اهدا اعضا بدن با شرایط که فقهای کرام وضع نموده ترتیب تا این مشکل عمده حل گردد. این یک راه حل برای سوال عمده موضوع بحث بنده بوده که راه حل آن همانا پیشنهاد نهاد های عدلی به مرجع به قانونگذاری میباشد.

^۱- قرضاوی، یوسف، دیدگاه های فقهی معاصر ترجمه احمد نعمتی، (ط ۲۹۷/۲۳) چاپخانه مهارت کتابخانه ملی ایران.

خاتمه :

مهمترین نتایج بحث :

بنده از بحث خود نتایج را مستفید شده ام که مهم آن قرار ذیل است :

- ۱- کمال شریعت اسلامی و اهتمام آن بر حقوق افراد و گروهها در رعایت مصالح شان محافظت از اعراض و ممتلكات ایشان از تجاوز معتدین و ظلم ظالمین.
- ۲- اینکه هر نوع تجاوز بالای حقوق مرافعه شرعی و دفاع از آن حقوق را در پیشگاه قضاء لازم مینماید و اقرار مهمترین وسائلی است که بواسطه آن حق ثابت میشود که باوجود همه اهمیت اش که در محضر قضاء بوده و درج اقرار خط رسمی گردد.
- ۳- امتیاز نظام قضائی در اسلام به نسبت سائر نظام های وضعی در این است که در نظام قضاء در اسلام وسیله اقرار قائم به آزادی و حریت مقرر است و هر نوع فشار و تهدید قابل اعتبار نمی باشد.
- ۴- طوریکه قبلاً متذکر گردیدیم اقرار حجت قاصره است اما اینکه دارای وثوق میگردد در این صورت محتوای اقرار خط حایز اهمیت و دلیل شمرده میشود.
- ۵- اقرار حجت کامل است و خصوصاً که عندالمحکمه با صلاحیت صادر گردد حق آن ثابت میشود.
- ۶- مقرر باید در حالتی اقرار نماید و اقرارش قابل اعتبار است که دارای اهلیت تمام و از تمام ملابسات و عوارض خالی باشد و در غیر آن اقرار وی قابل اعتبار نمی باشد.
- ۷- در مواردی که شخص متهم شناخته میشود شریعت اسلام در اقرار وی از احتیاط تام کار گرفته و آنرا درست کنج کاوی نموده است که درج اقرار متهم در اقرار خط اعتراف به جرم هم از همین احتیاط شریعت الهام گرفته است.
- ۸- هر اظهار و اعتراف متهم خارج از محکمه در صورتی قابل اعتبار است که مقرر آن را تصدیق و یا شاهدان به آن شهادت دهند در غیر آن از قوت اقرار برخوردار نیست بلکه یک قرینه بوده در صورت که با قراین دیگر یکجا شود و شکل زنجیره ئی را بخود بگیرد دلیل الزام شمرده میشود.
- ۹- اقرار مقرر باید واضح و جلی بوده باشد در غیر آن اقرار وی درج اقرار خط نگردیده و رد میشود که در این صورت نمیتوان به آن استناد نمود.
- ۱۰- اقرار مقرر که درج اقرار خط رسمی گردد در موارد مدنی که حق العبد است دلیل بوده اما در موارد جزائی که حق الله میشود از اقرار که درج اقرار خط نگردیده انکار نماید.

- ۱۱- دین مقدس اسلام بخاطر حفظ حقوق برابر است که مالی باشد یا غیر مالی مانند حفظ جان، عقل، آبرو، مال و نسل اهتمام با سزای نموده و به آن شروط دقیقی را گذاشته که جلوگیری از ضائع شدن آن میشود از اینکه قوانین افغانستان از نظر متنی ارتباط میگیرد با منابع و مصادر شرعی لهذا اقرار مقرین و درج آن در اقرار خط های رسمی زمینه تطبیق شریعت و قانون را مساعد مینماید.
- ۱۲- از اینکه اقرار مقر در محکمه با صلاحیت مدار اعتبار است تا مقر در اقرار خود از هر نوع فشار مادی و معنوی بدور باشد والا اقرار وی اعتبار ندارد.
- ۱۳- از اینکه شریعت اسلام و قوانین کشور ما اتباع خود را به اعتراف به حقوق دیگران تشویق مینماید که این امر تماسک و اتحاد جامعه را تضمین و جهت جلوگیری از حق تلفی باید اقرار مقر در محکمه با صلاحیت ادا گردد.
- ۱۴- اگر مقر به مال باشد اقرار به آن طی اقرار خط چون در فقه اسلامی و قوانین شروط معتبر و دقیقی گذاشته شده که تضمین از ضیاع مال میشود.
- ۱۵- رجوع از اقرار در فقه اسلامی از حدود پذیرفته میشود. لهذا شخص در جرمیکه در اقرار خط اقرارش درج است و حد را به دنبال خود دارد بحیث شبه تلقی میشود و حد را ملغی مینماید.
- ۱۶- مقر له در حق کسی که اقرار صورت میگیرد و اقرار خط ترتیب میشود باید استحقاق مقر را حسا و شرعاً داشته باشد.
- ۱۷- در اقرار خط های مرتبه این هم لازم است که مقر له مقر را تکذیب نه نماید والا اقرار معتبر شمرده نمیشود.
- ۱۸- از اینکه اقرار مقرین نزد هیات قضائی صورت میگیرد باید از طرف هیات قضائی تحقیق شود اما با آن هم در وقت گرفتن اقرار مقر باید موانع مانند اکراه، خفت عقل، جنون و حجز وجود نداشته باشد.
- ۱۹- از اینکه اقرار مقر درج اقرار خط گردید و وی از اقرار خود رجوع نمود این رجوع موصوف در حقوق العباد پذیرفته نمیشود.
- ۲۰- وجود شبهه قوی اثر اقرار در حدود ولوکه درج اقرار خط هم گردیده باشد حد را از بین میبرد.

پیشنهاد :

با آنکه کوشیدیم تا جوانب متعدد اقرار خط های رسمی را روشن سازم اما باوجود تلاش دریافتم که در ثبت اقرار خط ها مواردی وجود دارد که با پیشرفت تکنالوژی حفظ حقوق و وجایب اشخاص ایجاب مینماید که در زمینه قوانین ما، که گرفته شده از فقه اسلامی بوده به نظریات جدید علماً رو آورده و مسایل ضروری که حالا به میان آمده و علماً کرام به آن در پرتو قرآن و حدیث جواب داده در قوانین گنجانیده شود. تا مطابق آن اقرار خط های رسمی هم ترتیب گردد و از جانبی مشکل شرعی و حقوقی خلق الله حل گردیده باشد، قضات و مؤظفین وثایق به مشکل روبرو نشود لهذا پیشنهاد بنده به قوه قضائیه اینست که روند ترتیب اقرار خط ها را ساده سازی نماید تا حقوق مردم حفظ شود.

و پیشنهاد بنده به عموم دست اندرکاران فقه و قانون اینست که موضوعات مهم روز را از طریق پوهنتون ها سلسلتاً به وزارت محترم عدلیه برساند که موضوعات جدید درج قوانین گردد تا در زمینه هر عرصه اعم از تجاری، مدنی، جزائی و ... در ترتیب اقرار های رسمی موانع وجود نداشته باشد. و از طرفی هم حقوق افراد ضایع نگردیده و جای فقه اسلامی را که بزرگترین منبع قانون است نظریات عرفی نگیرد که چکیده از نظریات غربی میباشد.

لهذا بنده در مورد مختصراً اشاره می نمایم :

پیوند اعضا که یک مسئله حیاتی است در کشور های خارج پیوند اعضا را در حالی انجام میدهد که در مورد سند رسمی وجود داشته باشد و از طرفی هم در قوانین ما در مورد حکمی وجود ندارد و خوشبختانه که علماً معاصر از جمله دکتور یوسف قرضاوی حفظه الله حکمی را بیان نموده که قول ایشانرا بنده در رساله خود گنجانیدم که میتوان منبع برای قوانین ما گردیده و جوابگوی مشکلات گردد تا قضات در ترتیب اقرار خط های رسمی به مشکل مواجه نگردند و قیاس بر آن هر موضوع جدید که حکم فقهی در قبال آن صادر گردیده باید در قوانین گنجانیده شده و وثایق عموماً به استناد آن ترتیب گردد.

لست فهارس

فهرست آیات قرآنکریم :

شماره	آيات	اسم سورة	رقم آيه	صفحه
١-	(وَأَلْمَلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ)	سورة بقره	٢٨٢	١٠
٢-	(قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ)	سورة آل عمران	٨١	
٣-	(وَلَا تَنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ)	سورة بقره	٢٢١	٩٣
٤-	(يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ)	سورة النساء	١١	٦١
٥-	(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ)	//	١٣٥	١١
٦-	(بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ)	سورة القيامة	١٤	١١
٧-	(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ)	سورة توبه	٢٨	٢٨
٨-	(وَأَخْرَجُوا اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ)	سورة توبه	١٠٢	١١
٩-	(وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ)	سورة اعتراف	١٧٢	١٢

فهرست احاديث شريف :

شماره	احاديث شريف	صفحه
١-	اتى رجل رسول الله صلى الله عليه وسلم و هو فى المسجد	١٢
٢-	ان رجلاً اتى النبى صلى الله عليه وسلم فقال يا رسول الله انشدك الله	١٣
٣-	ان امرأه من جهينة اتت النبى صلى الله عليه وسلم و هى حبلى من الزنا	١٤
٤-	اوصانى خليلى	١٤
٥-	اوتى رسول الله صلى الله عليه وسلم بلص قد اعترفت	١٥
٦-	رفع القلم عن ثلاثة	١٧

فهرست آثار :

شماره	آثار	صفحه
۱-	إنّ الرجم حق في كتاب الله، اثر عمر رضى الله عنه	۱۵
۲-	ان عليا اقرعنده سارق مرتين و ...	۱۵

فهرست اعلام ترجمه شده :

صفحة	اعلام	تجاره
١٥	ابن حجر، محمد بن على بن حجر العسقلانى.	١-
٢٠	ابن رشد، محمد بن احمد بن محمد بن رشد	٢-
١٩	ابن عابدين، محمد أمين بن عمر الدمشقى الحنفى	٣-
٣٣	ابن فرحون، القاضى برهان الدين ابراهيم بن على المالكى	٤-
١٥	ابن قدامة، ابو محمد عبدالله بن احمد المقدسى	٥-
١١	ابن مفلح برهان الدين ابراهيم بن محمد بن عبدالله	٦-
٢٦	ابن نجيم، زين الدين بن نجيم بن ابراهيم بن محمد	٧-
١٠	ابن الهمام، كمال الدين محمد بن عبدالواحد السواسى	٨-
١٥	ابوداود، سليمان بن اشعث السجستانى الازدى	٩-
١٢	ابوهريره رضى الله تعالى عنه	١٠-
١٧	ابن ماجه، القزوينى ابو عبدالله محمد بن احمد بن زيد	١١-
١٢	الالوسى، ابو الفضل شهاب الدين السيد محمود شكرى	١٢-
٢٠	البابرتى محمد بن محمود	١٣-
١٢	البخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل بن ابراهيم	١٤-
١١	البهوتى، منصور بن يونس بن ادريس	١٥-
١٧	الجرجاني، شريف على بن محمد	١٦-
٢٠	الحصكفى، علاء الدين	١٧-
٣١	الحطاب محمد بن عبدالرحمن	١٨-
٢٠	داماد افندى، عبدالرحمن احمد بن سليمان	١٩-
١٩	الدسوقى، محمد بن احمد بن عرفه	٢٠-
٦	الرازى، محمد بن ابى بكر عبدالقادر	٢١-
٣٠	الرملى، شمس الدين محمد بن العباس	٢٢-

٣١	الزركشى، بدرالدين محمد بن بهادر	-٢٣
١١	الزمخشري، محمود جارالله	-٢٤
٣٣	الزيعي، فخرالدين عثمان بن علي	-٢٥
١٥	السرخسي، ابوبكر محمد بن احمد	-٢٦
٣٣	السيوطي، جلال الدين، بن عبدالرحمن	-٢٧
٧	الشرييني، محمد الحطيب	-٢٨
٣٩	الشنقيطي، محمد الامين محمد المختار	-٢٩
١٩	الشيرازي، ابراهيم بن علي بن يوسف	-٣٠
١٤	الشيواني، الامام احمد بن حنبل	-٣١
١٥	الصنعاني، ابوبكر عبدالرزاق بن الهمام	-٣٢
٨	العدوي، علي بن احمد	-٣٣
١٨	علي حيدر، المحامي فهمي الحسيني	-٣٤
١٤	عمران ابن الحصين بن عبيد خزاعي	-٣٥
١٩	الكاساني، ابوبكر بن مسعود	-٣٦
١٩	المرداوي، علاءالدين ابوالحسن علي بن سليمان	-٣٧
٢٨	المرغيناني، برهان الدين ابوالحسن علي بن ابي بكر	-٣٨
١٢	مسلم الامام ابوالحسن مسلم بن الحجاج القشيري النيشاپوري	-٣٩
١٥	النسائي، الحافظ ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب بن علي	-٤٠
١٢	النووي، ابو زكريا يحيى بن شرف النووي	-٤١

فهرست مصادر و مراجع القرآنكريم :

- ١- ابن حجر، محمد بن على بن حجر العسقلانى. تقريب التهذيب. تحقيق محمد عوامه، دارالكتب العربى.
- ٢- ابن رشد، محمد بن احمد بن محمد بن رشد الحفيد. (ت ١٩٨٣ م) مكتبة العلوم و الحكم بالمدينه : الطبعة الثانية.
- ٣- ابن عابدين، محمد أمين. (ت ١٩٦٦ م). ردالمحتار على درالمختار (حاشيه ابن عابدين). البابى الحلبى، بمصر. مطبعة المصطفى : الطبعة الثانية.
- ٤- ابن فرحون، القاضى برهان الدين ابراهيم بن على المالكى. (ت ١٣٨٧ هـ ق) تبصره الحكام مطبعة المصطفى البابى بمصر.
- ٥- ابن قدامه، ابومحمد عبدالله بن احمد المقدسى. المغنى. مكتبة الرياض الحديثه.
- ٦- ابن مفلح، برهان الدين ابراهيم بن محمد بن عبدالله (ت ١٩٧٤ هـ ق). المبدع شرح المقنع. المكتب الاسلامى دمشق.
- ٧- ابن نجيم، زين الدين بن نجيم. البحرالرائق شرح كنزالدقائق. دارالمعرفة للنشر و التوزيع، بيروت: الطبعة الثانية.
- ٨- ابن نجيم، زين الدين بن نجيم. الاشتباه و النظائر على مذهب امام ابن حنيفه (رح). دارالمكتب العلميه، بيروت لبنان.
- ٩- ابن الهمام، كمال الدين محمد بن عبدالواحد السواسى. (ت ١٣٨٩ هـ) فتح القدير شرح الهداية. مطبعه مصطفى البابى الحلبى، القاهره : الطبعة الاولى.
- ١٠- ابو داود، سليمان بن الاشعث السجستانى الازدى. (ت ١٣٨٨ هـ). سنن ابى داود. مطبوع مع معالم السنن، نشر و توزيع السيد حصص الطبعة الاولى.
- ١١- ابن ماجه عبدالله، محمد بن يزيد، سنن ابن ماجه كتاب طلاق، باب طلاق معطوه، صغير و نائم، الناشر دارالفكر بيروت، رقم الحديث (٢٠٤١) ٦٥٨/١
- ١٢- الالوسى، ابوالفضل، شهاب الدين السيد محمود شكرى. (ت ١٤١٥ هـ ق). روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم و السبع المثانى. دارالكتب العلميه : الطبعة الاولى.

- ١٣- البابر تي، محمد بن محمود. (ت ١٣٨١ هـ) العناية شرح الهداية. مطبعة المصطفى البابي الحلبى، مع فتح القدير.
- ١٤- البخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل بن ابراهيم. (ت ١٣٨٠ هـ ق) صحيح البخارى.
- ١٥- البهوتى، منصور بن يونس بن ادريس. (ت ١٣٩٤ هـ ق). كشف القناع عن متن الاقناع مطبعة الحكومة مكة المكرمة.
- ١٦- الجرجانى، شريف على بن محمد. (ت ١٤٠٧ هـ) التعريفات. دارالكتاب العربى : الطبعة الاولى.
- ١٧- الحصكفى، علاالدين. درالمختار على تنوير الابصار. مع حاشية ابن عابدين، المكتبة التجارية، مصطفى احمد الباز مكة المكرمة.
- ١٨- الخطاب، محمد بن عبدالرحمن. مواهب الجليل شرح مختصر خليل المعروف به (شرح الخطاب). مكتبة النجاح طرابلس، ليبيا.
- ١٩- الخرشى، محمد بن عبدالله بن على. الشرح الصغير على مختصر خليل. دار صادر، بيروت لبنان.
- ٢٠- داماد افندى، عبدالرحمن احمد بن سليمان. (١٣٢٧ هـ ش). مجمع الانهر شرح ملتقى الابحر. مطبعة العثمانية.
- ٢١- الدسوقى، محمد بن احمد بن عرفة. (ت ٣٠٠٣ م). حاشية الدسوقى على شرح الكبير توزيع مكتبة عباس احمد الباز، مكة المكرمة. الطبعة الثانية.
- ٢٢- الرازى، محمد بن ابى بكر عبدالقادر. (ت ١٣٣٦ هـ ق). مختار الصحاح ترتيب محمود.
- ٢٣- الرملى، شمس الدين محمد بن العباس. (ت ١٣٨٦ هـ ق). نهاية المحتاج. مطبعة مصطفى البابي الحلبى و اولاده، بمصر : الطبعة الاخير.
- ٢٤- الرزكشى بدرالدين محمد بن بهادر، المنشور فى لقواعد. وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، دولت كويت.
- ٢٥- الزمخشري، محمود جارالله، الكشاف. مطبعة مصطفى البابي، الحلبى بمصر.
- ٢٦- الزيلى، فخرالدين، عثمان بن على. (ت ١٣١٣ هـ ق). تبين الحقائق شرح كنز الدقائق. المكتبة الكبرى الاميرية، القاهره : الطبعة الاولى.
- ٢٧- السرخسى، ابوبكر محمد بن احمد. (ت ٢٠٠٩ م). المبسوط. دارالكتب العلمية، بيروت : الطبعة الثانية.

- ٢٨- السيوطى، جلال الدين، بن عبدالرحمن (ت ١٩٩٠ هـ ق). الاشتباه و النظائر فى فقه الشافعية. دارالكتب العلمية، بيروت لبنان، الطبعة الاولى.
- ٢٩- الشربيني، محمد الخطيب (ت ١٣٨٩ هـ ق). مغنى المحتاج، دارالفكر للطباعة و التوزيع.
- ٣٠- الشنقيطى، محمد الامين محمد المختار. (ت ١٤١٧ هـ ق) اضواء البيان فى ايضاح القرآن بالقران. داراحياء التراث، العربى بيروت.
- ٣١- الشيرازى، ابراهيم بن على بن يوسف. المذهب فى فقه الامام الشافعى. مطبعة البابى الحلبي القايره.
- ٣٢- الشيبانى، الامام احمد بن حنبل. (ت ١٣٩٨ هـ). المسند. مع ترتيب شيخ ناصرالدين الالبانى المكتب الاسلامى بيروت : الطبعة الثانية.
- ٣٣- الصنعانى، ابوبكر عبدالرزاق بن همام. (ت ١٩٧٠ م). المصنف. تحقيق و تخريج حبيب الرحمن الاعظمى المكتب الاسلامى بيروت : الطبعة الاولى.
- ٣٤- العدوى، على بن احمد. (ت ١٤١٧ هـ ق) حاشية العدوى على الخريشى. تحقيق شيخ زكريا، دارالكتب العلمية : الطبعة الاولى.
- ٣٥- على حيدر. درالحكام شرح مجلة الحكام. تعريب المحامى فهمى الحسينى المكتبة العربية، كانسى رود كويته.
- ٣٦- الفوزان، عبدالله بن صالح. (ت ١٤٢٩ هـ ق). منحة العلام شرح بلوغ المرام. دار ابن جوزى : الطبعة الاولى.
- ٣٧- الكاسانى، ابوبكر بن مسعود. (ت ١٩٨٢ م). البدائع الضائع فى ترتيب الشرائع. دارالكتاب العربى لبنان : الطبعة الثانية.
- ٣٨- المرادوى، علاالدين ابوالحسن على بن سليمان. (ت ١٩٧٥ م). الانصاف فى معرفة الراجح من الخلاف تصحيح و تحقيق محمد حامد الفقهى، مطبعة الستة المحمديه القايره : الطبعة الاولى.
- ٣٩- المرغينانى، برهان الدين ابوالحسن على بن ابى بكر. (ت ٢٠٠٧ م) الهداية شرح بداية المبتدى. مكتبة شيرى پاكستان كراتشى : الطبعة الاولى.
- ٤٠- مسلم، الامام ابوالحسين مسلم بن الحجاج القشيرى النيشاپورى. صحيح مسلم مطبوع مع شرح النووى المطبعة العربية، القايره.
- ٤١- النسائى، الحافظ ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب بن على. سنن النسائى. داراحياء التراث العربى، بيروت.

- ۴۲- النووی، ابوزکریا یحیی بن شرف النووی. المجموع شرح المذهب. الطبعة دارالکتب العلمیة.
- ۴۳- رهنمای قضات افغانستان سازمان بین المللی انکشاف حقوق.
- ۴۴- دهخدا، علی اکبر. امثال و حکم دهخدا، چاپخانه، آرمانسا، میدان انقلاب، خیابان (۱۲) فرور دین خیابان وحید نظری تهران.
- ۴۵- فرهنگ عربی به فارسی، تهیه و ترجمه : گروه مولفین انتشارات ایمان چاپخانه دریا میدان انقلاب.
- ۴۶- رؤفی قضاوتپوه عتیق الله، ثبت اسناد و وثایق محل چاپ مطبوعه نعمانی سال (۱۳۹۱).
- ۴۷- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (۱۳۸۲ ش). جریده رسمی.
- ۴۸- قانون مدنی افغانستان جریده رسمی (۳۵۳) ۱۳۵۵/۱۰/۱۵ وزارت عدلیه مطبوعه دولتی.
- ۴۹- قانون اصول محاکمات مدنی (۷۲۲) جریده رسمی مورخ ۱۳۶۹/۵/۳۱ هـ.ش.
- ۵۰- کود جزا افغانستان جریده رسمی (۱۲۶۰) تاریخ نشر ۱۳۹۶/ثور/۲۵ هـ.ش مطبوعه دولتی.
- ۵۱- قانون اجراءات جزائی ریاست نشرات وزارت عدلیه جریده رسمی (۱۱۳۲) مطبوعه بهیر تاریخ نشر ۱۳۹۳/ثور/۱۵ هـ.ش.
- ۵۲- تعلیمات نامه تحریر و وثایق مصوب سال (۱۳۳۶) فرمان شماره (۴۴۶) ۱۳۳۶/۱/۴ هـ.ش.
- ۵۳- تعلیمات نامه اشباه و وثایق شماره (۱۷۷۰) مورخ ۱۳۳۹/۳/۹ وزارت عدلیه.
- ۵۴- صافی، عبدالباقی، رهنمای وثایق و سجلات دعاوی محاکم طبع جدید : اداره نشراتی علمی تقوی.
- ۵۵- رؤفی، عین الله : رهنمای وثایق طبع اداره علمی نشراتی التقوی.
- ۵۶- عدالت خواه، پوهندوی عبدالقادر، حقوق فامیل، سال طبع (۱۳۸۷) چاپخانه : بنگاه انتشارات و مطبوعه میوند کابل افغانستان (۴۰-۳۹/۱)
- ۵۷- قانون ثبت احوال نفوس جریده رسمی نمبر مسلسل (۱۱۵۴) وزارت عدلیه مطبوعه دولتی تاریخ ۱۳۹۳/۹/۱۰.
- ۵۸- قانون مکلفیت عسکری وزارت عدلیه، جریده رسمی نمبر مسلسل (۷۵۲) شماره فوق العاده اول میزان (۱۳۷۰ هـ.ش)
- ۵۹- قانون مالیات بر عایدات وزارت عدلیه مطبوعه دولتی، نمبر مسلسل (۹۷۶) تاریخ نشر ۱۲۸۷/۱۲/۲۸ هـ.ش

Summary of the Discussion

Ways of proof in the eyes of scholars (Mulam Emams), who have discussed it in the laws of Afghanistan as means of proof, according to the importance, the first of which is confession, because the laws of Afghanistan are based on the rules of jurisprudence.

That confession is first and foremost in proving the truth. Therefore, its official trustworthiness and validity is a valid reason when it concerns a person to be done in a competent court before the judiciary.

Therefore, I discussed this issue under the title (Literary word of Confession of Official letters), In this work, I discussed the fundamentals of confession, which include the introduction, reasons and legitimacy of the confession of the pillars and conditions of confession.

Because in acknowledging the official letters, the importance part is the confession, and this type of religious documents is also called by the same name (confession letter), also because the person is the confessor as a human being who is not free from human side effects and complications.

Therefore, in the first chapter, the obligation of the confessor of the barriers to confession is discussed in detail, and also from the other pillars, which is the regulation of the right of a person or something that is confessed, what are the conditions? The confessors who confesses, which rights and its conditions are being considered?

Hence, in the second chapter, from the order and literary words the types of confessions of official letters based on and its registration, theological and substantive competencies are established, qualifications, including personality

age, details, national ID card, photo, and finger taking, in the columns of documents (collateral) completion of collateral in case the executing judge becomes the judge's accuracy in building of academic documents and type of confessions and other official letters, In the light of Afghan law, there has been a debate that in all cases.

The laws do not seem to be in accordance with jurisprudence, and the manner and effect of each confession of the script are different, which during the discussions and the independent contents of this treatise have been discussed from that example also been written.



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master Program in Jurisprudence & Law



Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Higher Education

Private Universities Presidency

Literacy Words of Confession Letter

A Master's thesis

Student: Hukm jan (Hakim)

Supervisor: Dr. Salim (Madani)

Year: 2020



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Jurisprudence & Law



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Private Universities Presidency

Literacy Words of Confession Letter

A Master's thesis

Student: Hukm jan (Hakim)
Supervisor: Dr. Salim (Madani)

Year: 2020